

سلسله نشست‌های تخصصی

نشست تخصصی پنجم

آینده آموزش عالی:

چالش‌ها و راهکارها



سخنرانان:

دکتر سعید نمکی، معاون امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور  
دکتر علینقی مشایخی، عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف  
دکتر مجتبی شریعتی نیاسر، معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دکتر غلامرضا گرایبی‌نژاد، رئیس امور آموزش عالی، تحقیقات و فناوری سازمان برنامه و بودجه کشور



جمهوری اسلامی ایران  
سازمان برنامه و بودجه کشور  
مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

**سلسله نشست‌های تخصصی**

**نشست تخصصی پنجم**

# **آینده آموزش عالی: چالش‌ها و راهکارها**

## شناسه گزارش

عنوان	سلسله نشست‌های تخصصی: نشست تخصصی پنجم - آینده آموزش عالی: چالش‌ها و راهکارها
کد شناسه	۹۷-۶-۱۰۳۰
سخنرانان	- دکتر سعید نمکی، معاون امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور - دکتر علینقی مشایخی، عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف - دکتر مجتبی شریعتی نیاسر، معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دکتر غلامرضا گرایی نژاد، رئیس امور آموزش عالی، تحقیقات و فناوری سازمان برنامه و بودجه کشور
تاریخ برگزاری	۱۳۹۷/۲/۲۴
ناشر	انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور
تاریخ انتشار	تابستان ۱۳۹۷
حقوق معنوی این اثر متعلق به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور است و استفاده از آن با ذکر ماخذ بلامانع خواهد بود. برای دریافت گزارش‌های مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری به آدرس ذیل مراجعه فرمایید: <a href="http://www.DFRC.ir">www.DFRC.ir</a> مطالب این گزارش، الزاماً نظرات رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نمی‌باشد.	

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	اهم عناوین جمع‌بندی گزارش
۷	مقدمه
۹	دکتر فرهاد دژپسند
۱۱	دکتر سعید نمکی
۱۷	دکتر علینقی مشایخی
۴۱	دکتر مجتبی شریعتی نیاسر
۵۱	دکتر غلامرضا گرایبی نژاد
۶۳	پرسش و پاسخ
۷۰	جمع‌بندی
۷۴	تصاویری از نشست



## اهم عناوین جمع‌بندی گزارش<sup>۱</sup>

### ۱. برخی از مهم‌ترین چالش‌ها، مسائل و مشکلات آموزش عالی

- توسعه بی‌رویه دانشگاه‌ها بدون تناسب لازم با نیازمندی‌ها و الگوی توسعه کشور
- جامعه‌محور نبودن نظام آموزش عالی ایران (ارتباط محدود با نیازهای جامعه)
- کم‌توجهی نسبت به آموزش دانش‌آموختگان، متناسب با نیازهای بازار کار
- ضعف نظارت بر کارایی دانشگاه‌ها
- کاهش کیفیت دانش‌آموختگان به دلیل گسترش بی‌رویه آموزش عالی
- کاهش خلاقیت و نوآوری علمی به نسبت گسترش آموزش عالی

### ۲. برخی از مهم‌ترین راهکارهای آموزش عالی

- اجرای مفاد برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در حوزه آموزش عالی
- رعایت اصل ۳۰ قانون اساسی با توجه به اصول رقابتی کردن آموزش عالی
- تعیین شاخص‌های ارزیابی دانشگاه‌های مدنظر و اعضای هیات علمی بر اساس پرداختن به چالش‌ها، مسائل و مشکلات کشور
- اختصاص اعتبار ویژه برای مهارت‌افزایی دانشجویان
- رصد شغلی دانش‌آموختگان برای تجزیه و تحلیل بازار کار و تناسب بیشتر آموزش عالی با بازار کار
- تمرکز روی تحقیقات مسئله‌محور در دانشگاه‌ها
- تبیین روابط آموزش عالی با اصلی‌ترین ذینفعان (دولت، خانواده‌ها، بخش‌های اقتصادی، مؤسسات آموزش عالی و ...)
- هدایت دانشگاه‌ها به نسل سوم (کارآفرین) و نسل چهارم (فعال و مشارکت‌کننده در مسائل جامعه)
- اخذ مستمر نظرات صاحب‌نظران در مورد برنامه‌های آموزش عالی
- اجرای برنامه ساماندهی مؤسسات آموزش عالی توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- اجرای برنامه توسعه مهارت‌افزایی و ارتقاء اشتغال‌پذیری دانشجویان (برنامه بلندمدت و کوتاه‌مدت)

۱. مشروح مطالب جمع‌بندی در انتهای گزارش ارائه شده است.





## مقدمه

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری به‌منظور بررسی مسائل و مشکلات مهم و اساسی کشور در سطوح ملی، فرابخشی، بخشی و ... و همچنین ارائه مشاوره و خدمات کارشناسی به سازمان برنامه و بودجه، اقدام به برگزاری نشست‌های تخصصی با استفاده از صاحب‌نظران، اساتید دانشگاهی، مدیران، پژوهشگران و کارشناسان نموده است.

در این نشست‌ها از صاحب‌نظران مختلف که دارای تخصص و یا شاخه‌های تخصصی متفاوت و یا مکمل حول یک موضوع هستند دعوت به عمل می‌آید تا ضمن پرداختن به یک موضوع از زوایای مختلف، تفاوت دیدگاه‌ها نیز بررسی شود. این روش می‌تواند با بحث، تضارب آراء و تعامل میان صاحب‌نظران و نیز شرکت‌کنندگان در نشست، ضمن روشن‌تر کردن ابعاد یک موضوع، ابهامات، اشکالات و موارد نادیده را روشن‌تر نماید. از همین رو، مدیریت هر نشست وابسته به هدف، موضوع، تخصص شرکت‌کنندگان و ماهیت بحث‌ها متفاوت می‌باشد. به‌طوری که در برخی از نشست‌ها، ممکن است هدف، بررسی یک موضوع از زوایای مختلف و در نشست دیگر روشن کردن ابعاد اختلاف‌نظر و ابهامات تخصصی یا بررسی آینده‌های مطلوب و ممکن موضوع مورد بحث باشد. چون هدف مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری استفاده از نتایج این نشست‌های تخصصی می‌باشد از این رو، ممکن است نتایج برخی از نشست‌ها شروع یک مطالعه و پژوهش برای سیاست‌گذاری یا تدوین بسته‌های سیاستی را رقم بزند و برخی نشست‌ها برای تقویت و کمک به پژوهش‌هایی باشد که در سازمان برنامه و بودجه کشور و یا مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری و یا دستگاه‌های اجرایی در دست اجرا می‌باشند. برخی اوقات نیز هدف نشست‌ها ممکن است مقایسه تطبیقی میان نتایج پژوهش‌های انجام شده باشد. با توجه به هدف نشست‌ها که ارائه راهکارها و سیاست‌های اصلی حول موضوعات می‌باشد و اینکه مستمعین شرکت‌کننده در نشست به موضوعات احاطه دارند، معمولاً صاحب‌نظران به اصل بحث‌ها می‌پردازند و از ارائه مطالب مقدماتی و دور از اصل موضوع تا حد امکان پرهیز می‌شود، بر همین اساس نیز زمان اختصاص یافته به هر سخنران معمولاً محدود (وابسته به موضوع مورد بحث از حدود پانزده تا بیست دقیقه) می‌باشد.

امید است، نتایج این نشست‌ها مورد استفاده مدیران، اساتید دانشگاه، سیاست‌گذاران، پژوهشگران و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری و سایر دستگاه‌های اجرایی و مراکز علمی، مسئولین، متخصصین، صاحب‌نظران و سایر علاقه‌مندان مورد استفاده قرار گیرد.

در گزارش پیوست، مشروح مباحث نشست «آینده آموزش عالی: چالش‌ها و راهکارها» به انضمام جمع‌بندی تقدیم می‌شود. بدین‌وسیله از همه شرکت‌کنندگان تشکر و قدردانی می‌شود. ضمناً از همه خوانندگان و علاقه‌مندان درخواست می‌شود پیشنهادات و انتقادات خود را درباره این نشست و سایر نشست‌ها به این مرکز منعکس نمایند.

**مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری**



## دکتر فرهاد دژپسند

عرض سلام و ادب و احترام خدمت همه عزیزان حاضر در نشست دارم. مطابق نشست‌های تخصصی پیشین، صاحب‌نظران رشته‌های مختلف را دعوت کرده‌ایم تا یکی از دغدغه‌های سازمان برنامه و بودجه را بررسی کنیم و بتوانیم از دیدگاه‌های مختلف در فرایند سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری این موضوع استفاده کنیم. آموزش عالی یکی از دغدغه‌های عمومی و پرچالش چند سال اخیر در کشور بوده است. زمانی که گسترش آموزش عالی شروع شده بود همه استقبال کردند و آن را به فال نیک گرفتند و واقعاً شاید به سهولت قابل پیش‌بینی نبود که این استقبال مسئولین و مردم به واسطه تقاضای بالای اجتماعی باعث شود تا روزی در مورد چالش‌ها و مشکلات این نوع گسترش صحبت کنیم. گسترش کمی آموزش عالی سؤال‌هایی را در مورد اثرات و نتایج آینده‌ی روندی که این بخش در پیش گرفته، ایجاد کرده است. از طرف دیگر آموزش عالی یکی از عوامل توسعه کشور است و نسبت دانشجویان به جمعیت یکی از شاخص‌های مهم در این زمینه می‌باشد، برای مثال وقتی دانش‌بنیان کردن اقتصاد مطرح می‌شود یکی از مؤلفه‌های اصلی، آموزش عالی و پرورش سرمایه انسانی به معنای اعم و کیفیت و ویژگی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به معنای اخص آن است. به همین دلیل توسعه کمی و کیفی آموزش عالی در سال‌های قبل با استقبال زیاد همراه بود و تلاش‌های زیادی برای این اقدام توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بخش خصوصی صورت گرفته و طی سال‌های گذشته این گسترش مایه مباحث بوده است. البته این گسترش سریع کمی در حوزه‌هایی بدون توجه به استانداردهای لازم صورت گرفته است و لذا بخش‌هایی از اقدامات آموزش عالی، سبب بروز چالش‌ها، مسائل و مشکلاتی شده است، به طوری که در سطح مدیران و کارشناسان مطرح شده است.

این نگرانی‌ها باعث شده تا اقدامات متعددی صورت بگیرد از جمله اینکه اخیراً همایشی توسط آقای دکتر نمکی با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. لذا تصمیم گرفتیم برای تداوم کار، این نشست را بلافاصله برگزار کنیم تا ما نیز در کمک به این اقدام به بررسی چالش‌ها، مسائل و مشکلات بپردازیم و بتوانیم راهکارهای لازم را ارائه کنیم.

عزیزانی که دعوت شده‌اند وجوه مختلفی از مسئله را مطرح می‌کنند و ممکن است چالشی بین عزیزان نباشد بلکه مطالب آن‌ها مکمل هم باشد اما در بخش پرسش و پاسخ این امکان وجود دارد که مشارکت‌کنندگان بحث‌های ارائه‌شده را به چالش بکشند و بر غنای نشست بیفزایند.



## دکتر سعید نمکی

## موضوع: چالش‌های آموزش عالی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به نام خداوند جان و خرد  
 کزین برتر اندیشه برنگذرد  
 خداوند هست و خداوند نیست  
 همه بندگانییم و ایزد یکی است

سلام عرض می‌کنم خدمت حضار محترم، مدعوین، همکاران و بخصوص معاون محترم وزیر جناب آقای شریعتی نیاسر که امروز میهمان سازمان هستند و تشکر می‌کنم از مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری که با برگزاری نشست این فرصت را فراهم آوردند.

ما امروز قصد داریم به برخی چالش‌ها و مسائل آموزش عالی بپردازیم ولی باید درعین حال دقت کنیم که پرداختن به چالش‌های نظام مالی کشور به این معنی نیست که کامیابی‌ها و دستاوردهای آموزش عالی را نادیده بگیریم و یا به‌اندازه لازم به آن توجه نکنیم. واقعیت این است که ما بعد از انقلاب چه از نظر تعداد دانشجو و چه از نظر تعداد رشته‌های تحصیلی و چه از نظر تربیت فارغ‌التحصیلان، بسیار عالی عمل کرده‌ایم که هم در کشور و هم در خارج از کشور مثل خورشید درخشیدند.

این‌که ما هر از گاهی باید برمی‌گردیم تا راه‌های رفته و مسیر طی شده را ارزیابی می‌کنیم، کاستی‌ها، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها را بررسی می‌کنیم، یک روال طبیعی است که در همه جای دنیا و از جمله در کشورهای پیشرفته و بر مبنای اصول منطقی انجام می‌شود. برای مثال از سال ۱۳۵۰ میلادی که دانشگاه پاریس بر مبنای دفاع از کلیسا بر پا شد تا اکنون تحولات عظیمی در سیستم آموزشی این دانشگاه و همچنین سایر دانشگاه‌ها مانند هاروارد و غیره ایجاد شده است که بر مبنای همین بررسی عملکرد و نقد روند گذشته بوده است. لذا اینکه ما می‌خواهیم مروری بر عملکرد گذشته آموزش عالی داشته باشیم به معنای نادیده گرفتن ساحت مقدس آموزش عالی و اقدامات ارزشمند اساتید گرامی و دانش‌آموختگان ارزشمند آموزش عالی نیست.

در این رابطه باید به یاد بیاوریم در قبل از انقلاب رشته‌های علوم پزشکی ما به حدی محدود بود که مجبور بودیم تعداد قابل‌توجهی مریض را به خارج از کشور برای مداوا بفرستیم ولی امروز با تلاش ارزشمند و کارآمد اساتید و دانشجویان و دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی، من به‌عنوان یک معلم قدیمی علوم پزشکی به‌جرت می‌توانم بگویم که ما حتی در یک مورد هم نیازمند اعزام بیمار به خارج از کشور نیستیم. مگر موارد لوکس و غیرضروری که برخی خانواده‌ها و افراد ثروتمند به دلایل شخصی انجام می‌دهند و گرنه ما نیازی به اعزام بیمار به خارج از کشور نداریم و این

حاصل‌آلتای دانشگاه‌های علوم پزشکی و سایر اقدامات از این دست در مملکت است. این‌ها دستاوردهای مهم آموزش عالی در زمینه پزشکی در این کشور است که بسیار مهم هستند و این رویه بی‌توجهی به این دستاوردهای بزرگ و گاهی بی‌انصافی که رواج یافته است باعث نگرش غیرمنطقی به آموزش عالی نشود. این مقدمه‌ای بود تا اینکه من بپردازم به چالش‌های اصلی پیش روی نظام آموزش عالی کشور که به شرح ذیل ارائه می‌شود:

### چالش اول: جامعه‌محور<sup>۱</sup> نبودن نظام آموزش عالی ایران

اولین چالشی که من فکر می‌کنم به‌عنوان یک اصل باید به آن بپردازیم که در نشست دانشگاه صنعتی شریف نیز عرض کردم این است که آموزش عالی ما جامعه‌محور (Community-based) نیست یعنی ما نیروی مورد نیاز جامعه را تربیت نمی‌کنیم و به عبارتی بر مبنای مشکلات واقعی جامعه نیرو تربیت نمی‌کنیم. دانشگاه ما در پشت دیوارهای شیشه‌ای با جامعه فاصله دارند.

در این رابطه لازم است از یک تجربه بگویم. حدود ۳۰ سال پیش با کمک چند نفر از دوستان مسئله‌ای را به نام "آموزش پزشکی جامعه‌محور" مطرح کردیم. شاید این بحث از خود من شروع شد که سؤال این بود که چرا وقتی دانشجوی تربیت می‌کنیم همه محیط آموزشی را به بیمارستان محدود کنیم؟ برای مثال وقتی دانشجوی طب تربیت می‌کنیم همه محیط آموزشی را محدود به بیمارستان می‌شود. برای مثال به دانشجوی یاد می‌دهیم که بیماری تیفوئید چیست، چه ویژگی‌هایی دارد. داروهای آن چیست. آزمایش‌های مربوط به آن کدامند؟ و ... درحالی‌که باید یاد بدهیم که اگر وارد یک روستا شد و دید ۵ یا ۱۰ یا ... نفر تیفوئید گرفته‌اند بتواند بررسی کند که آیا منشأ بیماری آب آلوده است؟ سبزی آلوده است؟ یا چیز دیگری است؟ یعنی تشخیص پزشک در یک محیط آزمایشگاهی یا بیمارستانی یا فردی متفاوت است از همان بیماری در محیط اجتماعی. باید به او یاد بدهیم که در یک نظام سلامت چگونه می‌تواند نقش‌آفرینی کند و چه کمکی می‌تواند به مدیریت نظام سلامت بکند یعنی طبیب در شرایط اجتماعی به‌جای تمرکز بر بیماری باید بر بیمار متمرکز شود و این بیمار مجموعه‌ای است از شرایط اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... و تو و من به‌عنوان طبیب حق نداریم بدون توجه به این شرایط بیمار، تصمیم بگیریم. برای مثال باید توجه کنیم بیمار چقدر توانایی خرید دارو و چه دارویی دارد و دارویی بنویسیم که بتواند خریداری کند و ... بر این اساس حرکت بزرگی در حوزه پزشکی شروع کرد که جواب‌های کاربردی از آن درآمد. ولی متأسفانه در خیلی از رشته‌های دانشگاهی خلاء داریم و هنوز جامعه‌محور نشده‌ایم.

---

1. Community-based

### چالش دوم: عدم تربیت دانش‌آموختگان متناسب با نیاز بازار کار

دومین چالش آموزش عالی این است که ما فارغ‌التحصیلان را با مهارت‌های لازم برای ارائه خدمت تربیت نمی‌کنیم. برای مثال در شرایطی که اکثر ماشین‌های ما پژو و پراید هستند، لاستیک تراکتور تولید می‌کنیم یا برعکس ماشین‌های ما اتوبوس و کامیون هستند و ما لاستیک پراید تولید می‌کنیم که عواقب زیادی دارد از جمله اینکه لاستیک‌ها مصرف نمی‌شود و در انبار می‌پوسند و خدمت لازم تأمین نمی‌شود و ...

یعنی این ۴۲ درصد بیکاری که در گروه لیسانس به بالای جامعه می‌بینیم، نشانه همین عدم تناسب در مهارت‌آموزی است. بیشتر بیکاران کنونی لیسانس به بالا هستند علت می‌تواند این باشد که یا زیرساخت کافی برای ارائه خدمات تهیه نکردیم یا اینکه مهارتی که متناسب با خدمت مورد تقاضا است آموزش نداده‌ایم.

ما در تجارب دنیا هم می‌بینیم برای مثال در سال‌های حدود ۱۹۷۰ در هند درخواست‌های کارایی به مؤسسات کارایی به دنبال لیسانس و فوق‌لیسانس نبودند بلکه به دنبال کسانی بودند کار بلد باشد. همین الان هم کارخانجات داروسازی ما به همین نحو عمل می‌کنند برای مثال کارخانه داروسازی ما تکنسین ۴۰ ساله خودش را از دست نمی‌دهد تا یک دکترای داروسازی صنعتی را استخدام کند. چون این دکترای داروسازی صنعتی به دردش نمی‌خورد و مهارت متناسبی نیاموخته تا مشکل این کارخانه حل کند ولی آن تکنسین می‌تواند این مشکل را حل کند.

### چالش سوم: بالا بودن قیمت تمام‌شده محصول دانشگاه‌ها

قیمت تمام‌شده محصول دانشگاه ما بالا است. در این رابطه هم طول دوره آموزش عالی ما طولانی است و هم متأسفانه برخی از دروس اصلاً کاربردی نیستند و به اصطلاح نه به درد دنیا و آخرت دانشگاهی می‌خورد و نه به درد هیچ کجای مملکت. برای مثال ما درسی داشتیم که استاد می‌گفت واقعاً هیچ کاربردی ندارد. بنابراین دانشگاهیان تعداد واحدهایی را می‌گذرانند که نیازی به آن‌ها ندارند که به هر حال هم هزینه تحصیل بالا می‌رود و هم دوره طولانی می‌شود، هم وقت دانشجو تلف می‌شود و ...

### چالش چهارم: جزیره‌ای عمل کردن دانشگاه‌ها

بعد از سال‌ها از تأسیس دانشگاه‌ها هنوز ارتباطی بین دانشگاه‌های ما برقرار نیست. هر دانشگاهی همه‌چیز را صرفاً برای خودش می‌خواهد. برای مثال موقعی که ما مشکلات تأمین داشتیم و شاید یک بخاری برای یک مدرسه نمی‌توانستیم بخریم به دلیل حساسیت و امید به دانشگاه‌ها و اهتمام دولت مثلاً بیست سال پیش تجهیزات گران‌قیمتی را خریداری کرده‌ایم مثلاً ۲۰,۰۰۰ دلار یا ... و متأسفانه از این تجهیزات خیلی خیلی محدود استفاده شده و در مواردی حتی ممکن است استفاده نشده باشد. حالا شاید ۳۰ ورژن و نوع جدید از این دستگاه هم آمده است. همه دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها هم کلید آزمایشگاه و کارگاه را نزد خودشان نگاه می‌دارند و به هیچ‌کس دیگری نمی‌دهند. درحالی‌که این‌ها تجهیزات مملکت است و باید با حداکثر کارایی از آن‌ها استفاده مشترک نماییم. لذا اگرچه آزمایشگاه‌های ما بسیار مجهز هستند ولی خروجی کافی ارائه نمی‌کنند.

جالب است بشنوید که سال‌ها پیش یک پروفیسور خارجی را به ایران دعوت کرده بودیم. بعد از بازدیدهایش اعلام کرد که شما فقط در تهران به اندازه یک قاره تجهیزات آزمایشگاهی دارید، ولی نه تنها به اندازه یک کشور اروپایی بلکه به اندازه یک شهر کوچک قاره اروپا، از آن بهره‌برداری نمی‌کنید و خروجی ندارید. این نگاه بسیار غلط جزیره‌ای است.

### چالش پنجم: توسعه بی‌رویه دانشگاه‌ها بدون توجه به الگوی توسعه و آمایش سرزمین و ...

توسعه برخی از دانشگاه‌ها با فشار نماینده محترم، با فشار استاندار محترم، با فشار امام‌جمعه محترم و ... ایجاد شده است که البته واقعاً همه هم از روی دلسوزی و عشق و علاقه بوده است و هیچ سوءنیتی نیز در کار نبوده است. ولی این توسعه آموزش عالی مبتنی بر منطق اقتصادی و الگوی درست اقتصادی و آمایش سرزمین و مبتنی بر هزینه-فایده نبوده است. لذا ما تعداد زیادی دانشگاه تأسیس کرده‌ایم که خیلی‌هایشان فقط فارغ‌التحصیل بیکار تحویل می‌دهند و هزینه به کشور تحمیل می‌کنند. چه در ایجاد دانشگاه و چه در ایجاد رشته تحصیلی این‌گونه عمل کردیم لذا رشته‌هایی تأسیس کردیم که خیلی از آن‌ها در ایران جایی برای کار ندارند.

### چالش هشتم: عدم تعادل در تحصیلات تکمیلی

نسبت آموزش تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و بالاتر) به تعداد کارشناسی در حال تبدیل به عدم تناسب زیاد می‌باشد. باید بین این مقاطع یک تناسبی وجود داشته باشد. برای مثال آموزشگاه دوره لیسانس پرستاری را بسته‌ایم ولی دکترای پرستاری ایجاد کرده‌ایم و تربیت می‌کنیم. حال این دکترای پرستاری دیگر کارهای یک لیسانس پرستاری را انجام نمی‌دهد و یا درشان خود نمی‌داند. در این رابطه به یکی از دانشجویان ایمونولوژی خودم گفتم شما با این کار دو ضرر به خودت زده‌ای یکی اینکه سطح توقعات از زندگی و ... بسیار بالا رفته است و دیگر اینکه کارهای ضروری و تکنیکی و ساده که قبلاً انجام می‌دادی دیگر انجام نمی‌دهی. این یعنی اینکه ما متأسفانه تعادل را در فارغ‌التحصیلانمان بدون توجه به نیازهای واقعی جامعه بر هم زده‌ایم.

### چالش هفتم: تربیت تک‌بعدی دانشجویان

ما داریم دانشجویان را به صورت تک‌بعدی تربیت می‌کنیم که خطر بسیار بزرگی است. آن‌ها را متمرکز صرفاً بر تخصص می‌کنیم و برخی از جاها وارد ریز تخصص و فوق تخصص می‌شویم. برای مثال داریم تخصص جراحی انگشت دست راست ایجاد می‌کنیم. خوب این متخصص بدون توجه به سایر جنبه‌های تخصصی و نیز تاریخی و اجتماعی و فرهنگی تبدیل به یک غول تخصصی بدون ابعاد شخصیتی لازم می‌شود و شاید با جامعه‌اش هم بیگانه یا غریبه می‌شود و قطعاً پا به رکاب رفتن می‌شود. من همیشه می‌گویم وقتی متخصص ما، دانشجوی ما حافظ و شناخت مولانا را شناخت سعدی را شناخت، در ایران می‌ماند. روح ملی زمانی شکل می‌گیرد که این آدم خودش را به یک آب و خاکی با یک دیرینه‌ای متصل بداند.



مثالی بزنم، یک روزی در حدود ۲۸ سال به ژنو رفته بودم و در حال تحقیق برای ریشه‌کشی یک کرم بودیم. من دیدم در اتاق مسئول برنامه این تحقیق که آمریکایی بود این شعر درج شده بود:

یکی را حکایت کنند از ملوک  
که بیماری رشته کردش چو دوک

یعنی این آمریکایی و خارجی بررسی کرده و دیده است که سعدی در چند صد سال پیش اولین کسی بوده که این بیماری و عاملش را می‌شناخته است. ولی دانشجویان ما هیچ ارتباطی در افکار و اندیشه با سعدی، حافظ، مولانا و ... ندارند و بلکه با آن‌ها بیگانه هستند.

مثال دیگری بزنم که از یکی از همکارانم سؤال کردم که طب تخصصی چند سال است به وجود آمده که ایشان گفتند: حداکثر ۱۰۰ سال. در پاسخ گفتم که سعدی صدها سال طب تخصصی را تشخیص داده و در قالب این شهر ارائه کرده است:

علاج درد مشتاقان طبیب عام نتواند (نشناسد)  
مگر لیلی کند درمان غم مجنون شیدا را

یعنی این بیمار، متخصص خاص این کار را می‌خواهد و طبیب یا پزشک عمومی به کارش نمی‌خورد. یا در رابطه با روانشناسی طب مولانا چیزهای زیادی داریم و همچنین ابن‌سینا را داشتیم که ادبیات می‌دانست، عرفان می‌دانست، شعر می‌گفت، طب می‌دانست و ...

ولی ما الآن داریم آدم‌های تک‌بعدی تربیت می‌کنیم و یکی از خطرات تک‌بعدی شدن این است که وابستگی و علقه متخصصین به آب و خاک اشان حتماً کم می‌شود و به شدت پا به رکاب رفتن می‌شوند. نتیجتاً اینکه ما بهترین متخصصین را با هزینه بالا بر دوش مردم تربیت می‌کنیم و متأسفانه به راحتی تقدیم جهان می‌کنیم.

### چالش هشتم: اشکال نحوه ارتقای اعضای هیات علمی

نحوه اعتلا و ارتقای اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها بخشی از مسئله نظام آموزش عالی ما است. هنوز ما تلاش می‌کنیم با چند مقاله اعضای هیات علمی را ارزیابی کنیم و برایشان ترفیع قائل می‌شویم. درحالی‌که هرچند تعداد مقالات مهم است ولی در هیچ جای دنیا امروزه دیگر صرفاً مقاله برای دانشگاه محصول تلقی نمی‌شود. هر چند مقالات علمی اساتید ما در رنکینگ‌های جهانی رتبه‌های بالاتری دارند و تأثیرگذار نیز هست ولی محصول دانشگاه فقط مقالات علمی نیست و باید تبدیل بشود به محصول و ارزش‌افزوده‌ای که به اقتصاد ملی کشور تبدیل شود.

### چالش نهم: عدم نقش‌آفرینی جدی نظام آموزش عالی در تولید کشور

نظام آموزش عالی ما از تعداد ۳۰۰ هزار دانشجو در ابتدای انقلاب به چهار و نیم میلیون دانشجو در سال جاری رسیده است و تعداد اساتید از ۸,۰۰۰ به بیش از ۸۰,۰۰۰ استاد افزایش یافته است ولی تولید ناخالص داخلی (GDP) ما کمتر از قبل از انقلاب است. یعنی دانشگاه نتوانسته در اقتصاد ملی به‌طور مؤثر نقش‌آفرینی کند. و این یک چالش بسیار بزرگ است.

و البته چه باید کردها را باید صاحب‌نظران، مدیران و کارشناسان بیان کنند. البته یک نشست یک روزه در دانشگاه صنعتی شریف گذاشتیم که بسیار جالب توجه بود و مسائل بسیار خوب و دقیق بیان شد و راهکارهای مناسب و کاربردی ارائه شد که سعی داریم نتایج آن در اختیار همگان قرار گیرد و یک کمیته در حال پیگیری راه‌کارهای اجرایی این نشست است. من روزهای اول که به سازمان برنامه‌و بودجه آدمم گزارش‌هایی مانند گزارش گروه اول هاروارد (جرج بی، بالدوین) و گروه دوم هاروارد (تاس، اچ، مک لئود) را مطالعه و مرور کرده بودم ولی نتایج خوبی که من در پایان این نشست یک روزه گرفتم بسیار بهتر بود. واقعیت این است که راهکارهای مسائل مملکت را باید از نیروهای همین مملکت بشنویم و مصداق این شعر نشویم که «سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد». بنابراین نسخه‌های اصلی درمانی کشور را باید آدم‌های فرهیخته همین مملکت بدهند و این مملکت پر از افراد ناب و ارزشمند است. البته این مطلب انکار مطالعه و پژوهش نیست.

**ولی با این حال هیچ‌کدام از این‌ها راهکار اصلی عبور از چالش‌های ما نیست. راهکار اصلی عبور ما از چالش‌ها استفاده از توانایی‌های خودمان است.**

مثالی در این رابطه می‌زنم. من سال‌ها پیش بذر گلی را از آفریقا آوردم چون به گل علاقه دارم خیلی هم سعی کردم که بماند ولی رشد نکرد. در نهایت متوجه شدم این بذر فقط در همان سرزمین جواب می‌دهد در جای دیگر، جواب نخواهد داد. توجه داشته باشیم که دانشگاه‌های اروپا هم با یک مبنای دیگری توسعه یافته‌اند که در سرزمین‌های دیگر جواب نمی‌دهند. در قرون وسطا این دانشگاه‌ها تماماً بر مبنای تعالیم کلیسا توسعه یافتند بعد از ظهور مسائل دیگر و مرتبط با آن جو، تغییر کردند. لازم است بدانیم که خیلی از این دانشگاه‌های اروپا و آمریکا فئودال ساخته‌اند. فئودال آمریکایی سر زمین اش می‌ماند و دانشگاه می‌ساخت که فرزند رعیتش باسواد شود. ولی فئودال ما خود را به پادشاه نزدیک می‌کرد و سعی می‌کرد مقبول بماند به مصداق این شعر که: از دل برود هر آن‌که از دیده برفت. یک مباشر هم می‌گذاشت بالای سر مردم که نگذارد بچه رعیت باسواد شود که اگر باسواد می‌شد اولاً طغیان می‌کرد و دوم اینکه بیل پدرش را دست نمی‌گیرد و برای ارباب کار نمی‌کرد.

این الگو توسعه کشور ما را متفاوت از آنچه در اروپا اتفاق افتاده است نشان می‌دهد. به همین دلیل من به‌عنوان یک برادر کوچک‌تر از همه عزیزان عاجزانه می‌خواهم که بپردازیم به یک برنامه ملی در آموزش عالی کشور که بوم ساخت یا بومی باشد و با اندیشه بزرگان این مملکت تهیه بشود. این بزرگ‌ترین دستاوردی است که ما انشالله در این نشست‌ها خواهیم داشت و چنین دستاوردی برای نشست‌های ما ستودنی و دست‌یافتنی خواهد بود. من در پایان تشکر می‌کنم از برگزاری این نشست‌ها و امیدوارم که بتوانیم راه توسعه را بیابیم و بسازیم.

## دکتر علینقی مشایخی

### موضوع: تحولات آموزش عالی و چالش‌های آینده

در این صحبت آموزش عالی را از چند جنبه زیر بررسی می‌کنیم:

۱. منابع مالی که در آموزش عالی کشور و دانشگاه‌های برخی کشورهای دیگر مصرف می‌شود
۲. توان دولت برای افزایش منابع مالی آموزش عالی
۳. راهکارهای بهبود منابع مالی آموزش عالی

### ۱. منابع مالی در برخی دانشگاه‌های برتر دنیا

در این قسمت ۵ دانشگاه تراز اول خارجی و همچنین یکی از دانشگاه‌های کشور همسایه، ترکیه، را مورد توجه قرار داده‌ایم که در اینجا اطلاعات آن‌ها را مرور می‌کنم:

#### ۵ دانشگاه منتخب

- \* MIT (برترین دانشگاه دنیا در کل و صنعتی): خصوصی
- \* برکلی (ششمین دانشگاه برتر صنعتی): دولتی
- \* استنفورد (هفتمین دانشگاه برتر و دومین دانشگاه صنعتی): خصوصی
- \* نایانگ سنگاپور (هفتمین دانشگاه صنعتی برتر جهان): دولتی
- \* دانشگاه توکیو (برترین دانشگاه آسیا): دولتی

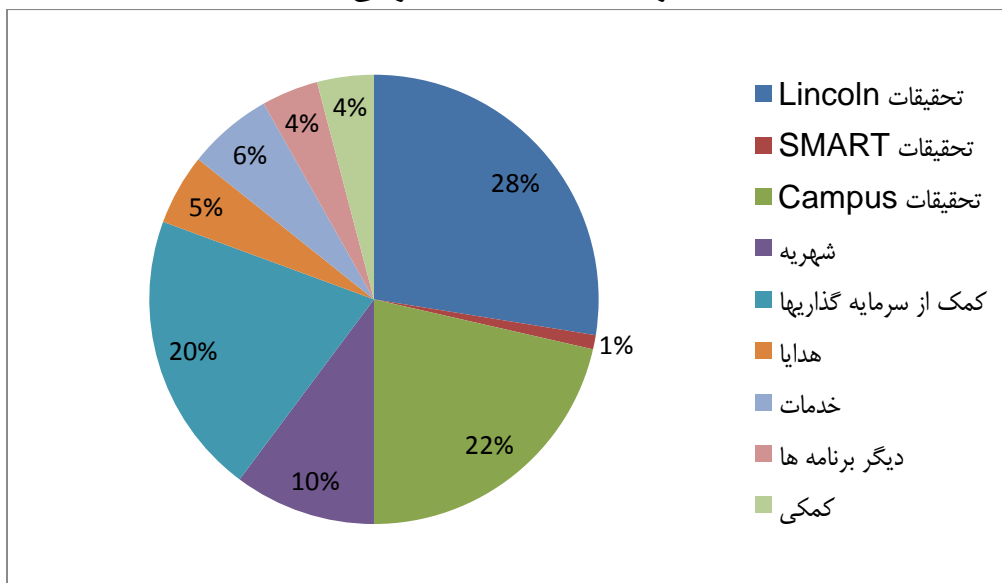
### - دانشگاه ام آی تی

دانشگاه ام آی تی یک دانشگاه غیردولتی است. نسبت دانشجوی به استادش ۶٫۱ است. کل دانشجویان ۱۱ هزار نفر هستند. دارای هزار نفر استاد می‌باشد و ۸۰۹ نفر هم دیگر مدرسان این دانشگاه هستند. درآمد دانشگاه یک میلیارد و ۱۲۴ میلیون دلار می‌باشد و ۵۰ درصد درآمدها از تحقیقات، ۱۰ درصد از شهریه و بقیه از خدمات سرمایه‌گذاری‌ها و هدایا می‌باشد. سرانه هر دانشجو نیز ۲۸۵ هزار دلار است.

#### آمار دانشگاه MIT (سال ۲۰۱۴)

تعداد	شرح
۴۵۱۲	دانشجویان کارشناسی
۶۸۰۷	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
۱۱۳۱۹	کل دانشجویان
۱۰۲۱ (اساتید) و ۸۰۹ (دیگر مدرسین)	اساتید
۱۱۸۴۰ (با احتساب اساتید)	کارکنان
۴۴۷۲۰ دلار	شهریه سالانه
۱۳۳۲۴ دلار	خوابگاه
۶٫۱۸	نسبت دانشجو به استاد

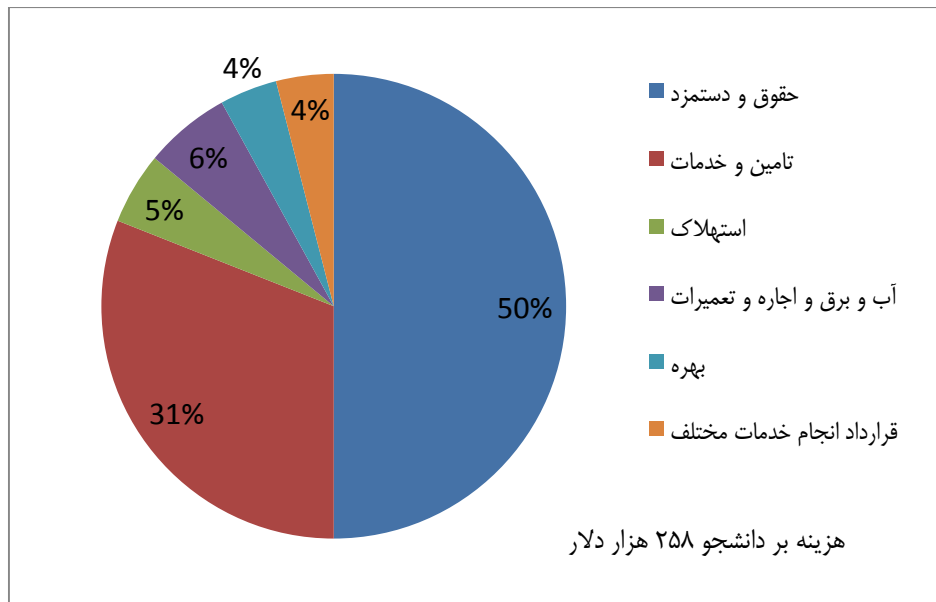
درآمد دانشگاه MIT (خصوصی)



روند تغییرات درآمدی دانشگاه MIT



هزینه دانشگاه MIT (سال ۲۰۱۴)



## - دانشگاه برکلی در آمریکا

برکلی دانشگاهی دولتی است. سرانه دانشجو به استاد ۱۷ و تعداد اساتید آن ۲۲۱۰ نفر و تعداد دانشجو ۳۷ هزار نفر است. درآمد عملیاتی آن ۱۶۲۸ میلیون دلار است و سرانه هر دانشجو ۴۸ هزار دلار است. بودجه دولتی این دانشگاه هم در حال کاهش است.

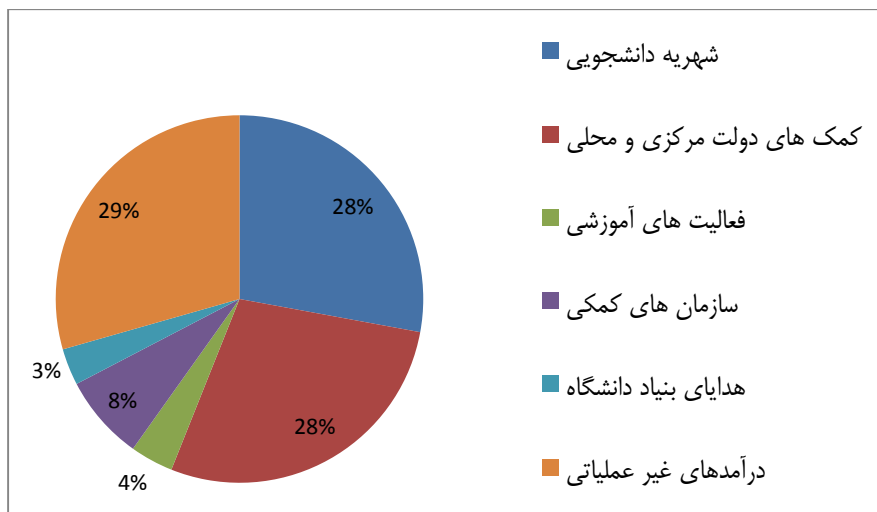
آمار دانشگاه برکلی (۲۰۱۳)

تعداد	شرح
۲۷۱۲۶	دانشجویان کارشناسی
۱۰۴۵۵	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
۳۷۵۸۱	کل دانشجویان
۲۲۱۰	اساتید
۱۷	نسبت دانشجو به استاد

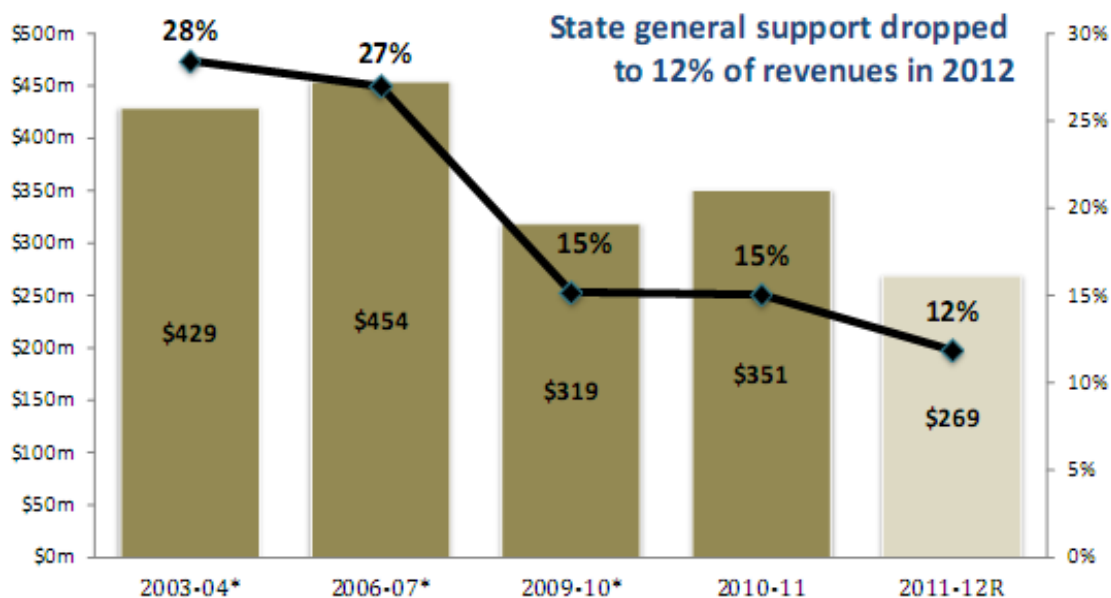
## درآمد دانشگاه برکلی در سال ۲۰۱۳ (دولتی)

درآمد عملیاتی: ۱۶۲۸ میلیون دلار

درآمد غیر عملیاتی: ۶۷۴ میلیون دلار

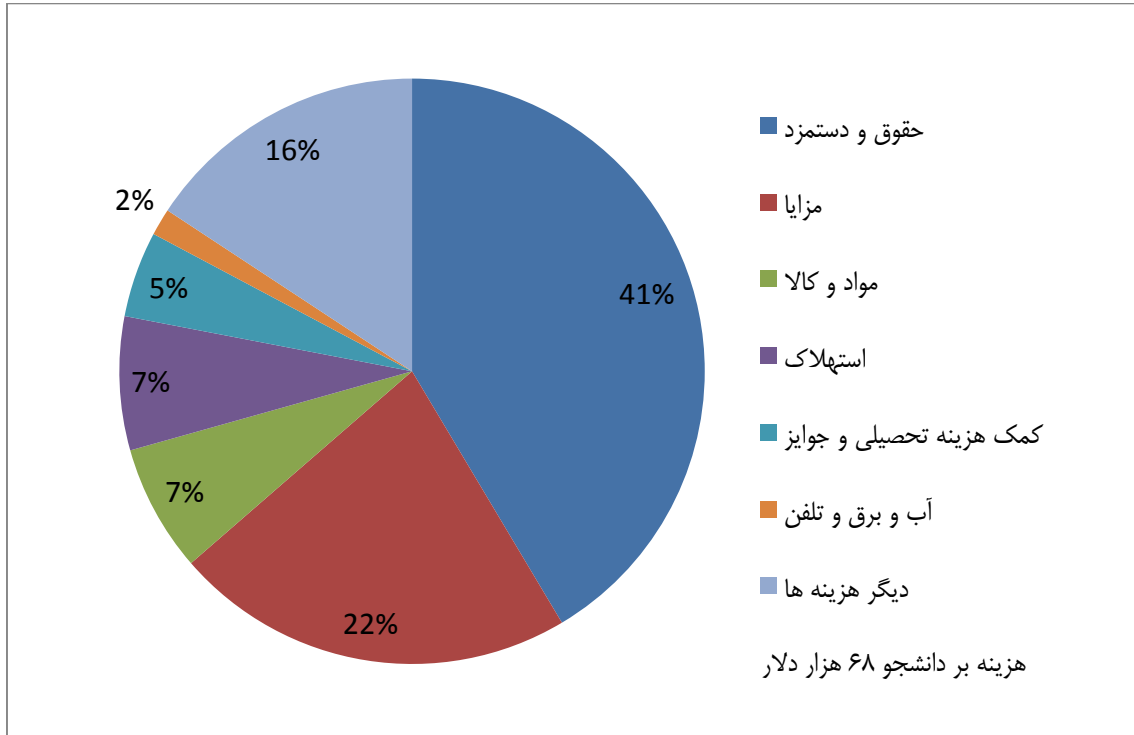


## روند تغییرات درآمدی دانشگاه برکلی



## هزینه‌های دانشگاه برکلی (سال ۲۰۱۳)

هزینه‌ها: ۲۵۵۲ میلیون دلار



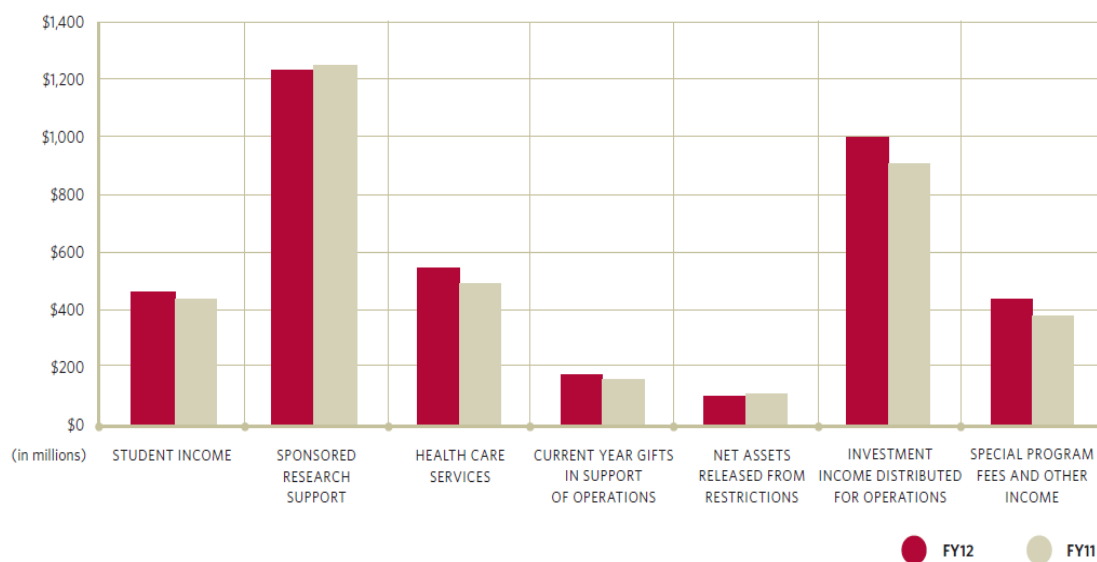
## - دانشگاه استنفورد

دانشگاه استنفورد یک دانشگاه خصوصی در آمریکا است. تعداد دانشجویان آن ۱۶۱۳۶ نفر و تعداد اساتید آن ۲۱۱۸ نفر و نسبت دانشجو به استاد آن ۷٫۶ می‌باشد. هزینه سالانه آن ۴۲۹۱ میلیون دلار و هزینه بر دانشجویی آن ۲۶۵ هزار دلار در سال است.

## آمار دانشگاه استنفورد

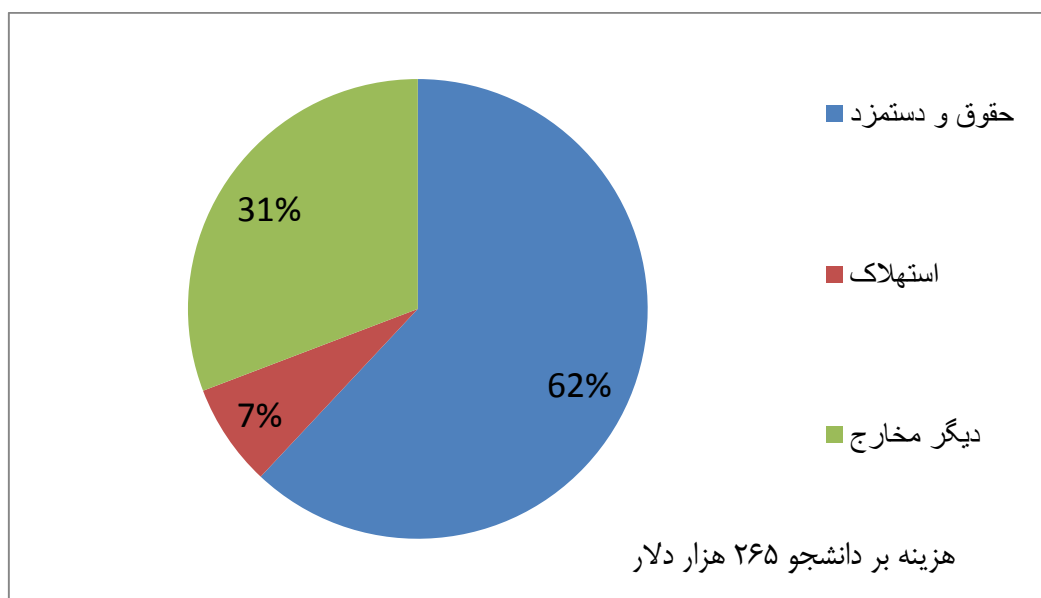
تعداد	شرح
۷۰۱۸	دانشجویان کارشناسی
۹۱۱۸	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
۱۶۱۳۶	کل دانشجویان
۲۱۱۸	اساتید
۷٫۶	نسبت دانشجو به استاد

## روند تغییرات درآمدی دانشگاه استنفورد

FIGURE 1  
OPERATING REVENUES

## هزینه‌های دانشگاه استنفورد (سال ۲۰۱۴)

هزینه‌ها: ۴۲۹۱ میلیون دلار





## - دانشگاه نانیانگ سنگاپور

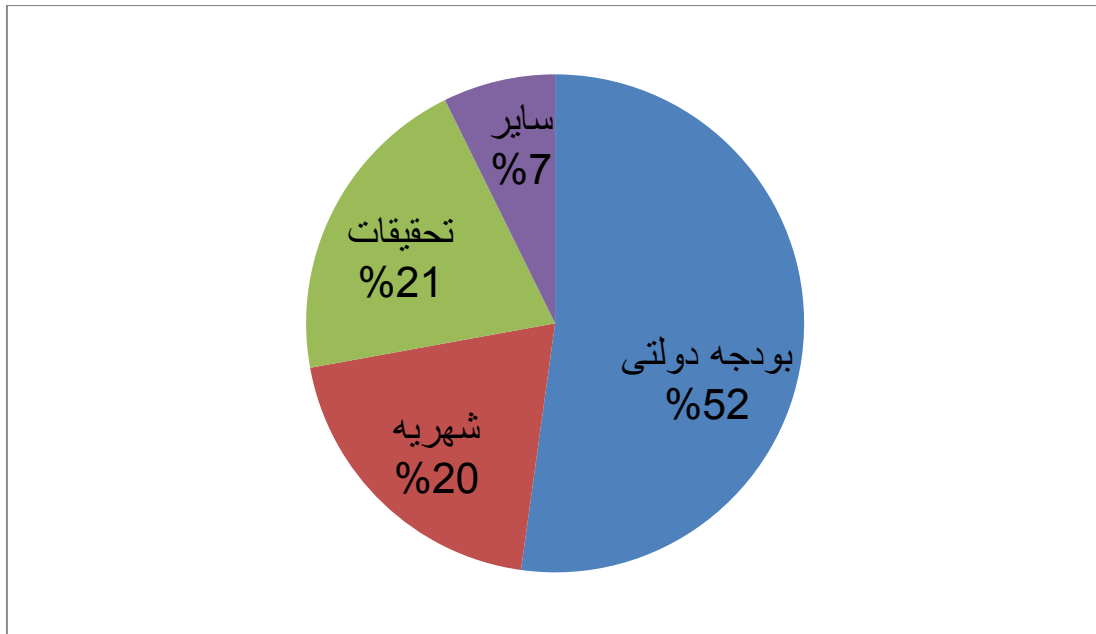
دانشگاه نانیانگ یک دانشگاه عمدتاً دولتی است که شهریه نیز دریافت می‌کند و بخشی از منابع آن از بودجه‌های تحقیقاتی تأمین می‌شود. این دانشگاه ۳۲۵۰۰ دانشجو و ۴۳۰۰ استاد دارد که نسبت دانشجو به استاد آن ۷,۵۵ می‌شود. درآمد دانشگاه در سال ۲۰۱۴ حدود ۱۳۰۷ میلیون دلار و هزینه سرانه دانشجو ۳۵ هزار دلار در سال است.

## آمار دانشگاه نانیانگ سنگاپور

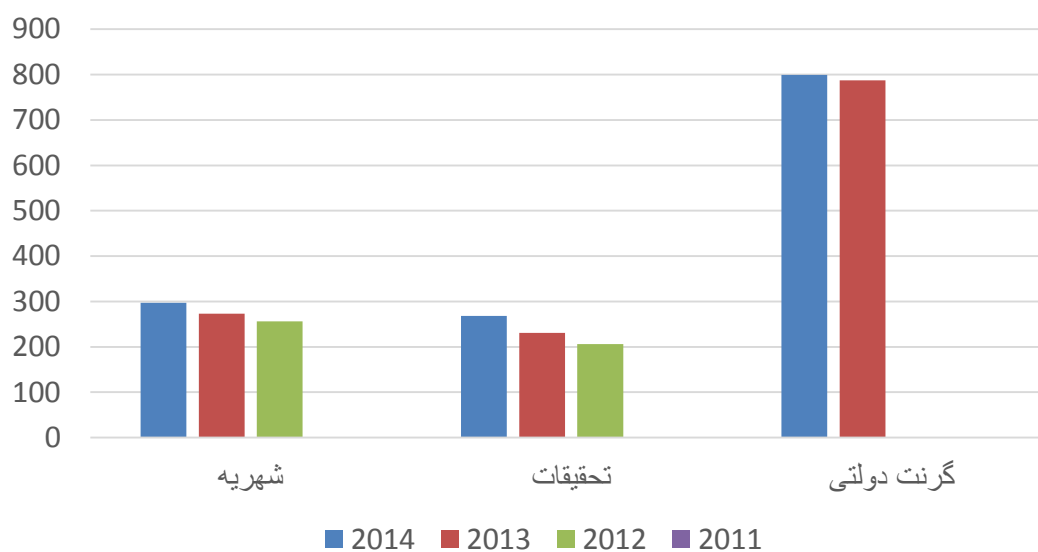
شرح	تعداد
دانشجویان کارشناسی	۲۳۵۰۰
دانشجویان تحصیلات تکمیلی	۹۰۰۰
کل دانشجویان	۳۲۵۰۰
اساتید	۴۳۰۰
نسبت دانشجو به استاد	۷,۵۵

## درآمد دانشگاه نانیانگ سنگاپور (دانشگاه دولتی) (سال ۲۰۱۴)

درآمد: ۱۳۰۷ میلیون دلار



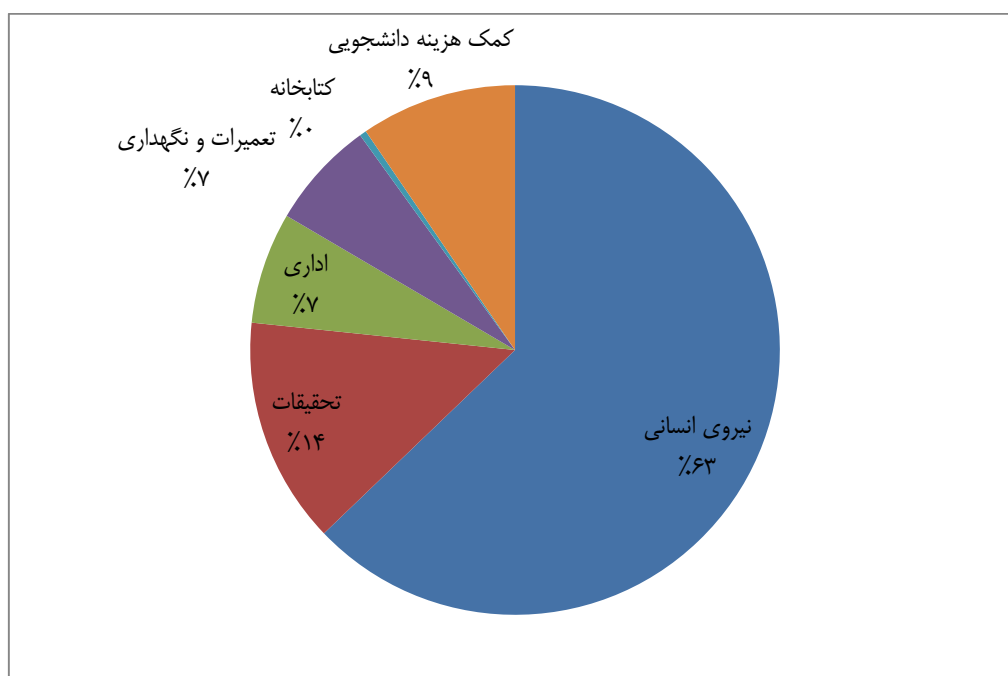
### روند تغییرات درآمدی دانشگاه نایانگ



### هزینه دانشگاه نایانگ سنجاپور (سال ۲۰۱۴)

هزینه‌ها: ۱۱۳۹ میلیون دلار

هزینه بر دانشجو ۳۵ هزار دلار



## - دانشگاه توکیو

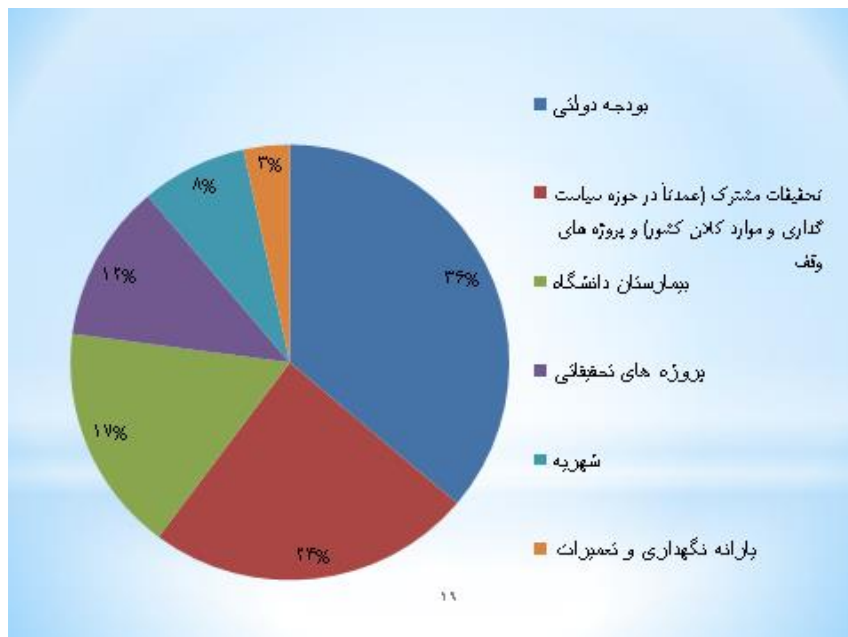
دانشگاه توکیو یک دانشگاه دولتی است با ۲۸۱۳۳ دانشجو و نسبت دانشجو به استاد ۷,۳۶. هزینه سالانه دانشگاه ۱۹۶۰ میلیون دلار و هزینه سالانه بر دانشجوی آن ۶۹ هزار دلار است. شکل‌های زیر ترکیب درآمدی و هزینه‌ای دانشگاه را نشان می‌دهد.

## آمار دانشگاه توکیو

شرح	تعداد
دانشجویان کارشناسی	۱۴۱۳۳
دانشجویان تحصیلات تکمیلی	۱۴۰۰۰
کل دانشجویان	۲۸۱۳۳
اساتید	۳۸۱۸
کارکنان	۷۶۷۳
نسبت دانشجو به استاد	۷,۳۶

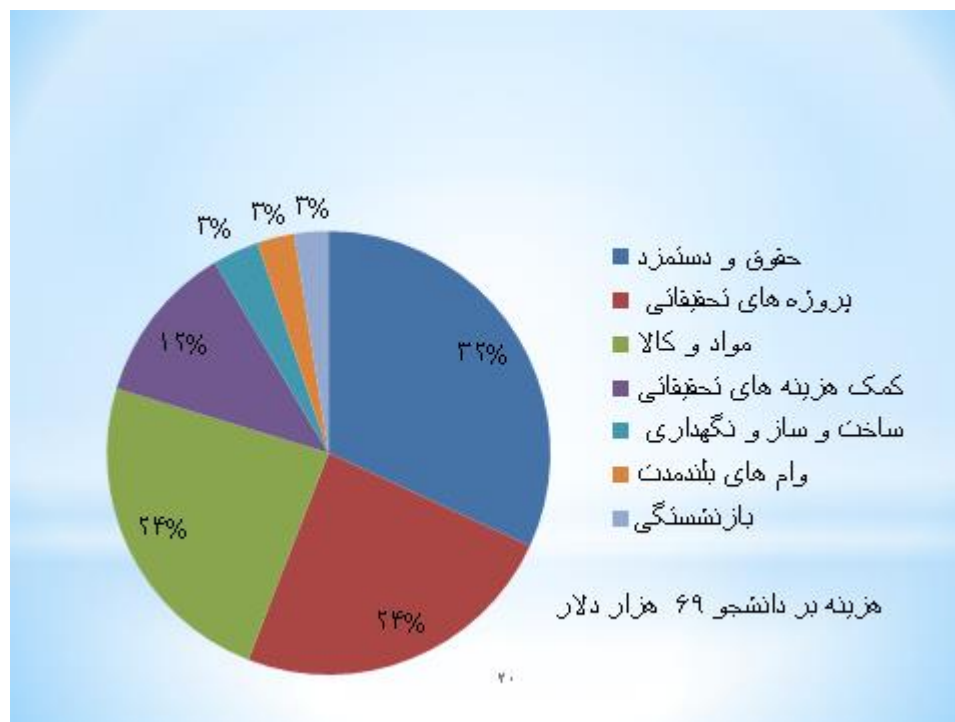
## درآمد دانشگاه توکیو (دولتی) (سال ۲۰۱۱)

درآمد: ۱۹۶۰ میلیون دلار



## هزینه‌های دانشگاه توکیو (سال ۲۰۱۱)

هزینه‌ها: ۱۹۶۰ میلیون دلار



## - دانشگاه بغاز ایچی

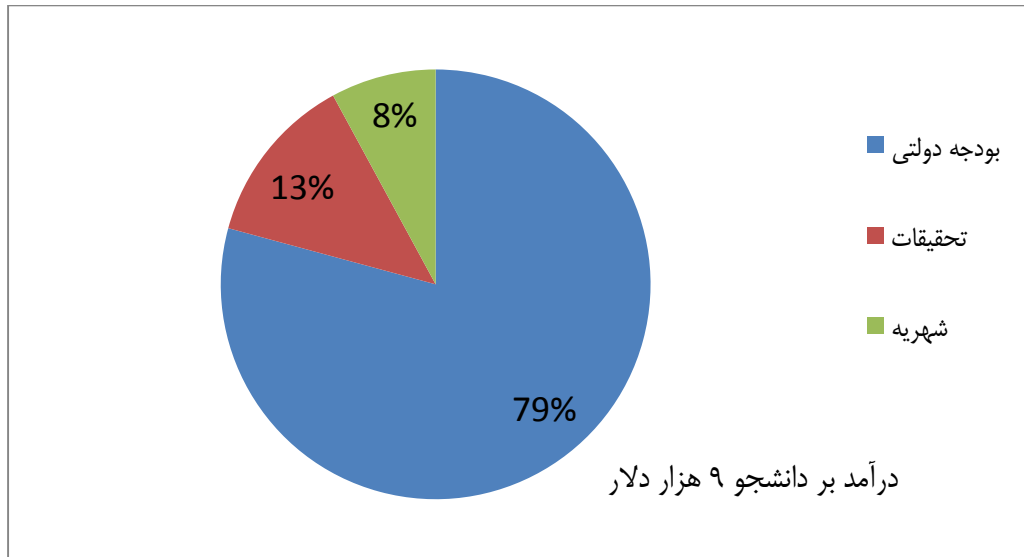
دانشگاه بغاز ایچی در ترکیه دانشگاهی دولتی است. تعداد دانشجویان آن ۱۱ هزار نفر و نسبت دانشجو به استادش ۱۳,۴ است. بودجه سالانه دانشگاه ۱۰۰ میلیون دلار و هزینه سرانه بر دانشجوی آن ۹ هزار دلار است. شکل‌های زیر ترکیب درآمدی و هزینه‌ای دانشگاه را نشان می‌دهد.

## آمار دانشگاه بغاز ایچی (۲۰۱۰)

تعداد	شرح
۹۲۶۴	دانشجویان کارشناسی
۷۸۶ نفر کارشناسی ارشد و ۲۳۹ نفر دکترا	دانشجویان تحصیلات تکمیلی
در حدود ۱۱ هزار نفر	کل دانشجویان
۴۰۸	اعضای هیات علمی
۴۸۳	اساتید مدعو و پاره‌وقت و ...
۱۷۷ (۲۰۵ نفر تکنیکال و ۳۷۴ نفر اداری)	کارکنان
۱۳,۴	نسبت دانشجو به استاد

## درآمد دانشگاه بغاز ایچی (خصوصی) سال ۲۰۱۰

درآمد: ۱۰۰ میلیون دلار



## جمع‌بندی

با توجه به ترکیب درآمده و هزینه‌های دانشگاه‌های نمونه مزبور می‌توان روندهای زیر را به‌طور کلی جمع‌بندی کرد.

## روندها و نتایج

- \* درآمد ناشی از سرمایه‌گذاری غیرعملیاتی در اکثر دانشگاه‌ها با شتاب قابل‌توجهی در حال افزایش و درآمد ناشی از کمک‌های دولتی در حال کاهش است.
- \* درآمد ناشی از تحقیقات تقریباً ثابت است.
- \* درآمد ناشی از شهرداری با سرعت اندکی در حال افزایش است.
- \* سهم پروژه‌های تحقیقاتی در درآمد دانشگاه‌ها قابل‌توجه است.
- \* سهم شهرداری در دانشگاه‌های دولتی قابل‌توجه نیست.
- \* دانشگاه‌های استنفورد و هاروارد به لحاظ وقف نسبت به دیگر دانشگاه‌ها خیلی جلوتر هستند.

— آنچه از منابع و هزینه سالانه بر دانشجو در دانشگاه‌های مزبور مشاهده می‌شود غنای منابع در دانشگاه‌های برتر دنیا است. به جزء دانشگاه بغاز ایچی در ترکیه که در سال ۲۰۱۰ هزینه سالانه آن ۹ هزار دلار بر دانشجو بود سایر دانشگاه‌ها از ۳۵ هزار دلار تا ۲۶۵ هزار دلار بر دانشجو در سال ۲۰۱۴ هزینه می‌کنند. تمام این دانشگاه در مدیریت خود مستقل عمل می‌کنند و از یک مرکز بوروکراسی مانند یک وزارتخانه مقررات و روش‌های اداری آن‌ها دیکته نمی‌شود. وقتی منابع بر دانشجو زیاد باشد، و وقتی دانشگاه با یک مدیریت شایسته بر اساس یک نظام حکمرانی متکی به اساتید برجسته اداره می‌شود، دانشگاه می‌تواند با حقوق‌های بالا بهترین اساتید را جذب کند، می‌تواند با

پرداخت بورس تحصیلی بهترین دانشجویان را برای تحصیلات تکمیلی جذب کند، می‌تواند بهترین تجهیزات آزمایشگاهی را برای آموزش و پژوهش آماده کند، و بالاخره می‌تواند با یک مدیریت شایسته که برای دانشگاه انتخاب می‌شود بهترین دستاوردهای علمی و فناوری را ارائه دهد، بهترین فارغ‌التحصیلان را تحویل جامعه علمی و اقتصادی بدهد، و بیشترین منابع را برای انجام تحقیقات و نیز هدایا از فارغ‌التحصیلان موفق خود جذب کند. با یک دانشگاه فقیر که نتواند امکانات تحقیقاتی را فراهم کند، اساتید و دانشجویان کارآمد را جذب کند، و مدیریت‌های ضعیف و بوروکراسی‌های کشنده نمی‌تواند دستاوردهای زیادی ارائه دهد.

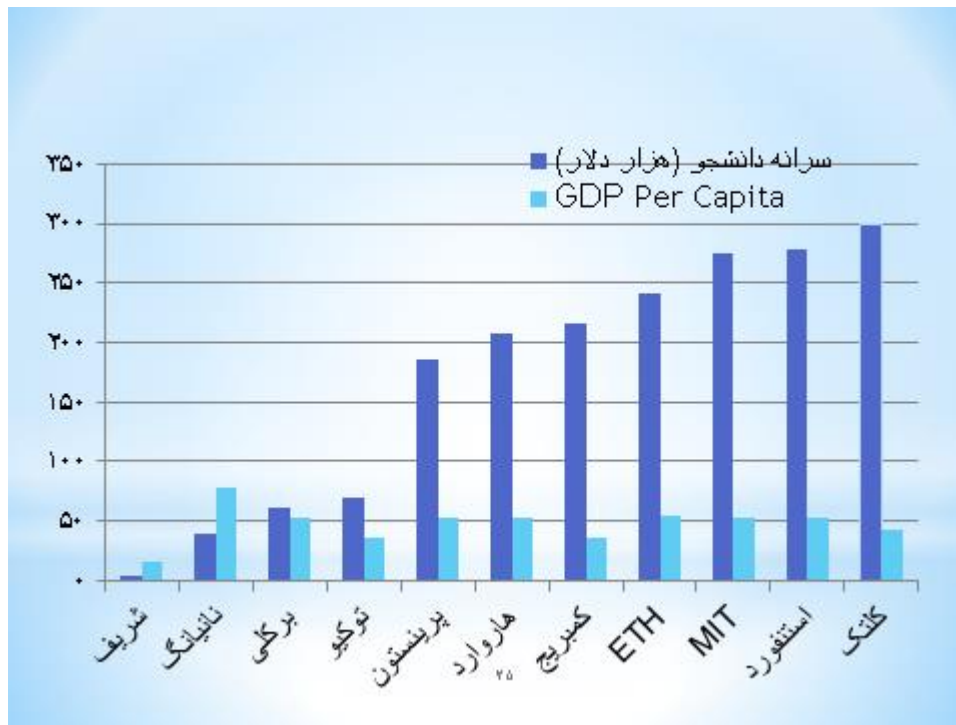
– هزینه سرانه به دانشجو در مقایسه با درآمد سرانه کشورها

با توجه به اینکه هزینه در آموزش عالی نوعی سرمایه‌گذاری برای پرورش سرمایه‌های انسانی و دستاوردهای علمی و فناوری در یک کشور است، یک شاخص قابل توجه برای نشان دادن اهمیت آموزش عالی در کشورها مقایسه درآمد سرانه آن‌ها با هزینه سرانه بر دانشجو در دانشگاه‌های برتر می‌باشد. شکل زیر هزینه سالانه بر دانشجو را در چند دانشگاه برتر در کنار درآمد سرانه برای کشورهای آن دانشگاه‌ها نشان می‌دهد. همانطوریکه در شکل ملاحظه می‌شود در اکثر دانشگاه‌های برتر هزینه سرانه دانشجو بسیار بیشتر از درآمد ملی سرانه است. به همین جهت دانشگاه‌های برتر با تربیت نیروی انسانی دانشمند و کارآمد و انجام تحقیقات محض در سطح مرزهای دانش و تحقیقات کاربردی ثروت آفرین موتور پیشبرد جوامع جدید هستند. برعکس دانشگاه‌های برتر دنیا، همانطوریکه در شکل زیر نشان داده شده است، هزینه سرانه دانشجو در دانشگاه صنعتی شریف که یکی از دانشگاه‌های برتر کشور است بسیار کمتر از درآمد سرانه در ایران می‌باشد. به عبارت دیگر در ایران به نسبت درآمد سرانه سرمایه‌گذاری کافی در دانشگاه‌های برتر برای تربیت نیروهای زبده و انجام تحقیقات پیش برنده انجام نمی‌شود.

#### GDP per Capita (in 2016)

- \* امریکا: ۵۳ هزار دلار
- \* کانادا: ۴۳ هزار دلار
- \* انگلستان: ۳۶ هزار دلار
- \* سوئیس: ۵۴ هزار دلار
- \* ژاپن: ۳۶ هزار و شش صد هزار دلار
- \* سنگاپور: ۷۸ هزار و هفت صد هزار دلار
- \* ایران: ۱۶ هزار دلار

## مقایسه هزینه سرانه دانشجوی با درآمد سرانه در کشور (۲۰۱۶)



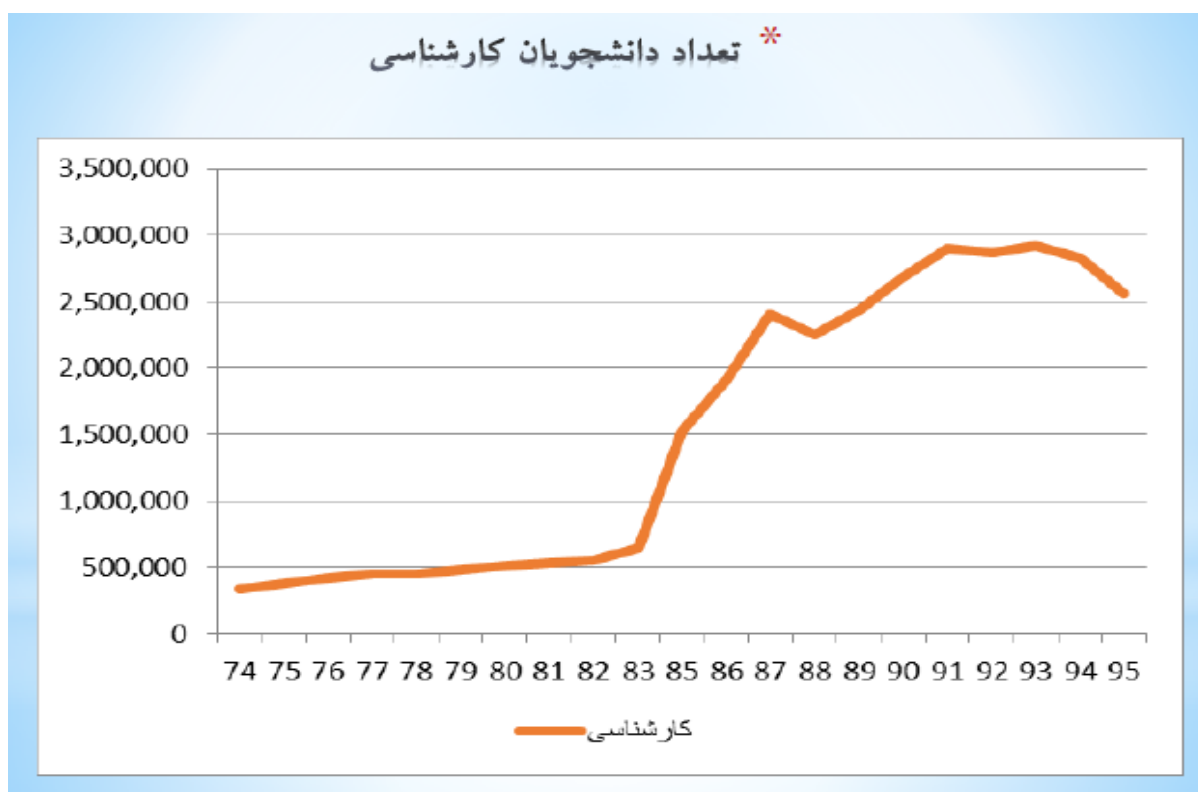
البته هزینه سرانه در سایر دانشگاه‌های کشور بیشتر از دانشگاه صنعتی شریف نیست. هزینه سرانه پائین بر دانشجوی در نسبت بالای دانشجوی به استاد در آموزش عالی منعکس است. در جدول زیر مشاهده می‌شود که نسبت دانشجوی به استاد در آموزش عالی ایران از ۴۸ در سال ۱۳۷۵ با گسترش کمی شدید آموزش عالی به ۸۹ در سال ۹۱ افزایش یافت و سپس در به ۷۲ در سال ۹۴ کاهش یافت. نسبت بالای دانشجوی به استاد در آموزش عالی حاکی از ضعف آموزش عالی و پائین بودن کیفیت آن است.

## نسبت دانشجوی به استاد در آموزش عالی ایران

سال	75	80	85	90	91	92	93	94
تعداد استادها	9401	15463	22937	35798	38115	41263	47260	51912
جمع دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری	454469	592668	1674274	3063663	3404450	3443590	3641621	3719154
نسبت دانشجوی به استاد	48	38	73	86	89	83	77	72

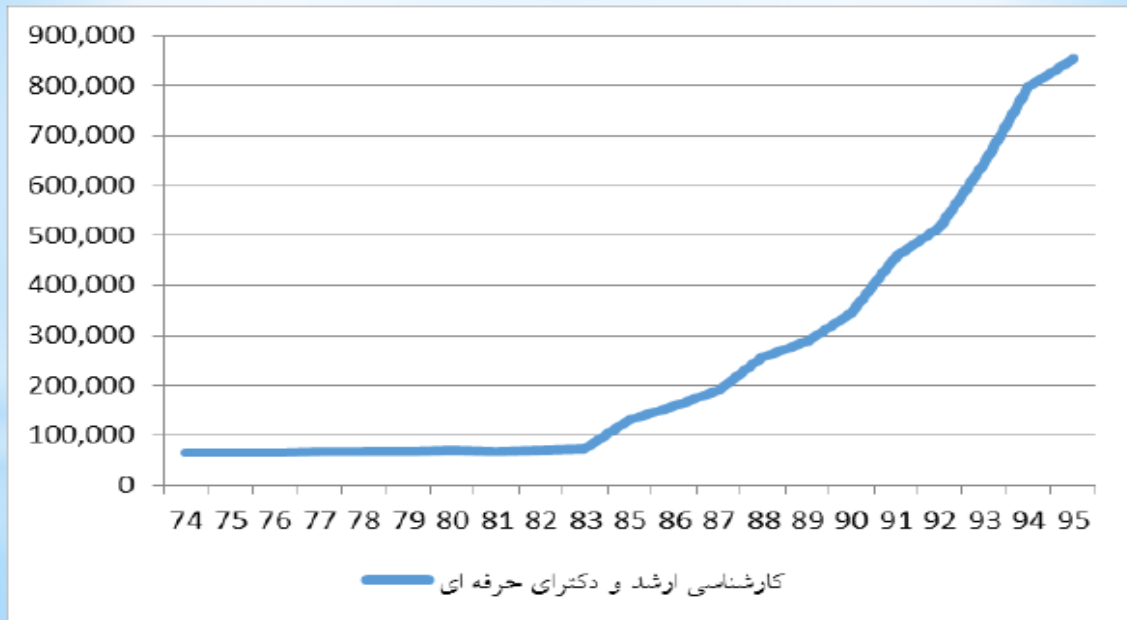
در واقع با این نسبت‌ها زیاد دانشجوی به استاد در دانشگاه نمی‌توان کار کیفی کرد. همانطوریکه ذکر شد افزایش زیاد نسبت دانشجوی به استاد ناشی از رشد سریع تعداد دانشجویان است. اگر به روند دانشجویان نگاه کنیم می‌بینیم که تعداد دانشجویان دوره لیسانس ایران از سال ۸۲ به بعد به سرعت رشد کرده و به حدود سه میلیون رسیده است (شکل زیر). یک جهش خیلی سریع که خودش باعث کاهش کیفیت دانشگاه می‌شود. مقاطع کارشناسی ارشد به دنبال آن و سپس دکتری همین‌طور رشد داشته است که در دو شکل بعدی نشان داده شده است.

رشد سریع آموزش عالی و عدم رشد کافی اقتصاد منجر به بیکاری نیروهای تحصیل کرده می‌شود. در شکل ذیل نرخ بیکاری دانشجویان به تفکیک مقاطع تحصیلی ارائه شده که ۴۰ درصد بیکاران کشور لیسانس دارند و به دنبال نرخ رشد بیکاران لیسانسیه بیکاران فوق لیسانس افزوده می‌شود و متعاقباً دکترا همین روند را دنبال می‌کند. اگر بخواهیم تعامل آموزش عالی را با اقتصاد و جمعیت نگاه کنیم می‌بینیم در زمینه اشتغال و بیکاری رابطه تعاملی دارند.

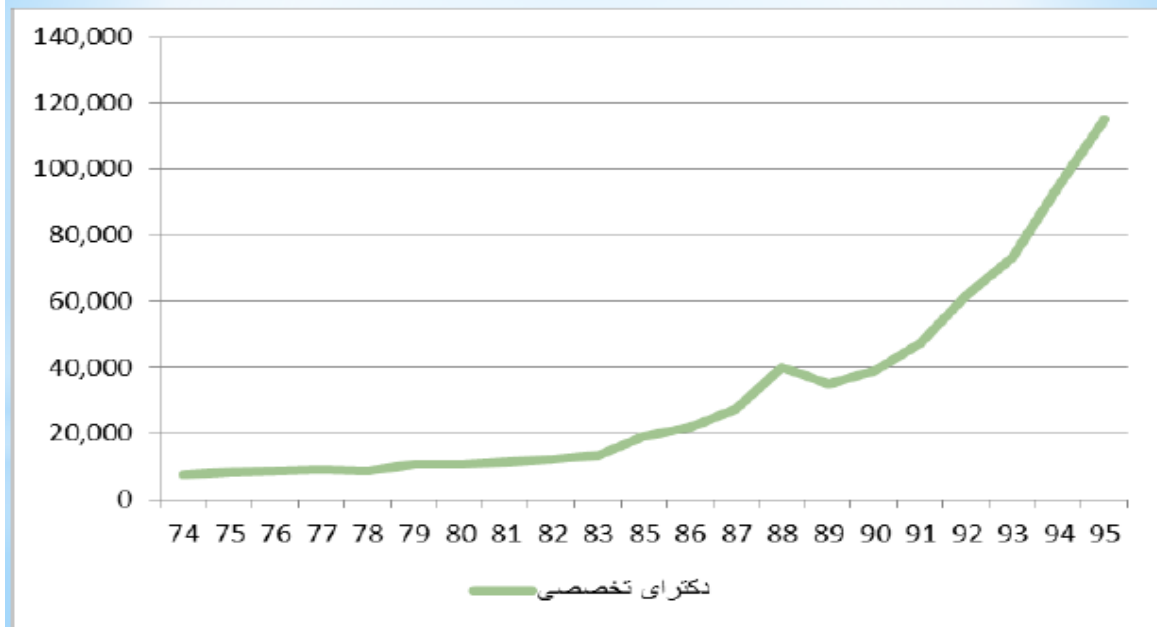




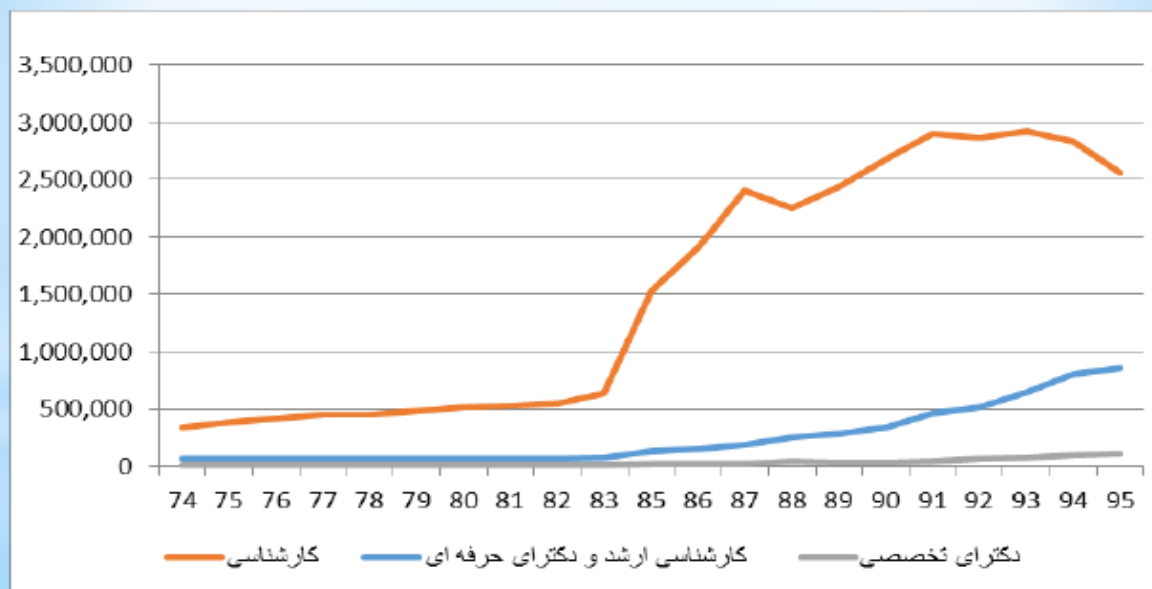
\* تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد (شامل بر  
دکترای حرفه‌ای)



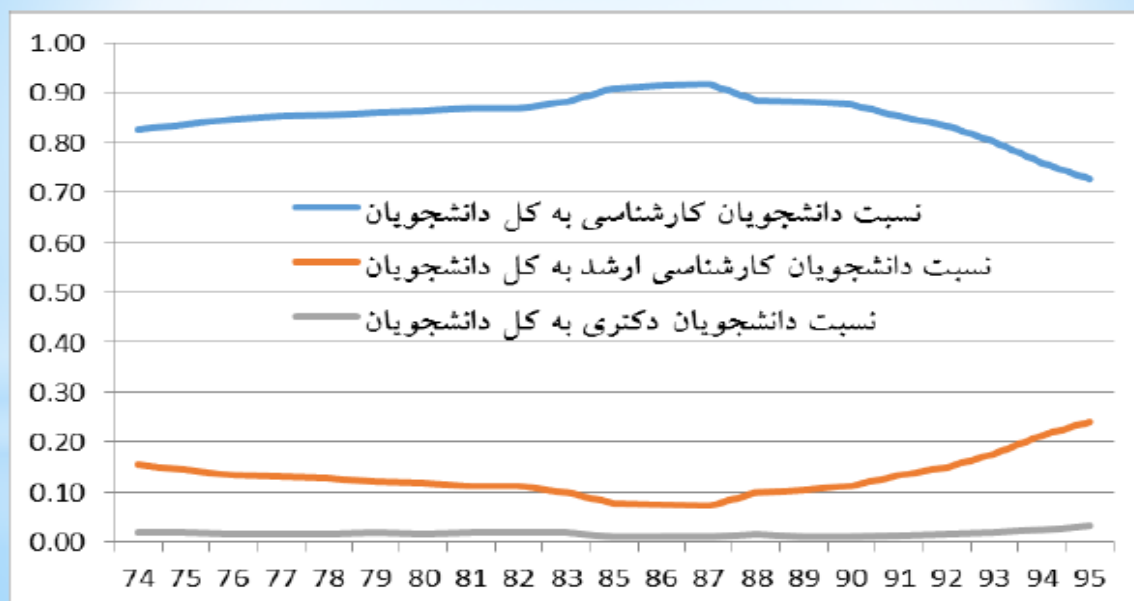
\* تعداد دانشجویان دکتری

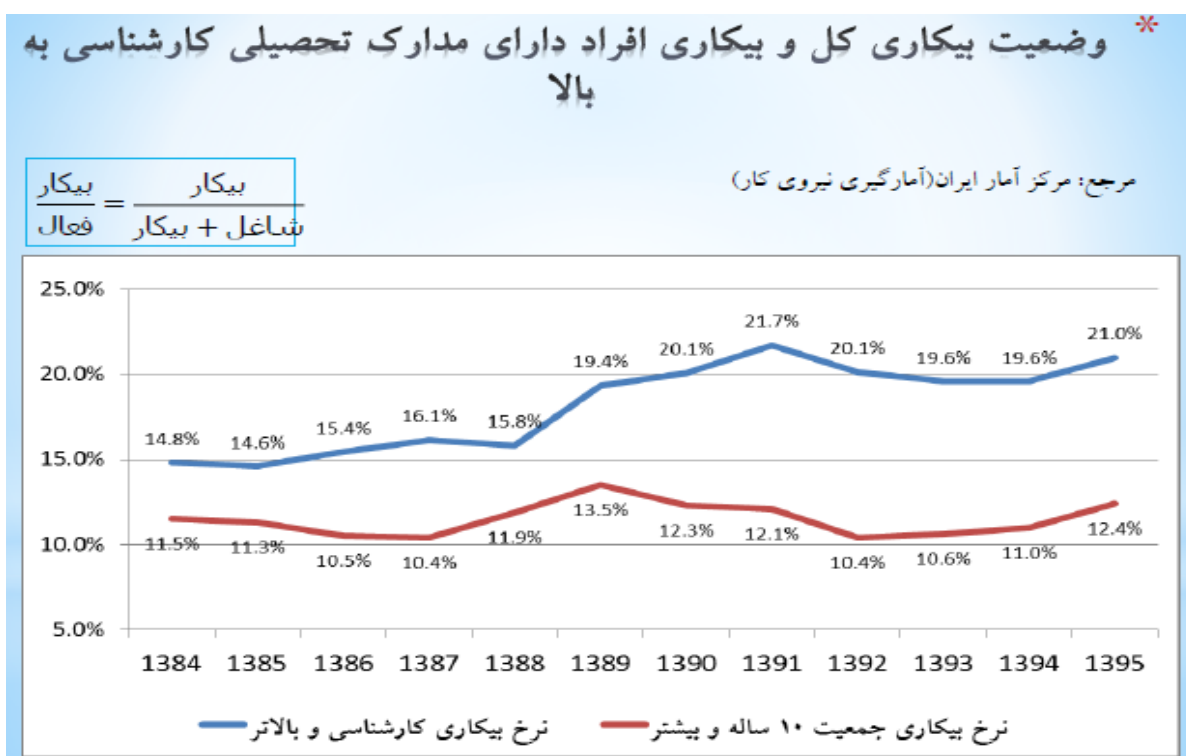


\* تعداد دانشجویان در مقاطع مختلف



\* نسبت دانشجویان مقاطع مختلف

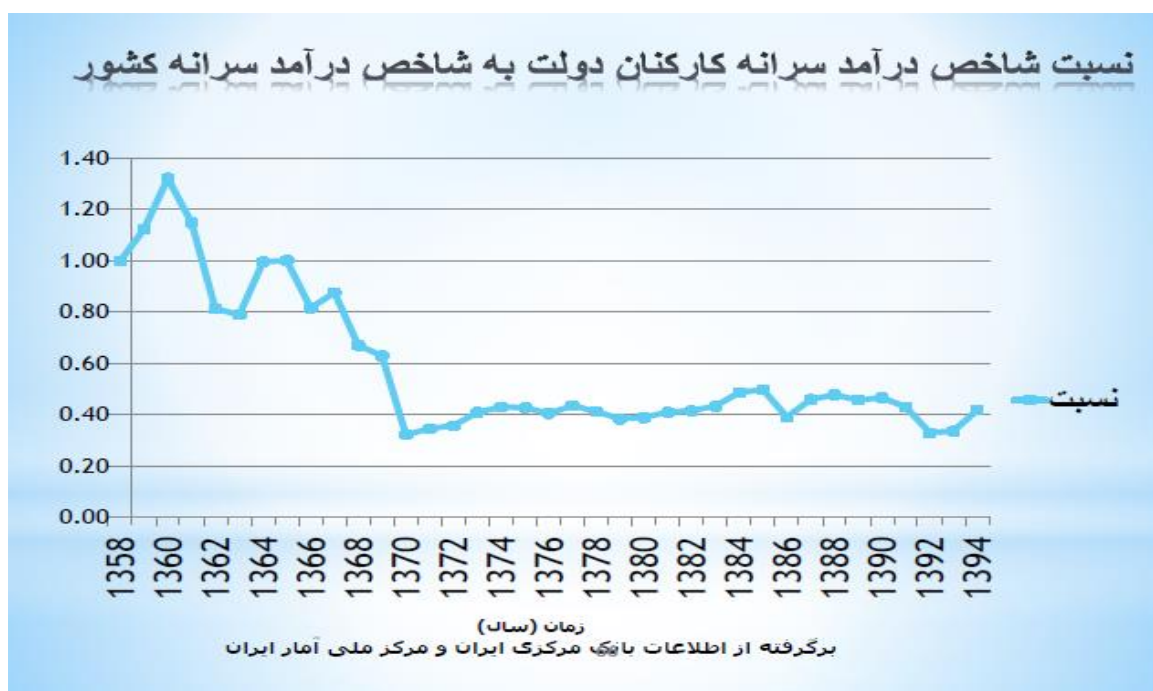
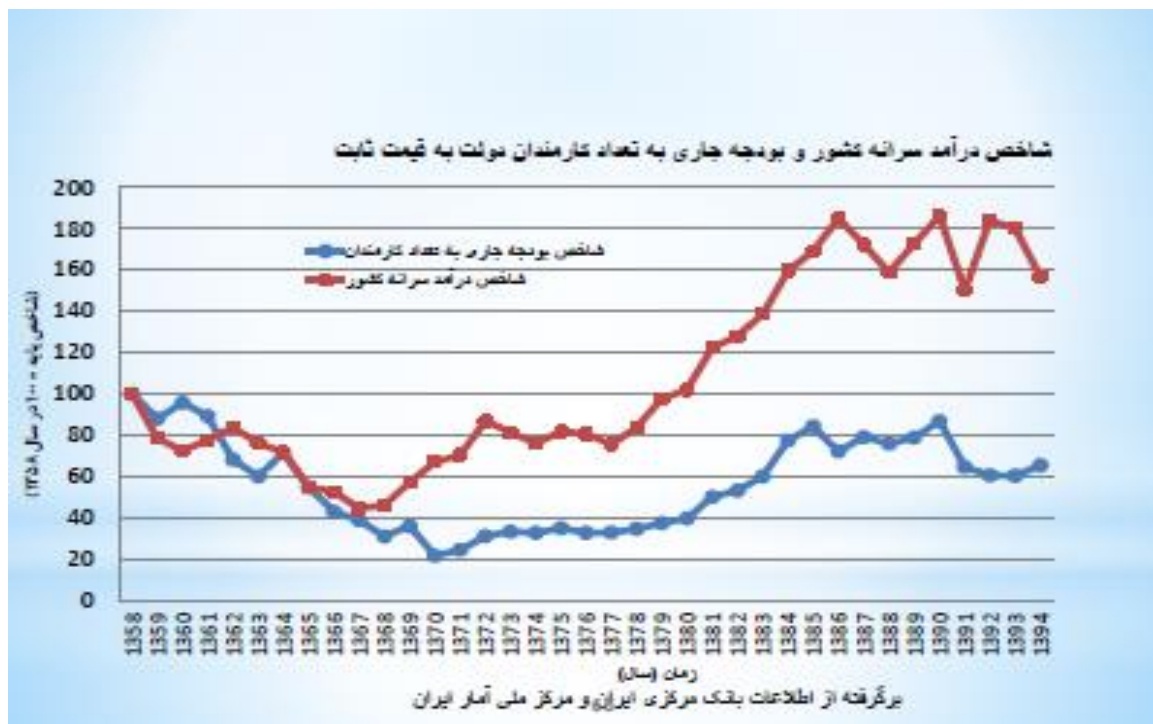




## ۲. بررسی توان دولت برای تقویت مالی آموزش عالی

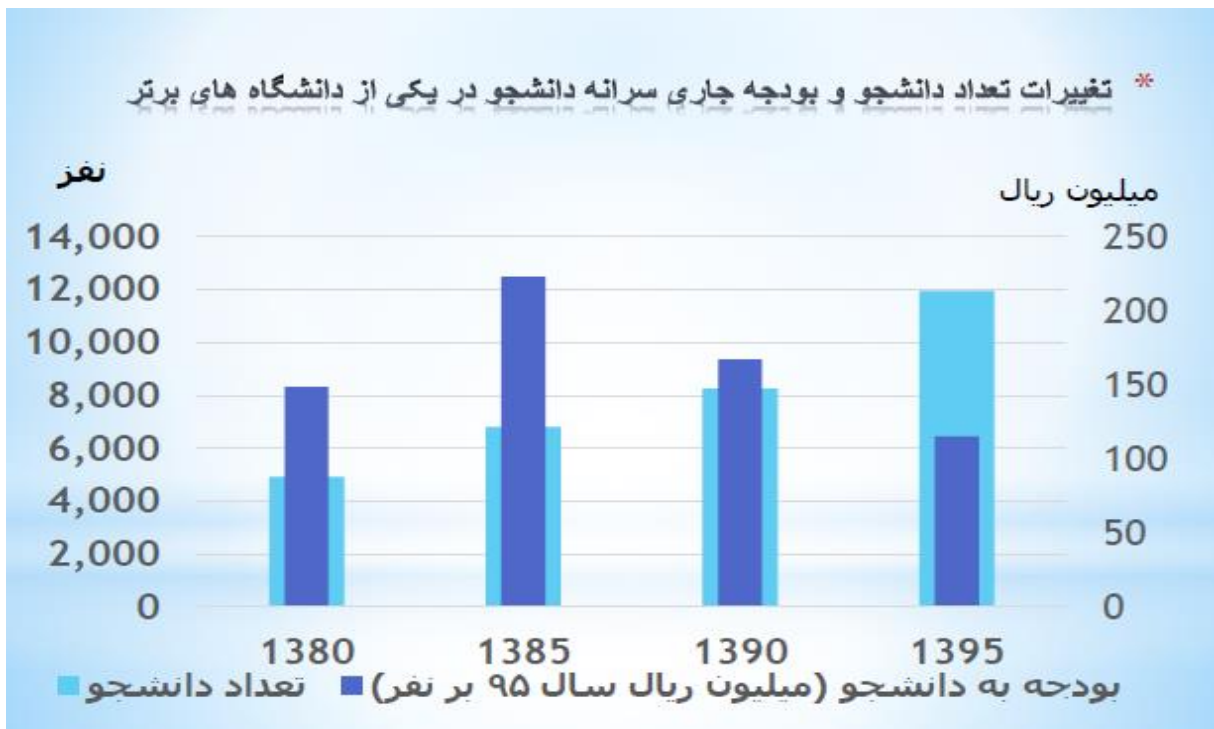
حال اگر قرار باشد تقویت مالی آموزش عالی به منابع دولتی متکی شود باید دید وضعیت دولت از نظر منابع و هزینه‌ها و مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد چگونه است. اگر در نمودار ذیل شاخص نسبت بودجه جاری به تعداد کارکنان (به قیمت‌های ثابت) را در مقایسه با شاخص درآمد سرانه در کشور نگاه کنیم، هر دو شاخص در سال ۱۳۵۸ معادل ۱۰۰ فرض شده‌اند، می‌بینیم که در حالی که درآمد سرانه در سال ۱۳۹۴ حدود ۱۶۰ درصد مقدار آن در سال ۱۳۵۸ است، بودجه جاری دولت به تعداد کارکنان دولت در سال ۱۳۹۴ حدود ۶۵ درصد مقدار آن در سال ۱۳۵۸ می‌باشد. عمده بودجه جاری صرف پرداخت حقوق می‌شود لذا کارمندان دولت فقیرتر از سال ۱۳۵۸ و شاخص حقوق آن‌ها به‌طور متوسط حدود ۴۰٪ شاخص متوسط درآمد جامعه شده است. وقتی بودجه جاری به تعداد کارکنان نسبت به درآمد ملی سرانه (هر دو با قیمت ثابت) کاهش می‌یابد تبعات زیادی دارد. وقتی کارمندان دولت فقیرتر می‌شوند پی آمدهای نامطلوبی بار می‌آید، مثل اینکه دولت نمی‌تواند نیروهای کارآمد جذب کند، نیروهای کارآمد از دولت می‌روند، فساد رواج پیدا کند و بسیار پیامدهای منفی دیگر. علت به وجود آمدن این وضعیت گسترش زیاد کارکنان و سازمان‌ها و نهادهای وابسته به بودجه دولت و ناتوانی دولت در تأمین آن‌ها است. در این شرایط دولت‌ها توان تأمین منابع مالی لازم برای امور حیاتی مانند آموزش، بهداشت، امنیت و قضاوت را هم کم خواهند داشت. در این شرایط مشکل است انتظار داشته باشیم دولت دانشگاه‌ها را بیش از حد نسبت به دستگاه‌های دیگر مستثنی کند و از فقر دانشگاه‌ها بکاهد. افزایش منابع

دولتی برای دانشگاه‌ها مستلزم بازسازی ساختار دولت و کاهش بارهای اضافی بر دوش دولت و افزایش درآمدهای مالیاتی آن است که هر دو کار نیاز به تدبیر و مدیریت کارآمد دارد و سخت و زمان‌گیری است.



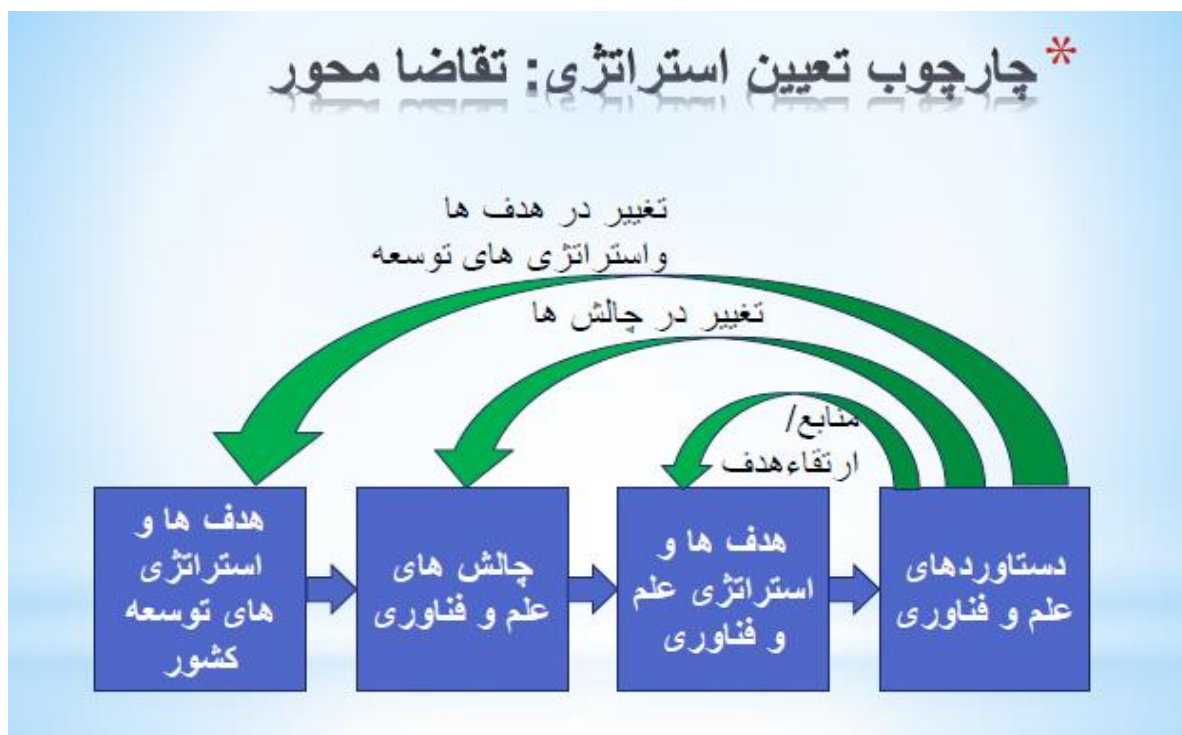
به علت همین سخت بودن کار است که وقتی دانشگاه‌ها متکی به دولت هستند، علیرغم آنکه همه دولت‌ها به اهمیت دانشگاه‌ها و آموزش اذعان داشته‌اند، وضع دانشگاه از نظر بودجه بدتر شده است. شکل زیر تعداد دانشجوی و نیز بودجه جاری سرانی به دانشجوی با قیمت ثابت را برای دانشگاه صنعتی شریف که یکی از دانشگاه‌های برتر کشور است نشان می‌دهد. همانطوریکه ملاحظه می‌شود درحالی‌که تعداد دانشجویان روبه افزایش بوده است بودجه جاری به دانشجوی در حال کاهش بوده است. ادامه این وضعیت موجب فقر روزافزون دانشگاه و تنزل بیش‌ازپیش کیفیت آموزش عالی در کشور می‌شود. ولی از آنجا که نمی‌توان بامید منابع دولتی برای اصلاح و تقویت آموزش عالی بود باید ساختار تأمین مالی آموزش عالی به نحو دیگری شکل بگیرد.

با افزایش فقر دانشگاه‌ها، نیروهای کیفی که در داخل و یا خارج از کشور تحصیل می‌کنند و می‌توانند اعضای هیئت‌علمی کیفی دانشگاه‌ها را تشکیل دهند به دانشگاه و یا حتی به کشور جذب نمی‌شوند. افرادی که تحصیلات عالی باکیفیت خیلی خوب دارند، نیروهای کار جهانی هستند و بازار کار جهانی متقاضی آن‌ها است. ایرانیانی که در دانشگاه‌های برتر دنیا تحصیل می‌کنند و در خارج از کشور متقاضی دارند، وقتی فقر دانشگاه‌ها به حدی برسد که یک کادر علمی تازه استخدام شده نتواند با حقوقی که می‌گیرد زندگی خود را در شهرهای دانشگاهی که عمدتاً شهرهای بزرگ هستند شکل دهد و از طرف دیگر دانشگاه‌ها و بنگاه‌های خارج از کشور متقاضی استخدام آن‌ها باشند بعید است به کشور باز گردند. در سال‌های اخیر ایرانیان زنده‌ای از بهترین دانشگاه‌های دنیا فارغ‌التحصیل شدند، علیرغم علاقه اشان به کشور در خارج و برخی از آن‌ها به‌عنوان هیئت‌علمی در بهترین دانشگاه‌های دنیا جذب شدند و آموزش عالی کشور از خدمات آن‌ها که می‌توانست به کیفیت آموزش عالی کمک شایانی بکند محروم شد.



### ۳. تغییر ساختار تأمین مالی آموزش عالی

وقتی دولت امکان تأمین مالی آموزش عالی را نداشته باشد، باید ساختار تأمین مالی آموزش عالی تغییر کند. باید مانند سایر دانشگاه‌های برتر منابع مالی علاوه بر دولت از محل بودجه تحقیقاتی اخذ شده از بنگاه‌های اقتصادی و سازمان‌ها برای حل مسائل آن‌ها، و از محل شهریه و هدایای باشد. بدین منظور جدا از آنکه کشور نیاز به تحقیقات محض به‌خصوص در حوزه‌های علوم محض و پایه دارد که باید تأمین مالی شود، ولی عمده فعالیت‌های آموزش عالی در سطح کیفیت بالا باید تقاضامحور و مبتنی بر نیازهای استراتژی توسعه کشور باشد. شکل زیر ارتباط بین هدف‌ها و استراتژی‌های توسعه کشور و هدف‌ها و استراتژی‌های علم و فناوری و دستاوردهایی که حوزه علم و فناوری باید ارائه دهد را نشان می‌دهد. چالش‌های علم و فناوری کشور بر اساس هدف‌ها و استراتژی‌های توسعه تعیین می‌شود. هدف‌ها و استراتژی علم و فناوری باید بر اساس چالش‌های مزبور تعیین شود. اگر بخش علم و فناوری، که دانشگاه‌ها باید نقش اصلی را در آن ایفا نمایند، به‌درستی عمل کنند و دستاوردهای مناسبی ارائه دهند باید چند نتیجه حاصل شود. اول منابع لازم برای تقویت بخش علم و فناوری به دست آید. ثانیاً با حل برخی چالش‌ها، نوع چالش‌های جدیدی مطرح می‌شود، و ثالثاً با به‌کارگیری دستاوردهای علم و فناوری هدف‌ها و استراتژی‌های جدیدی متناسب با وضعیت جدید پیشرفتگی کشور شکل می‌گیرد و چرخه پیشرفت جامعه کامل می‌شود.

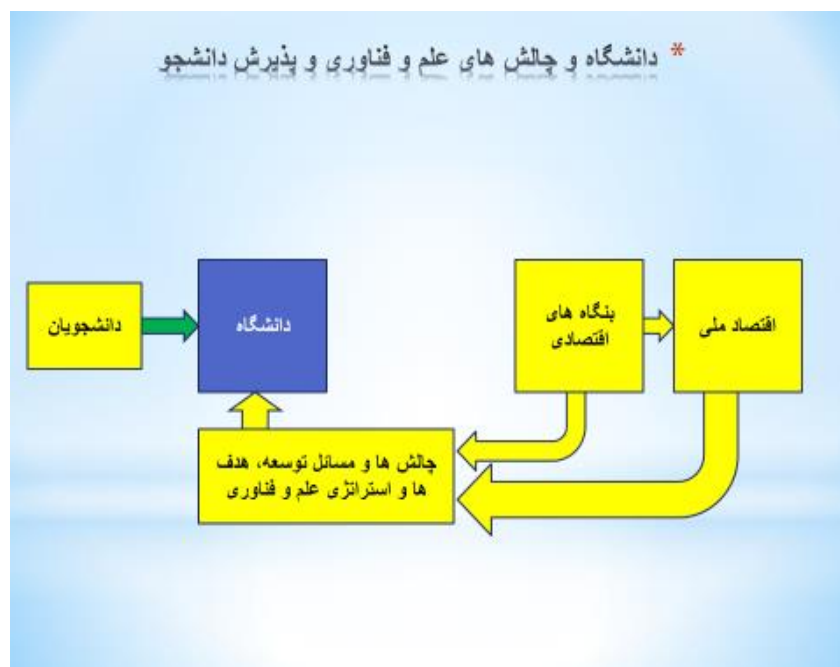


در چرخ مزبور تعامل بین دانشگاه‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و دولت ضروری است. همان‌طوری که در شکل زیر مشاهده می‌شود با تعامل بین این سه نهاد چرخه رشد هدفمند آموزش عالی و تأمین منابع مالی آن امکان‌پذیر است.

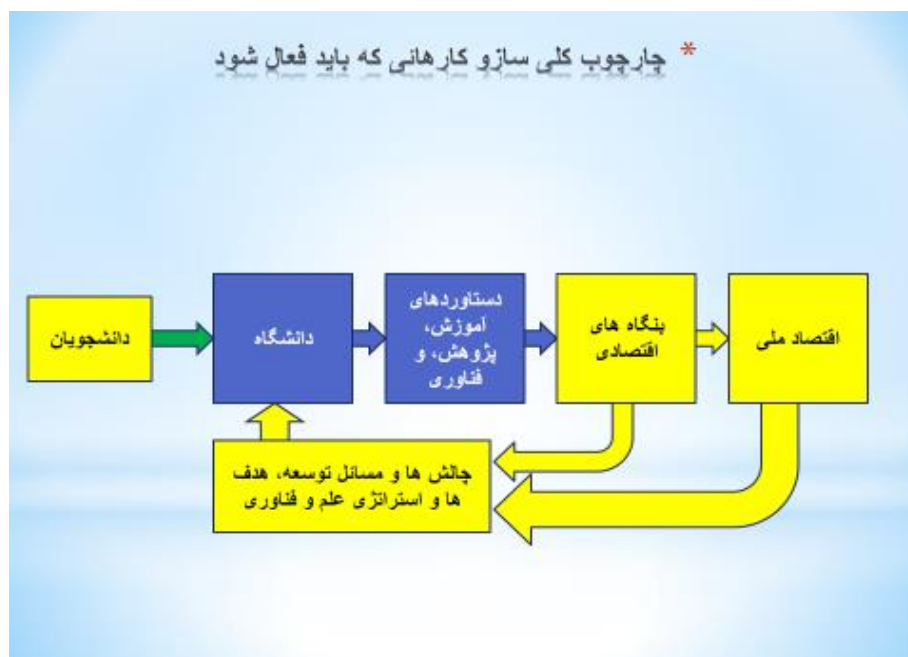




برای فعال شدن تعامل بین دانشگاه‌ها، بنگاه‌های اقتصادی، و دولت، همانطوریکه در شکل زیر نشان داده می‌شود دانشگاه از یک طرف برای آموزش و تحقیق دانشجو می‌پذیرد و از سوی دیگر باید چالش‌های توسعه کشور را دریافت کند. بنگاه‌های اقتصادی و دولت با چالش‌های توسعه کشور مواجه‌اند که باید با کمک دانشگاه‌ها و نیروهای درون خود آن‌ها را تعیین و تعریف کنند.



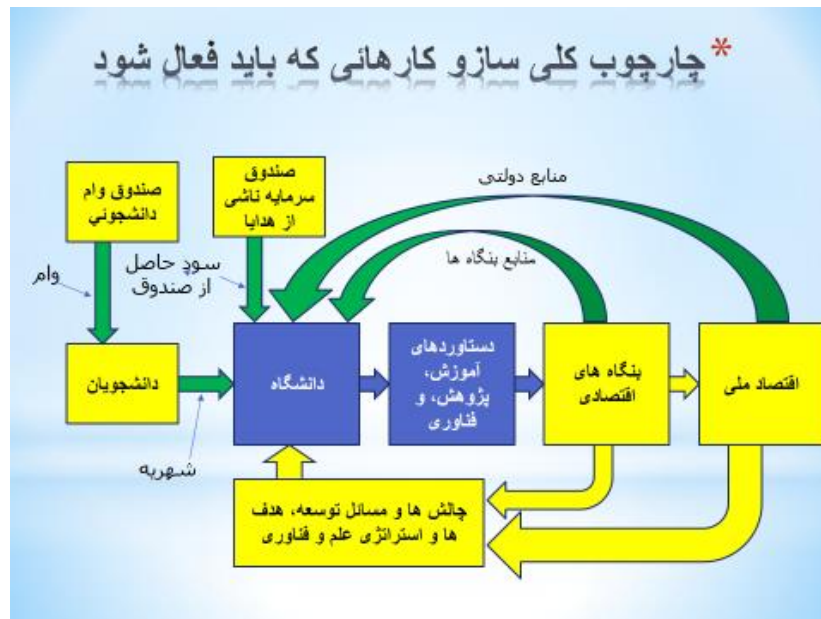
دانشگاه‌ها باید با مدیریت شایسته و علمی خود برای حل چالش‌ها و مسائل دستاوردهای مؤثری ارائه دهند (شکل زیر). دستاوردهای دانشگاه‌ها در زمینه علم و فناوری باید قادر باشد به بنگاه‌ها و دولت در حل مسائلش کمک کند.



ولیکن برای آنکه دانشگاه‌ها بتوانند نقش مؤثری ایفا نمایند باید منابع انسانی و تجهیزاتی مناسبی را به کار گیرند و بدی منظور باید منابع مالی لازم را در اختیار داشته باشند. شکل زیر منابع بالقوه‌ای که می‌تواند با طراحی یک ساختار تأمین مالی برای دانشگاه‌ها فعال شود را نشان می‌دهد.

وقتی دستاوردهای آموزشی، پژوهشی و فناوری دانشگاه به بنگاه و اقتصاد ملی کمک کند، بخشی از منابع مالی دانشگاه باید از بنگاه‌های اقتصادی برای انجام تحقیقات مشکل‌گشای دانشگاه و نیز دوره‌های آموزشی خاص برای تربیت نیرو جهت بنگاه‌ها تأمین شود. با تقویت بنگاه و اقتصاد ملی که حاصل دستاوردهای دانشگاه‌ها است، منابع دولتی (بودجه) برای تقویت دانشگاه نیز می‌تواند افزایش یافته و بخشی فزاینده‌ای از منابع دانشگاه‌ها را تأمین کند. ولی علاوه بر دو منبع مزبور شهریه از دانشجویان و سود صندوق‌های سرمایه‌گذاری دانشگاه‌ها بخش دیگری از منابع را باید تأمین کند. دانشجویانیکه وارد دانشگاه می‌شوند و سرمایه انسانی خود را افزایش می‌دهند باید بخشی از هزینه افزایش سرمایه را پرداخت کنند. ولی پرداخت شهریه نباید مانع تحصیل هیچ جوان بااستعداد ایرانی در دانشگاه‌ها و بخصوص در دانشگاه‌های برتر شود. لذا باید یک صندوق وام دانشجویی ایجاد کرد تا دانشجویانیکه توان پرداخت شهریه برای تحصیل در دانشگاه‌های برتر را ندارند از آن صندوق وام دریافت کنند و بعد از فارغ‌التحصیلی و اشتغال از محل درآمدهای خود وام را به صندوق برگردانند تا منابع صندوق برای دانشجویان بعدی آماده باشد. علاوه بر شهریه و منابع دریافتی از دولت و بنگاه‌های اقتصادی، هر دانشگاه می‌تواند یک صندوق سرمایه تشکیل دهد. فارغ‌التحصیلان دانشگاه و افراد متمولی که می‌خواهند به پیشرفت علم و فناوری در کشور کمک کنند هدایای نقدی خود را به صندوق سرمایه دانشگاه اعطا می‌کنند. سرمایه صندوق توسط مدیر حرفه‌ای در حوزه سرمایه‌گذاری در زمینه‌های کم‌خطر سرمایه‌گذاری می‌کند و از سود حاصل از آن به منابع مالی دانشگاه کمک می‌شود.





در ساختار جدید، دانشگاهی که بتواند دستاوردهای بهتر و راهگشاتری داشته باشد منابع بیشتری جذب خواهد کرد. در این ساختار، مسابقه‌ای بین دانشگاه‌ها برای حل مسائل کشور ایجاد می‌شود. دانشگاهی که توانایی بیشتری داشته باشد خدمات بیشتری به جامعه ارائه می‌دهد و در مقابل از منابع بیشتری نیز برخوردار می‌شود، بدون آنکه جای شکایت از دولت برای تخصیص منابع بیشتر و کمتر به دانشگاهی وجود داشته باشد. در این ساختار قابلیت‌های دانشگاه‌ها در جهت حل مسائل کشور شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود.

البته حرکت از ساختار فعلی مالی دانشگاه‌ها به یک ساختار جدید پر چالش و زمان‌گیر است. ولی برای نجات آموزش عالی کشور و ارتقاء کیفیت آن چاره‌ای جز تغییر در ساختار تأمین مالی آموزش عالی کشور و بخصوص ساختار تأمین مالی دانشگاه‌های برتر کشور نیست. یک مدیریت دانا و توانا و کارآمد باید این تحول را شروع کند و شاید نقطه آغازین آن باید دانشگاه‌های برتر کشور باشند. تحول در ساختار تأمین مالی دانشگاه‌ها می‌تواند بر اساس راهکارهای کلی زیر باشد:

- ادامه پرداخت تقریباً یکنواخت دولت به دانشگاه‌ها مطابق توان بودجه دولت برای رعایت سهم دانشگاه‌های ضعیف‌تر از منابع دولتی
- عدم تمرکز امور آموزش عالی (واگذاری اختیارات به دانشگاه‌ها و هیئت‌انامی آن‌ها) برای تصمیمات آموزشی، تحقیقاتی، استخدامی و مالی و اداری
- تعیین چارچوب و استاندارد متمرکز برای حداقل‌های آموزشی
- تشکیل صندوق وام از محل صندوق توسعه ملی و خیرین برای دانشگاه‌های برتر
- تعیین شهریه توسط مدیریت دانشگاه‌ها با توجه به متقاضیانی که هر دانشگاه دارد

- تعیین و اعلام هدف‌ها و استراتژی‌های توسعه کشور و تعیین هدف‌ها و استراتژی‌های در سطح بنگاه‌ها و تعیین چالش‌های علم و فناوری برای پیاده‌سازی استراتژی‌ها.
- تقویت ارتباط دانشگاه با دولت و بنگاه برای تعریف و تعیین چالش‌ها و مسائل علمی و فناوری اولویت‌دار
- تمرکز روی تحقیقات مسئله محور در دانشگاه‌ها در قالب قراردادهای تحقیقاتی
- تقویت حرکت نوآوری و کارآفرینی در دانشگاه و تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان و ثروت آفرین از درون دانشگاه‌ها با سهمی از دانشگاه‌ها در آن شرکت‌ها
- تقویت تحقیقات علوم پایه بر مبنای بودجه‌های تحقیقاتی دولتی و سایر درآمدهای دانشگاه‌ها
- تشکیل صندوق سرمایه‌گذاری در دانشگاه‌ها و جذب کمک و هدایای نقدی از سوی مردم و فارغ‌التحصیلان و مدیریت حرفه‌ای صندوق سرمایه‌گذاری برای کسب سود جهت استفاده از سود آن در اداره دانشگاه

در این صحبت اشاره‌ای نیز به یک مدل پویا برای بررسی وضع آموزش عالی و آینده آن در صورت ادامه سیاست‌های قبلی شد. در این زمینه به‌اجمال ساختار مدل و برخی نتایج حاصل از آن که آینده نامناسبی را از نظر افت کیفیت آموزش عالی و بیکاری زیاد فارغ‌التحصیلان در سطوح کارشناسی، و کارشناسی ارشد و بالاخره دکتری را نشان می‌داد ارائه شد. شرح مدل مزبور و نتایج حاصل از آن را باید در نوشتاری دیگر ارائه داد.

## دکتر مجتبی شریعتی نیاسر

### موضوع: آموزش عالی: چالش‌ها و راهکارها

از مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه‌بودجه کشور برای برگزاری این نشست تشکر می‌کنم. چالش‌ها و راهکارها را آقایان دکتر نمکی و دکتر مشایخی فرمودند و من می‌خواهم با یک روش و ادبیات دیگری آن‌ها را مطرح کنم. همان‌طور که آقای دکتر دژپسند گفتند ما نباید خودمان را سانسور کنیم به‌ویژه در جمع‌های تخصصی واقعاً باید بدون پرده و صریح صحبت کرد تا صاحب‌نظران حاضر نیز چالش‌ها را بهتر و دقیق‌تر بشناسند و متعاقباً بتوانند در یافتن راه‌حل‌ها، مشارکت دقیق‌تر و بهتری داشته باشند و به ما کمک کنند. البته من به دلیل محدودیت وقت به آمارها نمی‌پردازم ولی نتایج کلی این آمارها را خدمتتان ارائه خواهم کرد.

چالش‌های کنونی آموزش عالی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

#### ۱. رشد بی‌رویه کمی

ما رشد بی‌رویه‌ای را در دهه‌های گذشته داشته‌ایم هرچند سرعت این افزایش در سال‌ها و دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است ولی نهایتاً باعث شده تا جمعیت دانشجویی ایران بیش از ۵ برابر میانگین جهانی افزایش یافته است. طرف مثبت قضیه این است که سرمایه‌ها صرف آموزش عالی شده است و منابع انسانی را گسترش داده‌ایم و همه اقشار توانسته‌اند وارد آموزش عالی شوند. ولی روی منفی این کار این است که استانداردها رعایت نشده، چون شاخص‌های لازم را رعایت نکرده‌ایم و نهایتاً نتوانسته‌ایم این رشد کمی را با یک رویکرد کارشناسانه و با کیفیت انجام دهیم. در نتیجه مواجه شده‌ایم با انبوهی از مراکز و جمعیت دانشجویی که خارج از استانداردهای لازم و به‌صورت کاملاً غیرمتعارف دارند آموزش می‌بینند و این وضعیت نیز اساساً با وضعیت مطلوب فاصله دارد. لازم به ذکر است تعداد مراکز آموزش عالی امان بالغ بر ۲۵۰۰ واحد است که بیش از جمعیت ۱ میلیاردی کشور چین است که این وضعیت نه تنها خوب نیست بلکه اصلاً قابل قبول نیست.

#### ۲. ضعف نظارت

#### ۳. افول توانمندی دانش‌آموختگان

#### ۴. بی‌انگیزگی استادان

#### ۵. گسستگی ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه

#### ۶. عدم تطابق شاخص‌های اسناد بالادستی با واقعیت‌ها و سیاست‌های جاری

#### ۷. ...

### جهت‌گیری آموزش عالی: توجه به برنامه ششم توسعه و تحقق آمایش سرزمین

جهت‌گیری‌های ما برای رفع چالش‌ها توجه به برنامه است. متأسفانه بی‌توجهی به برنامه‌ها یکی از مشکلات بزرگ است. در شرایط کنونی برنامه ششم می‌تواند ملاک عمل واقع شود. از جمله اسناد بالادستی سند آمایش آموزش عالی نیز

هست که مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است. آمایش آموزش عالی چندین بند تکلیفی دارد که من به چند مورد اولویت‌دار اشاره می‌کنم. اولین مورد برنامه ساماندهی مؤسسات است که به دنبال راهکارهایی برای آن هستیم. تنوع و پراکندگی مؤسسات آموزش عالی، بی‌برنامگی آن‌ها، مأموریت‌گرا شدن آن‌ها، ضرورت ساماندهی را به‌طور مشخص بیان می‌کند. این ساماندهی البته شامل همه موارد است ولی اولویت با مؤسسات دولتی است چون هزینه آن را دولت پرداخت می‌کند و در برخی مواقع سربار دولت هستند لذا در این برنامه ساماندهی مؤسسات دولتی مدنظر است.



### برنامه اول: ساماندهی مؤسسات با اولویت مراکز دولتی

- ارزیابی شاخص‌های استاندارد در کلیه مراکز مراکز آموزش عالی را امتیازبندی و تفکیک کرده‌ایم.
- تفکیک مناطق توسعه‌یافته و درحال توسعه بر این اساس شاخص‌های استاندارد مرحله قبل مراکز آموزش عالی را به توسعه‌یافته و درحال توسعه تفکیک کرده‌ایم.
- تبیین روش و مراحل ساماندهی برای مرکز درحال توسعه
- بررسی و نظارت بر برنامه راهبردی این گونه مرکز نظارت بر برنامه راهبردی مرکز آموزش عالی را به‌صورت قانونمند تعریف و ابلاغ کرده‌ایم.
- ارتقاء نقش هیات‌های امناء در هدایت مراکز در مدار برنامه باور و اعتقاد داریم نظام هیئت‌امنائی بسیار پیشرفته و خوب است ولی مراکز آموزش عالی ما از این پتانسیل و توانمندی آن‌چنان‌که باید و شاید استفاده نمی‌کند. بلکه باید بتوانیم از ظرفیت حقوقی و قانونی هیات امناء استفاده مطلوب در جهت اعتلای آموزش عالی را ببریم.

### برنامه دوم: توسعه مهارت‌افزایی و ارتقاء اشتغال‌پذیری دانشجویان (برنامه بلندمدت و کوتاه‌مدت)

- اصلاح و به‌روز‌نمائی برنامه‌های درسی با رویکرد کاربردی و میدانی
- اصلاح و به‌روز‌نمائی برنامه‌های درسی با رویکرد کاربردی و میدانی بسیار مهم است. این‌گونه اصلاحات یک پدیده نوظهور نیست و در بسیاری از دانشگاه‌های جهان آن پرداخته شده است ولی گاهی اوقات متأسفانه ما به این تجربیات

مراجعه نمی‌کنیم و مجدداً می‌خواهیم اصطلاحاً چرخ را اختراع کنیم. برای مثال دانشگاه‌های مطرح جهانی چند ویژگی اصلی دارد، دانشگاه‌ها به‌هر حال باید جامعیت لازم را داشته باشد. پراکندگی در نظام آموزش عالی یک معضل و چالش است و باید اصلاح شود

- ایجاد و تقویت مراکز توانمندسازی اساتید (FDC) در مرکز با اولویت سطح ۱
- ارائه دروس اختیاری و اعمال برنامه‌های ویژه در بخش آموزش
- ارائه دروس اختیاری از مواردی است که عملیاتی شده است و از سال گذشته بخشنامه کرده‌ایم به دانشگاه‌ها
- رصد وضعیت دانش‌آموختگان از طریق ایجاد و تقویت انجمن‌های دانش‌آموختگان
- این مورد یکی از موارد ضعف‌های ما است. هنوز انجمن‌های دانش‌آموختگی در دانشگاه‌ها فعال نیستند.
- توجه ویژه به حوزه علوم انسانی با توجه به سهم جمعیتی در آموزش عالی
- در این رابطه قریب به ۵۰ درصد دانشجویان ما در علوم انسانی مطالعه می‌کنند که بخشی از آن‌ها متأسفانه از کیفیت لازم برخوردار نیستند.

#### برنامه سوم: ارتقاء سطح اختیارات دانشگاه‌ها (به تناسب جایگاه در نظام سطح‌بندی)

باید به دانشگاه‌ها اختیارات متناسب بدهیم تا بتوانند اقدامات ذیل را انجام دهند:

- پیاده‌سازی طرح مدیریت منطقه‌ای و تمرکززدایی از ستاد
- بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی با اولویت بین‌رشته‌ای
- تعیین تقویم آموزشی متناسب با شرایط اقلیمی و منطقه‌ای
- انعطاف در اجرای مقررات آموزشی در هر سه مقطع تحصیلی
- تعیین و تعریف دروس اختیاری مؤثر در مهارت‌افزایی
- حمایت از برگزاری دوره‌های مشترک با مراکز معتبر خارجی
- پذیرش دانشجوی مشترک با مراکز تحقیقاتی داخلی

#### برنامه چهارم: افزایش سطح اثرگذاری بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی

- حمایت حقوقی از مراکز غیردولتی با هدف کمک به کاهش بار دولت
- همراهی در تأمین تسهیلات مالی برای بخش غیردولتی
- ایجاد فضای رقابتی - نظام سطح‌بندی
- تعریف شاخص‌های تشویقی و شاخص‌های بازدارنده
- کمک به ارتقاء سطح مراکز موفق در نظام رتبه‌بندی
- تقویت جایگاه نظارتی ستاد بر عملکرد مؤسسات

- تعیین سطح فعالیت متناسب با جایگاه در نظام سطح‌بندی

- هم‌ترازی حمایت دولتی در ازای نقش خیرین در توسعه آموزش عالی

ما اعتقاد داریم که باید بخش خصوصی مورد حمایت قرار بگیرد و به توسعه آموزش عالی کمک کند. دولت واقعاً نمی‌تواند پاسخگوی خیل عظیم متقاضیان ورود به دانشگاه باشد. اکنون ۸۵ درصد دانشجویان هزینه‌های خود را پرداخت می‌کنند و کمتر از ۱۵ درصد دانشجویان به‌صورت رایگان مشغول به تحصیل هستند. با این اوصاف فکر کنیم که چگونه بخش خصوصی را به‌طور مؤثر وارد آموزش عالی کنیم. برای مثال یکی از این روش‌ها ورود خیرین است، البته نباید این‌طور فکر کنیم که خیرین باید صفر تا صد یک کار را انجام دهند تا یک پروژه را به انجام برسانند باید یکسری شاخص‌های تشویقی داشته باشیم تا بخش خصوصی و خیرین متناسب با توان مالی خود، حمایت‌های مالی دولت و سایر شاخص‌ها به آموزش عالی کمک کنند.

برای تقویت و کمک به ارتقاء سطح مراکز موفق، نظام رتبه‌بندی را داریم دنبال می‌کنیم. باورمان این است که نظام رتبه‌بندی رقابت سالم بین مراکز دانشگاهی را فراهم می‌کند.

- تقویت جایگاه کارگروه‌های تخصصی در کلیه امور

تقویت جایگاه کارگروه‌های تخصصی در کلیه امور اعم از آموزشی، پژوهشی و فناوری به‌طور جدی پیگیری می‌شود. از یک سال و نیم پیش ۶۵۰ نفر از اساتید دانشگاه که دارای مرتبه بالایی هستند در قالب ۷۵ کارگروه تخصصی ساماندهی شده‌اند. این کارگروه‌ها عملاً به‌صورت آزاد کانون فکری ما هستند و در همه حوزه‌ها ورود پیدا می‌کنند. البته تا به حال وظایف این کارگروه‌ها برنامه‌ریزی درسی بود که این وظیفه را به دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ واگذار کرده‌ایم. در حال حاضر این کارگروه‌ها وظایف اشان این است که به سراغ نوآوری‌ها، رصد کردن علم و تکنولوژی، یافتن راهکارها و روش‌های نوین اصلاح و ارتقاء روش‌های نظام آموزش عالی و ... بپردازند.

**تقویت جایگاه کارگروه‌های تخصصی در کلیه امور**  
**اعم از آموزشی و یا پژوهش و فناوری:**  
**توسعه کمی و کیفی رشته‌ها، تشخیص نیاز بازار، ایفای نقش در رفع مسائل جاری جامعه،**  
**رصد نوآوری‌های هر حوزه، تعامل مؤثر با انجمن‌های علمی**

مثالی بزنم، در یک نمایشگاه کتاب می‌خواستیم از نیروهای جوان برای همکاری استفاده کنیم. دانشجویان رشته‌های مختلف را دعوت کرد و از آن‌ها خواستیم صرفاً ۴ کتاب را در زمینه رشته خود نام ببرند که آن‌ها نتوانستند. این نشان می‌دهد که شیوه آموزش ما یک شیوه سنتی و منسوخ شده است که مبتنی بر مسائلی مانند متکلم وحده بودن استاد، اکتفا به جزوه و ... است و نتیجتاً دانشجو نمی‌تواند پویایی و تحرک لازم را داشته باشد.

## - مدیریت منطقه‌ای

## اعمال طرح مدیریت منطقه‌ای در مناطق ده گانه آموزش عالی و تمرکززدایی از ستاد

در بحث مدیریت منطقه‌ای ما داریم تهیه می‌کنیم که امیدوارم تا پایان تابستان نهایی و آماده شود امکان تمرکززدایی از ستاد آموزش عالی را تقویت خواهد کرد اختیار به مناطق داده می‌شود تا نیازهای خود را بهتر بشناسند نه اینکه همه این نیازها توسط ما در ساختمان وزارت علوم تشخیص بدهیم مثل اینکه در شهرستان ابرانشهر و اردبیل چه نیازهایی در آموزش عالی وجود دارد قطعاً توسط این مناطق بهتر قابل شناسایی می‌باشد. نیازها را باید در خود مناطق تشخیص بدهند و ما باید این اختیارات را به مناطق بدهیم که این طرح به صورت جدی در حال پیگیری است.

## - اجرای پروژه‌های اقتصاد مقاومتی

اجرای پروژه‌های اقتصاد مقاومتی که مورد توجه خاص مقام معظم رهبری و مسئولین است را دنبال می‌کنیم. دو پروژه اقتصاد مقاومتی به طور خاص دنبال می‌شود که شامل ارتقاء سطح دانشگاه‌های کشور به تراز جهانی و افق چشم‌انداز و پیاده‌سازی طرح آمایش سرزمین است.

## اجرای پروژه اقتصاد مقاومتی ارتقاء سطح دانشگاه‌های مستعد کشور به تراز بین‌المللی و افق چشم‌انداز

## - تقسیم‌بندی چهارگانه مرکز آموزش عالی

یکی از موارد برنامه ششم توسعه این است که باید دانشگاه‌ها به ۴ سطح تقسیم شوند که هم‌اکنون تقسیم‌بندی انجام شده است. مرکز سطح ۱ بین‌المللی، سطح ۲ ملی، سطح ۳ منطقه‌ای و سطح ۴ محلی هستند. بر اساس برنامه ششم توسعه دانشگاه‌ها باید ساختارشان به‌گونه‌ای تنظیم شود که در پایان برنامه بین‌المللی‌ها حداکثر ۵ درصد جمعیت دانشجویی کشور را داشته باشند ملی‌ها ۲۰ درصد؛ منطقه‌ای‌ها تا ۳۵ درصد و محلی‌ها ۴۰ درصد. همچنین بین‌المللی تا پایان برنامه حداکثر ۱۰ درصد جمعیت دانشجویی آنان باید خارجی باشد و ملی‌ها ۳ درصد.

تحقیق برنامه ششم: سهم دانشجویان مراکز آموزش عالی								
سهم دانشجوی خارجی از کل	تعداد دانشجویان داخلی بر حسب سطوح تحصیلی					ماموریت محوری	هدف کلی	
	100	20	40	40	0			
10	100	20	40	40	0	5	بین المللی (درصد)	هماهنگی برنامه‌های آموزش عالی با نیازهای بخش‌های اقتصادی / اجتماعی / حضور مؤثر نظام آموزش عالی در کشور علم و توسعه فناوری در برهه ملی و فراملی
3	100	7/5	45	45	2.5	20	ملی (درصد)	
2	100	0	20	55	25	35	منطقه ای (درصد)	
0	100	0	0	50	50	محلی (درصد)		

### – مصادیق و راهکارها

در اینجا می‌خواهیم اشاره‌ای به مصادیق و راهکارها داشته باشیم. ما باید با کمک سازمان برنامه‌بودجه کشور راه‌حلی اساسی برای مشکلات پیدا بکنیم.

#### ۱. پیشگیری از تعریف ردیف، نام جدید موسسه و یا دانشگاه خارج از اختیارات سازمان

یکی از عوامل مهم در بخش ساماندهی متأسفانه توسعه بی‌رویه کمی مؤسسات است. ما الآن جایی به نام شورای گسترش داریم که در آنجا تصمیم می‌گیرند که چه موسسه ایجاد شود و چه عنوانی داشته باشد و آیا شرایط لازم را دارا می‌باشد یا خیر؟ لذا علیرغم تمامی زحمات سازمان برنامه‌بودجه همین‌طور می‌بینیم که در مجلس شورای اسلامی بدون در نظر گرفتن نظر آموزش عالی، سازمان برنامه و دولت خود مجلس مؤسسات را ایجاد می‌کنند و یک ردیف مستقل بودجه‌ای به آن اختصاص می‌دهند که گاهی اصلاً چنین موسسه‌ای هنوز ایجاد نشده ولی مبالغ قابل توجهی اعتبار دارد. این‌گونه موارد به‌طور مکرر مشاهده می‌شود که بدون در نظر گرفتن شرایط لازم بودجه برای برخی از این مؤسسات گذاشته می‌شود. به‌رحال باید برای این مشکل یعنی کارهای بدون برنامه در حوزه آموزش عالی فکری بکنیم. سازمان برنامه با کمک وزارت علوم می‌بایست یک راهکار پیدا کنند که خارج از چارچوب، ضوابط و استانداردهای وزارت علوم، چنین مؤسسات ایجاد نشود، ردیف اعتباری داده نشده و یا اعتباری پرداخت نگردد.

#### ۲. کوچک‌سازی تشکیلات و سازمان‌دهی درون دانشگاهی (با رویکرد بین‌رشته‌ای و ...)

امروز خیلی از دانشگاه‌های دنیا به سمت کوچک‌سازی رفته‌اند و امروز دانشگاه‌های بزرگ دنیا تعداد دانشکده‌های اشان به‌واسطه تلفیق بین حوزه‌ها خیلی محدود شده است و دانشکده‌ها را تلفیق کرده‌اند. ولی متأسفانه امروزه در ایران حتی در مؤسسات کوچک نیز تلاش بر این است که چندین دانشکده داشته باشند که این کار خطا است و باید اصلاح شود.



البته طرحی برای این منظور داریم که امیدواریم این مشکل را اصلاح کند. خوشبختانه دانشگاه صنعتی امیرکبیر پیش‌تاز است و انشالله به مرحله اجرایی برسد.

### ۳. اختصاص اعتبار ویژه برای مهارت‌افزایی دانشجویان

از سازمان برنامه‌بودجه کشور انتظار داریم در زمینه اختصاص اعتبار ویژه برای مهارت‌افزایی دانشجویان کمک کنند. چون طرحی را ارائه خواهیم کرد تا دانشگاه‌ها و حوزه‌هایی که می‌توانند به مهارت‌افزایی وارد شوند.

### ۴. حمایت حقوقی از گواهی‌های مهارتی برای اشتغال

ما اگر می‌خواهیم دانشجویان به حوزه‌های مهارت‌افزایی ورود پیدا کنند باید شاخص‌های تشویقی داشته باشیم. یکی از این شاخص‌های تشویقی دادن گواهینامه معتبر است که در سرتاسر کشور اعتبار داشته باشد. ولی اعتبار این گواهینامه‌های مهارتی نیاز به هماهنگی نهادهای بالادستی نیز دارد که با اعتباربخشی و استفاده از این مدارک از این روش حمایت کنند.

### ۵. تنوع‌بخشی به مدارج تحصیلی برای ورود زود هنگام و هدفمند به بازار کار

تنوع نداشتن مدارک دانشگاهی ما یکی از مواردی است که هزینه‌های زیادی به کشور وارد می‌کند. از حدود ۵۰ سال اخیر تاکنون مدارج دانشگاهی ما کماکان در همان تقسیم‌بندی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا باقی مانده است. ما تنوع مدرک ایجاد نکرده‌ایم و ایستگاه‌های کفایت مدرک و توقف تحصیلی برای ورود به بازار کار را ایجاد نکرده‌ایم و به دلایل مختلفی جوانان ما فکر می‌کنند که حتماً باید مدارج بالاتر را طی کند درحالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته مدارج مختلف وجود دارد برای مثال در انگلستان حدود چند دهه پیش در مقطع لیسانس، دو نوع لیسانس وجود داشت که یکی از آن‌ها به گونه‌ای تعبیه شده بود که خیلی سریع به مدرک منتهی می‌شد و شخص می‌توانست وارد بازار کار شود. درحالی‌که فضای فرهنگی آموزش عالی به گونه‌ای است که اگر ما در ایران چنین بحث‌هایی را بکنیم مورد پذیرش نیست درحالی‌که در دنیا چندین دهه است که جا افتاده است. در جاهایی که می‌توانیم باید این مدارک را اصلاح بکنیم واقعاً به چه دلیلی ما دانشجو را در محیط دانشگاهی نگاه می‌داریم و هزینه آموزش عالی را برای خودمان و دانشجو بالا می‌بریم.

### ۶. تعیین شاخص‌های تشویقی برای ترغیب نسل جوان به دوره‌های کاردانی

باید توجه داشت که نظام‌های آموزشی در کشورهای پیشرفته هرکدام بر اساس یک تئوری و نگرش علمی ایجاد شده‌اند برای مثال آلمان یکی از کشورهایی است که نظام آموزش عالی آن مبتنی بر کاردانی و پرورش تکنیسین است به همین دلیل هم هست که آلمان‌ها در زمینه‌های فنی بسیار موفق هستند. امروزه یک مشکل آموزش عالی ما این است که کارشناس خود را به گونه‌ای تربیت کرده که اگر امروز مشکلی در یک دستگاه فنی پیدا بکنیم، کاردان یا تکنسین این کار را نداریم و در عوض به تعداد زیاد لیسانس، فوق لیسانس و دکترا داریم ولی آن‌ها نمی‌توانند در زمینه‌های فنی کاری

بکنند و مشکل این دستگاه معیوب را برطرف کنند و ما بسیاری از اوقات حتی مجبور می‌شویم تکنسین از خارج کشور بیاوریم تا دستگاه را تعمیر کند. ما در این زمینه دچار مشکلات فرهنگی نیز هستیم به گونه‌ای که افراد دارای مدارج بالا به‌نوعی حاضر به کارهای تکنیکی، فنی و جزئی نیستند. برای رفع این مشکل ارکان مختلف نظام باید در این قضیه ورود پیدا کنند که در اینجا فرصت کافی برای توضیحات تفصیلی نیست.

#### ۷. اصلاح شیوه‌های جاری آموزش برای پویایی بیشتر و تعامل بهتر

متأسفانه در نظام آموزشی ما، تعامل یک‌طرفه است. استاد محوری وجود دارد و بر جزوه‌نویسی و ... تمرکز شده است. موارد این‌چنینی باعث کاهش کیفیت نظام آموزش عالی شده است که باید در این زمینه اقدامات اساسی انجام بدهیم.

#### - ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان

ما برای ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان یک برنامه کوتاه‌مدت و یک برنامه بلندمدت را باید دنبال کنیم. برنامه کوتاه‌مدت به‌نوعی مرور استانداردهای آموزش عالی و ابلاغ آن به دانشگاه‌ها است. همچنین در زمینه برنامه‌ریزی درسی هدف ارائه دروس اختیاری است که دانشگاه‌ها بتوانند در این زمینه توانمندی‌های خودشان را افزایش دهند.

#### - هم‌افزایی و انتقال حرکات خودجوش

ما امروزه شاهد این هستیم که برخی از مراکز دانشگاهی ما به‌صورت خودجوش حرکات بسیار خوب و تأثیرگذار در زمینه مهارت‌افزایی انجام داده‌اند.

#### - طرح سازوکار تحقق بخشی به اعتبارات پژوهشی

طرح سازوکار تحقق بخشی به اعتبارات پژوهشی را داریم تهیه می‌کنیم که ایجاد صندوق‌های تخصصی حمایتی برای پروژه‌های تحصیلات تکمیلی را در آن داریم. این صندوق‌ها به‌نوعی همان بحثی است که دکتر گرایبی نژاد در نشست دانشگاه شریف آن را مطرح کردند.

#### - توسعه کمی و کیفی دوره‌های فنی

توسعه کمی و کیفی دوره‌های فنی به‌صورت جدی مد نظر است بطوریکه در هفته گذشته تعداد قابل‌توجهی مجوز برگزاری دوره‌های فنی صادر کردیم که کمک می‌کند به اینکه برای دانش‌آموختگان میدان ورود به عرصه‌های فنی بازتر شود. باید توجه کنیم که یکی از توفیقات مراکز فنی و حرفه‌ای ما این است که فارغ‌التحصیلان آنان خوشبختانه بیکار نیستند و این دستاورد ارزشمندی است که باید آن را گسترش دهیم.

#### - رصد شغلی دانش‌آموختگان

در مورد اقدامات بلندمدت می‌توانیم به موارد ذیل اشاره کنیم:

- رصد شغلی دانش‌آموختگان
  - تأسیس اتحادیه دانش‌آموختگان
  - انحلال یا محدود کردن رشته‌های اشباع شده
  - اصلاح مأموریت دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه‌های محلی
  - تنوع مدارج تحصیلی (که به آن اشاره شد)
- در این رابطه خیلی از دانشگاه‌های محلی را بدون اینکه بخواهیم منحل کنیم لازم است مأموریت آن‌ها را تغییر دهیم. برای مثال تغییر و همچنین تقویت دوره‌های مجازی بسیار خوب است و نسبت به دوره‌های حضوری می‌تواند کاهش هزینه‌ها را به همراه داشته باشد، به شرط اینکه بتوانیم دوره‌های مجازی را با کیفیت برگزار کنیم. در پایان باید عرض کنم رمز اعتلای آموزش عالی ایران مشارکت جمعی، عقلانیت و عزم جدی می‌باشد.

سخن آخر:

**رمز اعتلای آموزش عالی**

**مشارکت جمعی**

**عقلانیت**

**عزم جدی و راسخ**



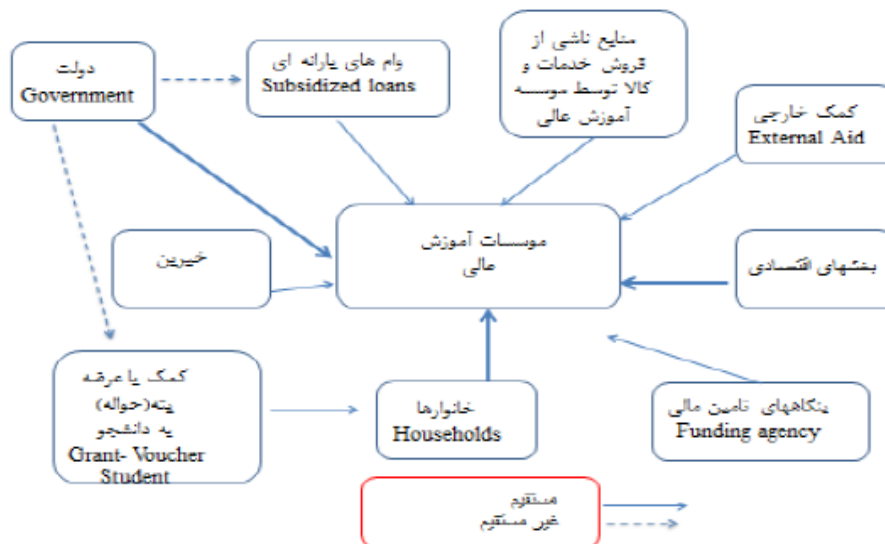
## دکتر غلامرضا گرای نژاد

### موضوع: تأمین مالی آموزش عالی از دولت تا خانوار و ضرورت نهاد واسط

آموزش عالی دارای مباحث مختلفی است لذا می‌توان آن را از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد. ولی تمرکز بحث اصلی ما امروز تأمین مالی، توزیع، تخصیص و مصرف در حوزه آموزش عالی است. ما قصد داریم به بحث تأمین و توزیع به نحو دیگری نگاه کنیم که این تغییر نگاه سرخط‌هایش در برنامه ششم توسعه گذاشته شد و می‌خواهیم روی این موضوع صحبت کرده و آن را عملیاتی کنیم. ضمناً برخی از مطالب پاورپوینت‌های انتهایی جناب آقای مشایخی را از نظر عملیاتی نیز می‌بینیم.

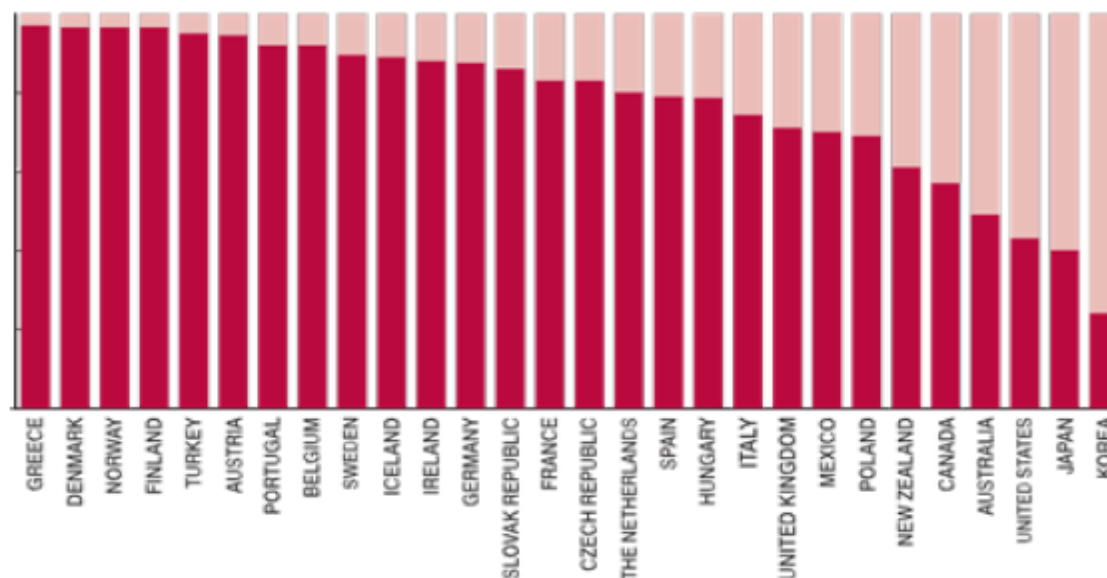
نمودار زیر مبادی تأمین مالی در آموزش عالی را نشان می‌دهد که در تمام دنیا تقریباً یکسان است. شامل:

## مبادی تأمین مالی آموزش عالی



ولی سؤال این است که نسبت کمک‌های دولتی و بخش خصوصی به تأمین منابع مالی آموزش عالی در کشورهای مختلف جهان به چه نسبتی است. البته قصد ما این نیست که به یک مدل و الگوی جهانی برسیم بلکه می‌خواهیم این وضعیت را در این کشورها ببینیم. همان‌طور که در نمودار ذیل ترسیم شده است وزن و نسبت مشارکت و کمک‌های دولت و متعاقباً بخش خصوصی در آموزش عالی کشورهای منتخب صنعتی (کشورهای عضو OECD) متفاوت است. برای مثال در کره جنوبی نزدیک به ۸۰ درصد منابع مالی توسط بخش خصوصی و ۲۰ درصد توسط دولت تأمین می‌شود ولی در برخی از کشورها این نسبت بسیار بالاتر و متفاوت و تا نزدیک ۱۰۰ درصد است. به‌رحال تجربه این کشورها نشان می‌دهد که دولت‌ها طیف مختلفی از تأمین مالی در آموزش عالی را دارند.

## سهم بخش خصوصی و دولتی از کل مخارج آموزش عالی در کشورهای منتخب در سال ۲۰۰۳



### علل دخالت دولت در آموزش عالی و تأمین مالی آن<sup>۱</sup>

دخالت و تأمین مالی بخش آموزش عالی توسط دولت دارای مبانی علمی ذیل می‌باشد:

۱. نرخ‌های بازدهی اجتماعی آموزش عالی در قیاس با نرخ‌های بازدهی خصوصی قابل‌مقایسه و دارای اهمیت هستند. آگاهی از نرخ‌های بازدهی دولتی آموزش عالی در قیاس با نرخ بازدهی خصوصی قابل‌مقایسه و دارای اهمیت هستند یعنی وقتی شما در آموزش عالی سرمایه‌گذاری می‌کنید بازدهی برای دولت از سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری‌های دیگر بالاتر است و این مورد را خیلی از دانشمندان دنیا معتقدند و مقالات زیادی نیز در رابطه با آن نوشته شده است.

۲. آموزش عالی برخی از ویژگی‌های کالای عمومی محض را دارا می‌باشد.

برخی می‌گویند آموزش عالی کالای عمومی است و ویژگی‌های آن به کالای عمومی نزدیک است و شما نمی‌توانید برای آن بازار درست کنید. همچنین در بخش عمومی برخی از کالاها و رشته‌ها دارای اثرات خارجی زیاد و گسترده است ولی در ابتدای کار نمی‌توان برایش بازار درست کرد. لذا باید از آموزش عالی به عنوان یک کالای عمومی حمایت کرد.

1. The nature and role of public policy in financing higher education by Micheal B. Paulson.

۳. سرمایه‌گذاری در آموزش عالی در یک بازار ناقص انجام می‌شود.

سرمایه‌گذاری در آموزش عالی بحث مهمی است و می‌خواهم در همین رابطه بحث صندوق‌های مالی را نیز مطرح کنم. چون بحث تأمین مالی منابع آموزش عالی از طریق بازار سرمایه که ممکن است مطرح شود جای اشکال دارد. ما وقتی همین بازار سرمایه که برای حمایت از تولید ساخته شده را می‌بینیم به راحتی به کارخانه‌دار وام نمی‌دهد. حال ممکن است مطرح کنیم که خانوار از بانک برای تأمین مالی فرزندش وام بگیرد و بعد از اشتغال یا ... پرداخت کند که مشکلات پیچیده‌ای دارد و خانوارها نیز استقبال نخواهند کرد.

۴. توزیع برابر سرمایه انسانی در جامعه به توزیع برابر درآمدها در وضع موجود بستگی دارد.

که مطرح می‌شود که اگر دولت در توزیع متعادل سرمایه انسانی حضور نداشته باشد توزیع نابرابرتر درآمدها را خواهیم داشت.

۵. جامعه ممکن است آموزش عالی را به عنوان کالای مطلوب به حساب نیاورد.

که البته این موضوع در ایران صادق نیست. معنی (Merit good) این است که یک خانواده حاضر نشود در حد کفایت نیز در آموزش عالی سرمایه‌گذاری کند که این اصطلاحی در بخش عمومی است.

**کدام عوامل در تعیین منابع عمومی برای آموزش عالی مهم‌تر هستند؟**

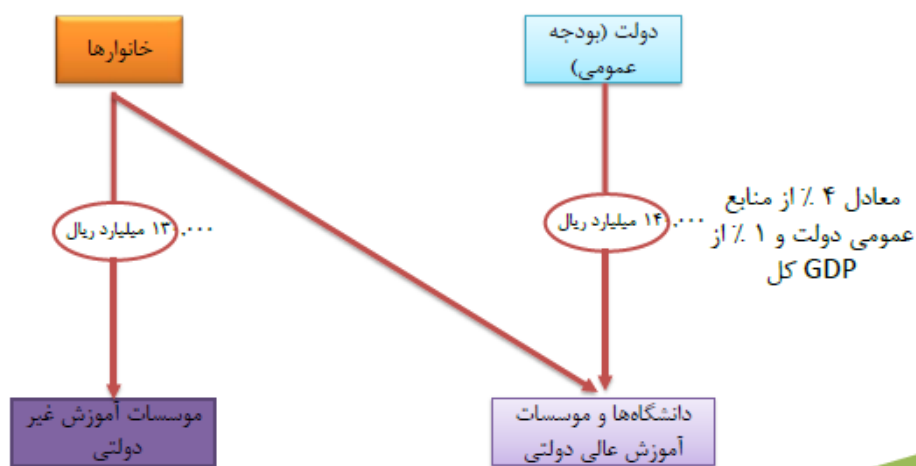
- میزان و گستردگی شکست بازار
- وضعیت اقتصاد کلان و اندازه دولت
- روندهای گذشته
- الگوهای تخصیص منابع و اولویت‌های دولت
- ترتیبات قانونی و سیاست‌ها
- فرآیند مذاکره (چانه‌زنی)

حال باید بررسی کرد که چرا نقش و سهم دولت بر اساس نمودار فوق با هم متفاوت است و یکی اینکه باید دید شکست بازار تا چه حد در این کشورها اتفاق افتاده است. باید دید اقتصاد کلان و اندازه دولت تا چه اندازه اجازه می‌دهد. الان در ایران اندازه دولت یک مانع است. دولت می‌بایست سایر بخش‌های اولویت‌دار مانند آموزش و پرورش، بهداشت، سلامت، تأمین اجتماعی و ... را نیز در کنار آموزش عالی تأمین مالی کند که در حال حاضر نمی‌تواند به صورت مطلوب برخی بخش‌ها را تأمین مالی نماید. ما و خود دولت اندازه‌ای را برایش تصور کرده‌ایم و آن را بهینه می‌دانیم که توان رسیدن به آن را ندارد.

بحث چانه‌زنی را من همیشه قبول داشته‌ام که حتی علیرغم بودجه‌ریزی عملیاتی و نظارت بر بودجه وجود خواهد داشت. حتی بوکانون برنده جایزه نوبل نیز معتقد است چانه‌زنی در بودجه وجود دارد.

## تأمین مالی کلان آموزش عالی کشور

# تأمین مالی کلان آموزش عالی کشور



اکنون در ایران منابع را بینیم نزدیک به ۵۰ درصد را دولت تأمین می‌کند و ۵۰ درصد توسط بخش خصوصی است. یعنی دولت حدود ۱۴۰ هزار میلیارد می‌گذارد و خانواده‌ها نیز تقریباً در همین حد یعنی ۱۳۰ هزار میلیارد ریال.

# توزیع یا تخصیص منابع عمومی





ما می‌خواهیم بدون ورود به الگوی توزیع آنچه واقعاً در درون دولت اتفاق می‌افتد و عملکرد است را نشان دهیم و عدالتی را که دکتر مشایخی اشاره کردند را نیز ببینیم. شاخص‌های ما نیز مبتنی بر نهاده است و همچنین عملکردی و فرآیندی است. و اکنون تمام این شاخص‌ها در توزیع اعتبارات آموزش عالی دیده می‌شود. و همه را با یک شاخص نمی‌بینیم. الان سرانه‌ای که به دانشگاه‌ها می‌دهیم از ۴ میلیون ریال تا ۲۰ و چند میلیون ریال داریم. دانشگاه‌های خوب ما از ۱۶ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال سرانه دانشجویی گرفته‌اند.

از ۱۳,۰۰۰ میلیارد ریال هم ۸,۰۰۰ میلیارد ریال برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۴,۰۰۰ میلیارد ریال وزارت بهداشت و بقیه هم به سایر از جمله آموزش و پرورش تعلق می‌گیرد.

#### اعتبارات فصل آموزش عالی در قانون بودجه سال ۱۳۹۷

میلیون ریال

جمع	اختصاصی	هزینه‌ای	نوع
104,225,406	24,139,083	80,086,323	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
52,676,171	9,068,313	43,607,858	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
1,837,712	911,660	926,052	وزارت آموزش و پرورش
6,468,408	235,637	6,232,771	سایر
165,207,697	34,354,693	130,853,004	جمع

#### شهریه و چند پرسش کلیدی

شهریه مخارجی است که بر عهده دانشجویان و یا والدین آن‌ها گذارده می‌شود تا بر اساس آن تمام یا بخشی از هزینه آموزش عالی را تأمین کنند. بین شهریه و تعرفه خدمات باید تفاوت قائل شد. شهریه برای مخارج آموزشی است و تعرفه خدمات برای دریافت مکمل‌های آموزش مثل خدمات خوابگاهی، تغذیه، ورزش، آرد و ... تعریف می‌شود.

پرسش‌های کلیدی در کاربرد شهریه در دانشگاه‌های دولتی به‌جای آموزش رایگان به‌قرار زیر هستند:

چرا شهریه برقرار می‌شود؟

چگونه میزان شهریه تعیین شود؟

چه کسی میزان شهریه را تعیین کند؟

البته در مورد اینکه شهریه چگونه تعریف می‌شود؟ یا چگونه برقرار می‌شود؟ میزانش چقدر است و چه کسی میزان شهریه را تعیین می‌کند صحبت نمی‌کنیم. البته در همه جای دنیا روی شهریه بحث‌های مختلفی می‌شود. و مقالات مختلفی نیز در مورد آن نوشته شده است.

### استدلال مخالفین اخذ شهریه

مخالفین شهریه سه نظریه به شرح ذیل دارند:

۱. توفیق منافع عمومی آموزش عالی بر منافع خصوصی آن
۲. اثرات سوء دریافت شهریه حتی با فرض اعطای کمک دولتی، بر دسترسی خانوارهای فقیرتر به آموزش عالی یکی از بحث‌ها این است که حتی اگر دولت کمک خود را به صورت وام بدهد و یا شهریه هرچند اندک بگیرد خانواده‌های فقیر از آموزش عالی باز می‌مانند.
۳. دشواری گذار و انتقال از آموزش عالی رایگان به آموزش شهریه‌ای و تبعات آن که برای مثال محدودیت‌های قانون اساسی را داریم که باید به آن توجه کنیم.

### استدلال موافقین اخذ شهریه

- منافع آموزش عالی در وهله اول نصیب دانشجویان می‌شود.
- در نهایت فواید آموزش رایگان نصیب خود شخص می‌شود.
- باعث ارزش یافتن کالاها یا خدمات آموزشی نزد خانوارها می‌شود.
- اگر آموزش عالی رایگان نباشد باعث ارزش پیدا کردن نزد خانواده‌ها می‌شود و قدرش را می‌دانند تا اینکه رایگان باشد.
- در آموزش رایگان بار مربوط، به مالیات‌دهندگانی منتقل می‌شود که یا از خدمات بهره ندارند یا آموزش کم کیفیت و ارزان قیمت دریافت می‌کنند.
- رقابتی نمودن فضای آموزش عالی
- پاسخ‌گو نمودن دانشگاه‌ها در هزینه از محل شهریه نسبت به هزینه از محل بودجه عمومی دولت

### میزان مناسب شهریه در سهم کلی از هزینه آموزش عالی تابع چه عواملی است؟

- ملاحظات تاریخی
- ملاحظات مالی
- ملاحظات سیاسی و توزیعی

### عوامل متفاوت‌ساز در شهریه چیست‌اند؟

- سطوح تحصیلی
- قسط‌بندی یا بودجه‌بندی شهریه
- هزینه برنامه تحصیلی
- بومی بودن یا نبودن دانشجو
- وضعیت مالی خانوار
- توانایی بازپرداخت بدهی توسط دانشجو

### شهریه و افزایش آن در مؤسسات آموزش عالی خصوصی تابع چه عواملی است؟

۱. میزان کمک دولت و روند آن (یارانه)

۲. تقاضا برای ورود به موسسه

۳. کشش قیمتی تقاضا

شهریه را نمی‌توان به هر میزان دلخواه افزایش داد به‌رحال تا اندازه‌ای این کار جواب می‌دهد و بیش از آن کشش ندارد.

۴. کاهش یا افزایش دانشجو نسبت به سال قبل

که بتواند صرفه به مقیاس ایجاد کند.

۵. مقررات دولتی (سقف قیمت)

در این زمینه ما برای همه دانشگاه‌ها سقف شهریه گذاشته‌ایم که بیش از آن نمی‌توانند شهریه دریافت کنند. البته اشکالاتی نیز در قیمت‌گذاری‌ها داریم برای مثال همان قیمتی را برای دانشگاه شریف تعیین می‌کنیم که برای یک دانشگاه در یک شهرستان دور.

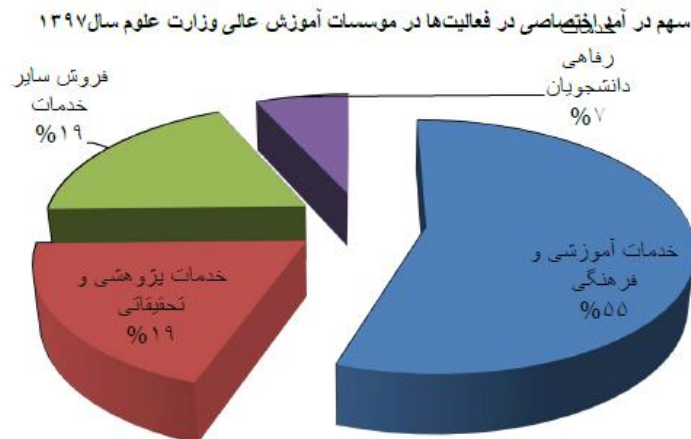
۶. روند هزینه‌ها و تورم

۷. کیفیت آموزش در موسسه

حال می‌خواهیم بحث شهریه را در آموزش عالی بیشتر بررسی کنیم.

حال از این رقم ۲۵۰۰، ۵۵ درصد مربوط به شهریه است یعنی خانوارها از جیب خودشان به دانشگاه‌های دولتی پرداخت می‌کنند. ۱۹ درصد از پژوهش که دکتر مشایخی گفتند سراغ بنگاه‌ها برویم که می‌خواهم بحث ایشان را با این آمار و ارقام کامل کنم که تصمیمات دقیق‌تر و آگاهانه بگیریم. سایر خدمات آموزشی که می‌فروشیم ۱۹ درصد است که شامل کتاب، خدمات آزمایشگاهی و ... است. ۷ درصد نیز از دانشجو بابت خدمات رفاهی مانند خوابگاه و ... می‌گیریم. حال از این ۲۵۰۰ تا، ۱۵ دانشگاه، ۴۴ درصد این سهم را دارند. یعنی درآمدزایی ۱۵ دانشگاه ما معادل ۴۴ درصد کل درآمدها می‌باشد از ۱۹۰ موسسه عالی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

این آمار و اطلاعات را بدین جهت ارائه می‌کنم که اول بررسی کنیم و دریابیم ظرفیت‌ها کجاها قرار دارد که بعد به سراغ گرفتن شهریه برویم یا سراغ تحقیقات و کلاً بدانیم باید برای گرفتن شهریه کجاها را بررسی کرد؟



جدول وضعیت درآمد اختصاصی سال ۱۳۹۶ و لایحه سال ۱۳۹۷ (مبالغ به میلیون ریال)

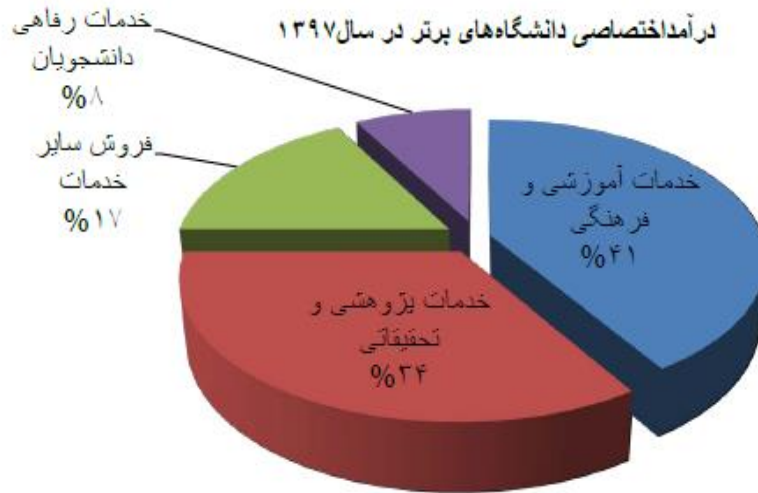
ردیف	عنوان	مصوب سال ۱۳۹۶		لایحه سال ۱۳۹۷		درصد رشد لایحه نسبت به مصوبه ۱۳۹۶
		اعتماد	سهم اعتماد	اعتماد	سهم اعتماد	
1	دانشگاه‌های برتر	10,154,491	۴۲	11,287,837	۴۴	11%
2	دانشگاه‌های جامع استان	3,007,891	۱۲	3,271,286	۱۳	9%
3	سایر دانشگاه‌های استانی	2,249,939	۹	2,383,475	۹	6%
4	دانشگاه شاهد	1,297,133	۵	1,349,500	۵	4%
5	دانشگاه پیام نور	7,500,000	۳۱	7,500,000	۲۹	0%
	جمع کل	24,209,454	۱۰۰	25,792,098	۱۰۰	7%

درآمد اختصاصی مصوب سال ۱۳۹۶ و لایحه ۱۳۹۷  
دانشگاه‌های برتر وابسته به وزارت عتف (واحد: میلیون ریال)

تغییر	لایحه سال ۱۳۹۷	مصوب سال ۱۳۹۶	عنوان
13%	4,627,382	4,087,590	خدمات آموزشی و فرهنگی
20%	3,837,942	3,197,626	خدمات پژوهشی و تحقیقی
21%	917,001	757,707	خدمات رفاهی دانشجویان
-10%	1,905,512	2,111,568	فروش سفر خدمات
11%	11,287,837	10,154,491	جمع کل

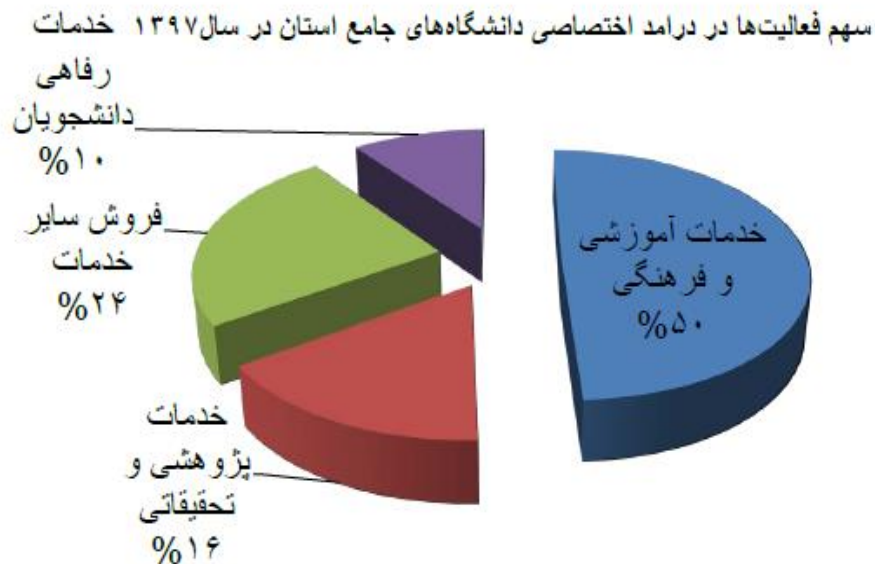
### وضعیت درآمدی دانشگاه‌های برتر

حال برویم سراغ دانشگاه‌های برتر که ۳۴ درصد از پژوهش می‌گیرند که برعکس متوسط‌ها است. یعنی حدود ۲ برابر بیشتر است. خدمات آموزشی ۴۱ درصد است یعنی بیشتر به سراغ ارتباط با صنعت رفته‌اند.



### وضعیت درآمدی دانشگاه‌های استانی

حال خدمات پژوهشی استانی‌های ما ۱۶ درصد است و ...



حال ببینیم در برنامه چه چیزی پیش‌بینی شد که این‌ها سرخطش بود. در واقع این نبود که شش چالش عمده‌ای که در برنامه دیده بودیم فارغ از روند گذشته و روند آینده و آن چیزهایی که باید به آن برسیم بوده باشد. ما در برنامه فکر کردیم که باید این تخصیص منابع باید به هم بخورد و در برنامه ششم این پایه را به شرح ذیل گذاشتیم:

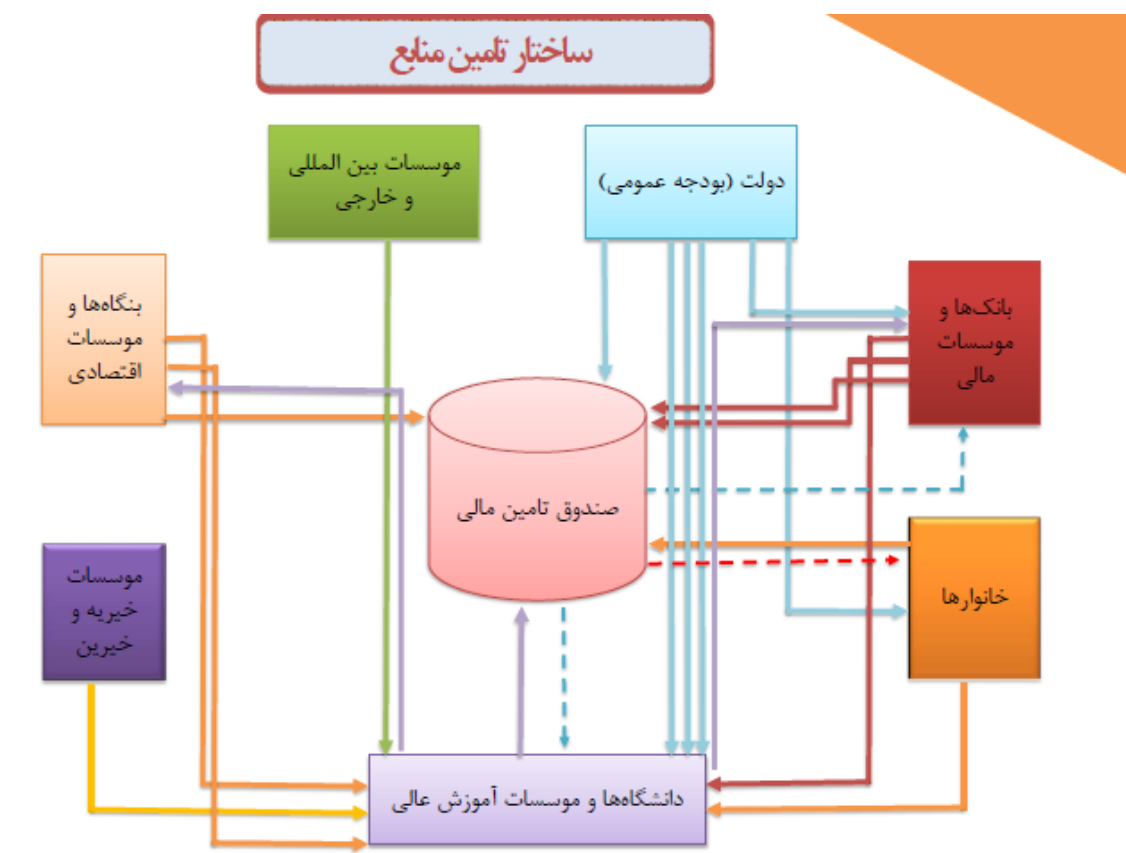
### برخی از اقدامات پیش‌بینی شده در تأمین و تخصیص منابع در برنامه ششم توسعه

۱. امکان‌سنجی و ارائه پیشنهاد برای تأسیس صندوق ملی توسعه علمی و تأمین سرمایه مورد نیاز آن به منظور اصلاح نظام اقتصادی آن و رقابتی کردن فعالیت دانشگاه
- که دو اثر دارد هم در جذب و هم در اینکه خانوار می‌تواند انتخاب کند.
۲. طراحی مدل وام‌های آموزشی در دانشگاه‌های کشور
- اگر نتوانستیم همه منابع را از صندوق توسعه ملی فراهم کنیم می‌توانیم از وام‌های آموزشی به عنوان بهینه دوم استفاده نماییم.
۳. طراحی مدل سوبسیدها (از رشته‌های کم اولویت به رشته‌های پر اولویت، از رشته‌های پر تقاضا به کم تقاضا و از فراگیران برخوردار به فراگیران محروم) در دانشگاه‌های علوم پزشکی....
- در بررسی‌های ما مشخص شد که بخش آموزش عالی پزشکی ما که ذیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است تنها ۱۰ درصد دانشجویان شهریه پرداخت می‌کنند. در حالی که این میانگین در کشور ۱۷ درصد است. یعنی بین ۱۵ تا ۱۷ درصد را شهریه تأمین می‌کند و ۸۳ درصد را خانوارها پرداخت می‌کنند که مسئله بسیار مهمی است. لذا ما برای خرج کردن یا نکردن باید به این آمارها توجه داشته باشیم.
- در آموزش عالی ۲۶ هزار میلیاردی، ۵۰ درصد خانواده‌ها کمک می‌کنند اما برای ۸۷ درصد دانشجویان. لذا باید توجه کرد که بحران‌هایی که دارد درست می‌شود همه‌اش در دولت نیست. باید کارشناس ما به این‌گونه موارد توجه کند برای مثال باید توجه و بررسی کرد که دانشگاه صنعتی اصفهان همان نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان داد که یک دانشگاه در یک شهرستان دیگر؟ این موارد ریز و دقیق در تدوین سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مهم است.
- البته ما شاید نتوانیم در همه این‌گونه موارد و جزئیات ورود پیدا کنیم اما باید با شناخت این موارد، تخصیص منابع امان را طوری انجام دهیم که حداقل در دولت و در بخش بتواند این وضعیت را بر هم بزند.
- برای اینکه بتوانیم کاری بکنیم تجربیات کارشناس همه ما شامل سازمان برنامه و بودجه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بقیه سازمان‌ها رعایت موارد ذیل می‌باشد:

### اصول اولیه و ضروری برای تغییر روش

۱. رعایت اصل ۳۰ قانون اساسی (تعیین سهم دولت مبتنی بر برنامه و با سازوکار معین)

- شما اگر می‌خواهید برای دولت سهمیه تعیین کنید باید بگویید کجاها، چه مواردی، آیا برای همه ۱۹۰ دانشگاه؟  
برای همه پزشکی‌ها؟ برای چه رشته‌هایی؟ و ...
۲. جذب و تأمین منابع سرمایه‌گذاری بیشتر برای بخش آموزش عالی کشور  
پایداری منابع یکی از بحث‌های ما است. باید توجه کنیم که اگر پایداری منابع نداشته باشیم این بحث‌ها بی‌نتیجه خواهد بود.
۳. افزایش حق انتخاب خانوار و دانشجویان  
اگر خانوار و دانشجو بدانند که می‌تواند بگیرد و باید آن‌ها پرداخت کند به رشته‌ای می‌رود که اشتغال بیشتری برایش فراهم باشد و بتواند شهریه را بازپرداخت کند.
۴. افزایش دسترسی (میزان تمکن مالی هیچ‌گاه مانع دسترسی به آموزش عالی نباشد)
۵. افزایش کارایی در تخصیص منابع
۶. نهادسازی فرادستگاهی و حفظ و ارتقای استقلال دانشگاه‌ها  
برای مثال ما می‌خواهیم این صندوق فرادستگاهی باشد تا ضمن حفظ جایگاه خود نتواند آثار منفی بر استقلال دانشگاه‌ها بگذارد.
۷. استفاده حداکثری از نهادهای موجود (صندوق‌های رفاه و صندوق نوآوری و شکوفایی)  
ما اگر بخواهیم صندوق را تأسیس کنیم باید همه این روابط را ببینیم. البته دولت حذف نمی‌شود و حضور خواهد داشت. برای مثال ممکن است دولت بگوید دانشگاه‌های خاصی را کماکان حمایت خواهد کرد، یا بگوید دانشجویان دانشگاه‌های محروم را حمایت خواهیم کرد یا بگوید تجهیزات خاصی را تأمین یا حمایت خواهد کرد و ... پس دولت حضور خواهد داشت. البته جزییات کار بحث مستقلی را می‌طلبد.
۸. اصلاح قوانین و مقررات
۹. تدریجی بودن پیاده‌سازی



### پیشنهادات

۱. تشکیل کارگروه برای بررسی و پیگیری موضوع امکان‌سنجی
۲. تبیین و چرایی
۳. استخراج اصول حاکم و مأموریت‌های اصلی
۴. تبیین روابط آن با اصلی‌ترین ذینفعان در پرتو اصول یادشده (دولت خانواده‌ها بخش‌های اقتصادی، مؤسسات آموزش عالی و ...)
۵. استخراج اصلی‌ترین الزامات (از جمله نهادی، قانونی و مالی)

نهایتاً باید همه با دقت و با جزییات بدانند که می‌خواهیم چه کارهایی انجام دهیم اگر متوجه نشوند مطمئناً از همان ابتدا به انحراف می‌رویم. باید روابط را با اصلی‌ترین ذینفعان تبیین کنیم.



## پرسش و پاسخ

### آقای دکتر سعید نمکی

سه نکته در فرمایشات آقای استاد مشایخی بود یکی اینکه دولت باید آموزش عالی را حمایت و مدیریت کند که در این رابطه آقای دکتر تئودور شولتز از نوبلیست‌های اقتصاد نیز مطرح کرده‌اند که اساساً و حتماً هزینه در آموزش عالی سرمایه‌گذاری است ولی حداقل یک شرط دارد به طوری که بتواند اثراتش را بین ۳ تا ۵ سال در اقتصاد ملی نشان دهد. در مورد سرانه‌های آموزش عالی که دکتر مشایخی ارائه فرمودند می‌توانیم بر اساس قدرت خرید داخلی یا PPP<sup>۱</sup> نیز حساب کنیم. چون سرانه‌هایی که در آموزش عالی ما صرف می‌شود از خیلی از کشورهای توسعه‌یافته کمتر و پیشرفته کمتر نیست. برای مثال الان یک غذای دانشجویی در سلف‌سرویس یک دانشگاه اروپایی در ارزان‌ترین قیمت حدود ۱۵ تا ۲۰ دلار تمام می‌شود همچنین ارزان‌ترین استادها حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار دریافت دارند درحالی‌که گران‌ترین قیمت غذا در خوابگاه‌های ما حدود یک و نیم دلار است به اساتیدمان نیز حدود ۲ هزار دلار پرداخت می‌کنیم. دکتر مشایخی اشاره کردند یکی از دلایلی که دانشجوی ما می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد این است که می‌خواهد بیکار نباشد که من اضافه کنم متأسفانه این فضا و فرهنگ در مورد کسانی که کار می‌کنند نیز وجود دارد یعنی این مشکل در کسانی که شاغل هستند نیز وجود دارد که می‌خواهند ادامه تحصیل بدهند. لازم است اشاره کنم در سال ۱۹۷۶ میلادی یک فرد انگلیسی به نام رونالدو که در کالیفرنیا درس می‌خواند اسم این مدرک‌گرایی را دیپلماتیزم یا بیماری مدرک‌گرایی نامید که متأسفانه این بیماری الان جزئی از فرهنگ ما شده است برای مثال سوئیس‌ها ۷ درصد از فارغ‌التحصیلانشان برای مقاطع تحصیلی بالا می‌روند درحالی‌که در ایران همه در حین کار به مدارج فوق‌لیسانس و دکترا و حتی در رشته‌های غیرمرتبط با لیسانس و فوق‌لیسانس و تخصص خود می‌پردازند.

### آقای دکتر علینقی مشایخی

البته این که باید بر اساس شاخص قدرت خرید داخلی یا PPP نیز محاسبه کنیم مطلب درستی است ولی اگر به PPP به صورت کلی نگاه کنیم نتیجه نهایی این است که یک شخص باید بتواند با حقوقش زندگی خود را بگذراند. نکته دوم اینکه منابعی که خرج می‌کنیم یک مسئله است و چگونگی صرف این منابع بحث دیگری است. ما الان داریم این منابع را هدر می‌دهیم یعنی اگر همین منابع داخلی را به شیوه دیگری خرج کنیم، می‌توانیم موتور نوآوری و فناوری و علم را در کشور راه بیندازیم و استفاده از همین منابع خیلی کارسازتر استفاده شود.

**آقای سعید طاهری**، رئیس امور آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای سازمان برنامه و بودجه کشور نظام آموزش عالی ما یک ورودی دارد که این ورودی در حقیقت افراد دیپلم یا خروجی‌های آموزش و پرورش عمومی و فنی حرفه‌ای هستند. حال اگر آموزش و پرورش انسان‌های خلاق، فکور، نوآور و ... مناسب تربیت کند روی آموزش عالی تأثیر می‌گذارد. یعنی اگر معیارهای سند تحول آموزش و پرورش را داشته باشد خیلی روی آموزش عالی تأثیرگذار است. ولی آموزش و پرورش ما هم در محتوا و هم در ساختار اداری و هم نیروی انسانی، فضا و تجهیزات مشکل دارد و نهایتاً این مشکلات در دور بعدی گریبان گیر آموزش عالی می‌شود. لذا در بسته سیاستی و سیاست‌های پیشنهادی آموزش عالی باید این شرایط، این خروجی‌ها و کیفیت افراد دیپلم دیده شود.

اگر بخواهیم جزیره‌ای عمل کنیم همان‌طور که آقای دکتر شریعتی نیاسر گفتند باز هم دو نظام مجزا از هم خواهیم داشت که یکی به شدت بر دیگری اثر دارد و تأثیرات منفی خواهد گذاشت.

#### **آقای دکتر مجتبی شریعتی نیاسر**

رابطه متناسب بین آموزش و پرورش و آموزش عالی یکی از خلاءهایی است که ما نیز حس کرده‌ایم. از سال دوم دولت یازدهم من به عنوان عضو شورای آموزش و پرورش در جمع دوستان شرکت کردیم و در تعامل بوده‌ایم، البته هنوز به هدف اصلی نرسیده‌ایم. یکی از این موارد کنکور است. اگرچه کنکور یکی از مسائل نسل حاضر است ولی از جنس مسائل دنبال دارد می‌باشد. یعنی هر سال که کنکور برگزار می‌شود برمی‌گردد به روشی که ۳ الی ۴ سال قبل در آموزش و پرورش داشته‌ایم. بنابراین باید تعامل مشترکی داشته باشیم تا بتوانیم طی ۳ تا ۴ سال آینده کنکور را حذف کنیم.

در بحث محتوای درسی جلساتی با دوستان داشتیم که برخی از متون باید تغییر کند چون ما معتقدیم فکر و ذهن بچه‌ها در آموزش عالی متأثر از آموزش و پرورش است یعنی دانشجوی ما ذهنش در مدرسه ساخته شده است. یکی از چالش‌ها یا مسائل امان این است که چرا ۶۰ درصد از دانشجویان رشته‌های علوم تجربی را انتخاب می‌کنند و ۴۰ درصد سایر رشته‌ها را؟

عزم راسخ مدیران یکی از مسائل مهم آموزش عالی است. ولی عزم راسخ در گروهی هماهنگی دستگاه‌های مختلف است که در این رابطه با دو مشکل مواجه هستیم:

۱. بقیه دستگاه‌ها را نتوانسته با خودش هماهنگ کند.
۲. بخشی از اختیارات آموزش عالی به جای دیگر واگذار شده ولی همچنان از آموزش عالی انتظار پاسخگویی دارند. من تمایل دارم در یک جلسه به بررسی ردیف‌ها و اعتبارات دستگاه‌های مختلف که به‌نوعی کار آموزش عالی می‌کنند پرداخته شود و بینیم مسئولیت‌های آموزش عالی در چه حوزه‌هایی است و اعتبارات آموزش عالی در کدام حوزه‌ها. یعنی بحث اعتبارات و اختیارات آموزش عالی را یک‌بار با هم ببینیم و بررسی کنیم.

### آقای دکتر علینقی مشایخی

در مورد هماهنگی میان آموزش و پرورش و آموزش عالی می‌توانیم برای حل مشکل این فرض را هم داشته باشیم اگر آموزش و پرورش ما تغییر نکرد آموزش عالی چه کارهایی باید انجام دهد. دوم اینکه هدف ما از هماهنگی چیست؟ یا برای چه کار یا اهدافی این هماهنگی را می‌خواهیم انجام دهیم. اول ما باید روی آن چیزی که می‌خواهیم انجام دهیم به توافق برسیم و هماهنگ باشیم بعد مشارکت هم داشته باشیم تا هماهنگی بهتری انجام شود. اما من فکر می‌کنم آموزش عالی روی آن چیزی که می‌خواهد انجام بدهد خیلی روشن و دقیق فکر نکرده است.

### آقای دکتر منصور خاکسار، مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور

باید توجه کرد که ما از کجا آغاز کردیم و در چه شرایطی انقلاب کردیم و چه اقدامات مثبت و بزرگی انجام دادیم. باین حال مشکلاتی نیز داریم برای مثال باید ببینیم چه کرده‌ایم که نرخ بیکاری دانش‌آموختگان ما تا این حد افزایش داشته است یا آموزش عالی ما چرا تا این حد گسترده شده است؟ البته باید توجه کنیم که همه مشکلات بر عهده وزرای علوم نیست چرا که بسیاری از دستگاه‌ها نیز مؤسسات آموزش عالی ایجاد کرده‌اند. و بسیاری از وزارتخانه‌ها کارکنان خود را بدون ضوابط لازم به مراکز ضعیف آموزشی می‌فرستند که تا حد دکترا ادامه تحصیل می‌دهند و در مقابل، فارغ‌التحصیلان ممتاز ما بیکار هستند چرا که کارمند شاغل در حین کار تحصیل نیز داشته است. متأسفانه ما ساماندهی نیروی انسانی نداریم و هر از گاهی در هر نهادی بدون توجه به تخصص و نیازمندی آن سازمان، مدارک تحصیلی بالا می‌رود و بسیاری دارای مدارک تحصیلی بالا هستند، نتیجه اینکه دارای توقعات خاص و بالاتر هستند و هر کاری را نیز ممکن است انجام ندهند که در این زمینه دچار مشکل می‌شویم. در آموزش عالی معتمد که اصل ۳۰ قانون اساسی را باید حفظ کنیم ولی فضای رقابتی را هم باید ایجاد، حفظ و تقویت بکنیم. برای مثال اگر دانشجویی استانداردهای لازم علمی را رعایت نکرد شهریه‌اش را باید خودش پرداخت کند. با این کار هم جلوی افت تحصیلی را می‌گیریم و هم باعث رقابت بیشتر افراد می‌شویم.

### آقای دکتر مجتبی شریعتی نیاسر

من و آقای وزیر و همکارانم در وزارتخانه باید پاسخگوی مسائل آموزش عالی باشیم و این را هم بارها در جلسات مجلس به نمایندگان عرض کرده‌ام ولی عواملی که باعث به وجود آمدن یکسری مسائل و مشکلات شده مربوط به جاهای دیگری است. برای مثال اگر بخواهیم دوره‌های کاردانی و تکنسین یا دوره‌های مهارت افزایی را اعتبار ببخشیم کل نظام باید وارد شود. آموزش عالی فقط می‌تواند مدرک ارائه و کیفیت اولیه آموزش را انجام دهد.

### آقای محمد آتشک، رییس گروه امور فرهنگ، گردشگری و ورزش

به نظرم روی مفاهیم و معانی عباراتی که بکار می‌گیریم باید اشتراک معنا، آن هم به درستی داشته باشیم. من می‌خواهم در مورد معنا و مفهوم دقیق‌تر چالش صحبت کنم. یکی از تعاریف چالش در کتابی که در ایران ترجمه شده به

نام "چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم" ارائه شده که نویسنده در این کتاب می‌گوید باید بین مسائل و چالش‌ها تفاوت گذاشت. چالش‌ها ناظر بر عوامل بیرونی هستند اما مسائل ناظر بر عوامل درونی هستند. چالش‌ها امواجی هستند که پیش روی ما قرار دارند و با این تفسیر برای چالش چند ویژگی بیان می‌شود: ۱- عینی بودن ۲- جدید بودن ۳- ناظر به آینده بودن و ۴- غیر ارادی بودن.

به نظر من آنچه در این نشست و حتی چهار همایش آموزش عالی که تنها در یک ماه اخیر برگزار شده است ما مسائل را بیان کرده‌ایم و به چالش‌ها پرداخته نشده است.

توجه به این تعریف و مفهوم از این جهت مهم است که برخورد با مسائل با چالش‌ها فرق دارد. در مورد چالش‌ها باید با آن‌ها مقابله کنیم و چالش را به فرصت تبدیل کنیم و اگر نتوانیم، چالش‌ها به مسئله تبدیل می‌شود. همچنین مانند محیط‌زیست و انرژی در بیرون از کشور که این چالش راهکار مدیریت سبز را به وجود آورده است یا در برخورد با چالش افسردگی نوجوانان که مدرسه شاد به وجود آمده است یا در برابر چالش بلایای طبیعی، مدرسه ایمن ایجاد شده است. به نظر من همه این موارد چالش‌های ما نیستند بلکه درونی بوده و ناشی از سوء کارکردهای ما می‌باشند و هیچ کدام موجی که از روبرو بیاید نیست بلکه وضعیت فعلی ما را نشان می‌دهد.

#### آقای دکتر مجتبی شریعتی نیاسر

نکته‌ای که آقای آتشک در مورد تعریف چالش‌ها مطرح کردند درست است البته همه این‌ها جزو مشکلات ما هستند.

#### آقای سعید جلالی، معاون امور صنعت، معدن، بازرگانی و ارتباطات

بررسی‌ها نشان می‌دهد که آموزش عالی دارای ۴ نسل می‌باشد:

۱. نسل اول آموزشی

۲. نسل دوم پژوهشی

۳. نسل سوم کارآفرین

۴. نسل چهارم فعال و مشارکت‌کننده برای انجام اصلاحات و ساختن جامعه

بررسی‌های بنده نشان می‌دهد که علیرغم تلاش زیاد، متأسفانه دانشگاه‌های ما عمدتاً در نسل اول و دوم مانده‌اند. لذا پیشنهاد می‌کنم تحقیقی در رابطه با ویژگی‌های دانشگاه نسل ۳ و ۴ داشته باشیم که می‌تواند تأثیرات عمیق و پایداری در کشور به جای بگذارد.

#### آقای علیرضا نیک‌آیین، معاون حوزه

برنامه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید معطوف به مسائل ما باشد و آن‌ها را حل کند به عبارتی باید مسئله محور باشد. برای مثال یکی از مشکلات کنونی کشور هرم مهندسی است که طبق استانداردهای بین‌المللی به ازای هر مهندس ۴ تکنسین وجود دارد ولی در ایران به ازای هر ۴ تکنسین یک مهندس وجود دارد.

همچنین بیکاری دانش‌آموختگان ما زیاد است و در یکی از آمارها حدود ۳ میلیون نفر بیان شده که بسیار زیاد است و باید برای رفع آن نیز اقدامات اساسی انجام داد.

### آقای دکتر علینقی مشایخی

بخشی از منابع دانشگاه‌های جهان از شرکت‌های کارآفرین تأمین می‌شود و نکته دیگر اینکه آموزش عالی در تعامل با بازار خود را نشان می‌دهد البته با یک تأخیر و با یک اتلاف منابع عظیم. مواردی داریم که در دستگاه‌ها افرادی ادامه تحصیل داده‌اند که واقعاً کیفیت تحصیل هم پایین بوده است ولی از مزایای آن استفاده می‌کند. لذا در تخصیص منابع هم، اتلاف منابع ایجاد می‌کنیم و هم مشکلاتی را ایجاد می‌کنیم که بعداً برای ما هزینه‌های مختلف ایجاد می‌کند. در نگرش سیستمی بیان می‌شود که مسائل امروز ما حاصل تصمیمات گذشته خودمان است. لذا باید این دریچه و دیدگاه را باز کنیم که خودمان چه کرده‌ایم که الان به اینجا رسیده‌ایم.

### آقای دکتر غلامرضا گرایی نژاد

باید توجه کنیم که گاهی اوقات در دستگاه‌های مختلف بدون مطالعات و بررسی‌های دقیق به عنوان کارشناس یا گزارش کارشناسی چیزهایی می‌نویسیم یا می‌گوییم ولی نهایتاً می‌بینیم که امکان اجرایی شدن ندارد یا علیرغم تأکید گفتاری به اهمیت مباحث کارشناسی به گزارشات کارشناسان توجه کافی نمی‌کنیم. برای مثال ما به مجلس می‌گوییم که اهداف برنامه را نباید قانون کنید چون این‌ها پیش‌بینی است و درحالی‌که این جداول را قانون کرده‌اند. یا برای مثال پیش‌بینی ما این بود که جمعیت دانشجویی را کاهش دهیم. ولی از آن طرف بر اساس نقشه علمی کشور مطرح می‌کنند که شما پوشش را از ۱۸ درصد را به ۶۰ درصد برسانید و هر چقدر گفته می‌شود که امکان‌پذیر نیست توجه نمی‌شود.

همچنین مطرح شد که دانشجویان از چهار میلیون و هشتصد به ۴ میلیون ۳۰۰ کاهش پیدا کنند یعنی ۵۰۰ هزار تا کم شود که الان به ۴ میلیون ۷۰ نفر رسیده است که البته به یک معنا از برنامه جلو افتاده‌ایم ولی درواقع از ابتدا دیدگاه درست کارشناسی نداشته‌ایم.

بحث آقای نیک‌آیین درست است و یکی از معضلات ما می‌باشد. ولی این مسئله به‌تنهایی در اختیار ما نیست و خانواده‌ها تصمیم می‌گیرند... از یک طرف هم یک عده گفتند نظام پیوسته کارشناسی ایجاد کنیم و کاردانی را حذف کنیم. یعنی ما تا به حال تکنسین از فنی حرفه‌ای می‌گرفتیم ولی حالا می‌گوییم یا تکنسین فنی و حرفه‌ای یا بدون کنکور بروند دانشگاه و مدرک کارشناسی بگیرند. خوب خانواده هم با توجه به شرایط جامعه قطعاً لیسانس را انتخاب می‌کند. لذا همه موارد در اختیار سازمان برنامه‌بودجه نیست.

### آقای دکتر فرهاد دژپسند

فرهنگ و ارزش‌هایی که جامعه تعریف می‌کند و در سیستم اداری داریم نیز مؤثر است.

### آقای دکتر غلامرضا گرایبی نژاد

بله مثلاً پرداخت‌ها را طوری تنظیم کرده‌ایم که به کارشناس بیشتر از کاردان پرداخت می‌کنیم.

### آقای دکتر مهدی پازوکی، مشاور معاونت فنی، امور زیربنایی و تولیدی

آموزش عالی ما مشکلات زیادی دارد یکی از مهم‌ترین مشکلات آموزش عالی و دانشگاهی با توجه به شرایط جهانی، کمبود خلاقیت و نوآوری علمی است برای مثال می‌بینیم که ما رشته‌های زیادی ایجاد کرده‌ایم ولی در سطح علمی داخلی و خارجی منابع متناسبی را تولید و عرضه نکرده‌ایم.

یا می‌بینیم در برخی از شهرهای کوچک تعداد زیادی دانشگاه با هزینه بالا ایجاد کردیم که هم کیفیت پایین آمده است هم منابع دولتی و بخش خصوصی را صرف کرده‌ایم.

همچنین یکی از مشکلات دیگر تعداد دانشگاه‌هاست، برای مثال آلمان دارای ۴۹۲ واحد دانشگاهی است در حالی که در کشور ما ۲۶ هزار واحد دانشگاهی یعنی ۵ برابر کشور آلمان داریم. و بسیاری از آن‌ها به کارخانه مدرک سازی تبدیل شده‌اند که کیفیت مناسب را ممکن است نداشته باشند و بسیاری از تحصیل‌کرده‌های ما که در دولت هستند به دلیل تحصیل در برخی از این مراکز از کیفیت پایین تحصیلی برخوردارند.

همچنین ستاد انقلاب فرهنگی بدون توجه به شرایط و نظر سایر سازمان‌های مسئول به دلیل همین جزیره‌ای عمل کردن ممکن است تصمیماتی بگیرد که هزینه بالایی برای کشور ایجاد می‌کند.

زنده‌یاد دکتر حسین عظیمی می‌گفت شخصیت ما پشت میزهای آموزش و پرورش شکل گرفته است. لذا ما می‌بینیم در ژاپن که تجربه بررسی آن را از نزدیک داشته‌ام می‌بینیم که بهترین نیروهای دانشگاهی جذب آموزش و پرورش می‌شوند ولی در کشور ما بهترین نیروها جذب آموزش عالی می‌شوند و حاضر به استخدام در آموزش و پرورش نیستند و این بدین معناست که کیفیت نیروی انسانی در آموزش و پرورش به عنوان زیر بنای آموزش عالی پایین می‌آید.

همچنین ما دانشگاه فرهنگیان درست کردیم که به جای اینکه بهترین‌های ما وارد آن شوند افراد با رتبه بالای ۱۰,۰۰۰ تا ۱۵,۰۰۰ را با امکانات مالی استخدام می‌کند ولی از آن طرف بهترین فارغ‌التحصیل دانشگاه اگر بخواهد نمی‌تواند وارد آموزش و پرورش باشد. به نظر من دانشگاه‌های فرهنگیان باید در دانشگاه‌های مراکز استان ادغام شود.

### آقای محمد جواد محسنی‌نیا، صاحب‌نظر حوزه برنامه‌ریزی

بخش بزرگ و پیچیده‌ای مانند آموزش عالی مسائل زیادی دارد که باید روی هر کدام متمرکز شد لذا در یک نشست نمی‌توانیم وارد این مسائل با دقت زیاد شویم. البته به نظرم خود وزارت علوم نیز بیشتر بر کارهای اجرایی و کوتاه‌مدت و شکلی متمرکز شده است.

به نظر بنده وزارت علوم نباید وارد محتوا شود بلکه آن را به دانشگاه‌ها واگذار کند. وزارت علوم به دنبال منطقه کردن دانشگاه‌ها است که نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. بگذاریم دانشگاه‌ها برای خودشان فکر و برنامه‌ریزی کنند.

این اقدام که به دانشگاه‌های معتبر پول بدهیم آن‌ها را روزبه‌روز ضعیف‌تر خواهیم کرد. ما باید چارچوبی تهیه و به دولت ارائه دهیم و مراکز ضعیف دانشگاهی را تعیین تکلیف کنیم. دولت باید بگوید چون تأمین مالی می‌کنم صرفاً اجازه رشد با کیفیت را خواهیم داد.

دولت باید تأمین مالی خود را با توجه به محدودیت بودجه، دقیق و هدفمند کند. برای مثال ممکن است بگوید برخی از رشته‌ها را در مقاطع خاصی چون نیاز جامعه است را تأمین مالی می‌کنم ولی بقیه موارد باید بخشی از اعتبار را دانشجو تأمین کند. برای مثال ممکن است پزشک عمومی را تأمین مالی بکنیم ولی متخصص پوست خودش شهریه را پرداخت کند یا برای خدمت در مناطق محروم تأمین مالی می‌کنم و امثال آن.

#### آقای محمدرضا رستمی، معاون مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

همه سخنرانان محترم بر اینکه کیفیت آموزش عالی کاهش یافته است تأکید داشتند که یکی از مشکلات در این رابطه این است که بخش آموزش عالی ما به صورت جزیره‌ای مسیر خودش را می‌رود و بخش صنعت نیز بی‌توجه به بخش آموزش عالی مسیر دیگری را در پیش گرفته است. برای مثال در بخش‌های صنعت، وقتی یک مهندسی شیمی که از دانشگاه استخدام می‌کنیم باید مدت‌ها در کنار یک کارگر ساده و بدون مدرک کار کند تا کار را یاد بگیرد. در رابطه با تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه باید کاری کرد که متخصص هر حوزه در حین تحصیل دقیقاً با شرایط صنعت و شرایط بازار کار آشنا شود.

اگرچه بیان شد که مدرک و مدرک‌گرایی به صورت فرهنگ و ارزش درآمدی است ولی باید توجه داشت که سیستم‌های خودمان باعث این مسئله شده‌اند و از همین طریق نیز باید به کاهش و رفع آن اقدام نمود.

#### آقای دکتر فرهاد دژپسند

سازمان برنامه‌بودجه نگاه بلندمدت به رشد و توسعه کشور دارد و به دنبال رصد توسعه و جلوگیری از هدر رفت منابع است و همیشه به دنبال اجرای این وظایف بوده است که خوشبختانه مباحث این نشست در همین راستا می‌باشد. در این سازمان با بررسی‌های کارشناسی که توسط کارشناسان قوی و با تجربه آن انجام و ارائه شده است کارهای بزرگی صورت گرفته شده و جلوی ایجاد انحرافات و مشکلات زیادی گرفته شده است ولی در این حوزه از سال ۱۳۸۵ مسیر به بیراهه رفت و یک روند نامطلوب شکل گرفت. خوشبختانه خاصیت سازمان برنامه فرابخشی و بین بخشی بودن آن است که به همین دلیل و به دلیل وجود کارشناسان متخصص بخشی، فرابخشی و رشته‌های مختلف مباحث را از زوایای مختلفی می‌تواند بررسی کارشناسی نماید.

## جمع‌بندی

زمان برگزاری نشست "آینده آموزش عالی: چالش‌ها و راهکارها" حدود ۲,۵ ساعت بوده است، از این رو سخنرانان با توجه به فرصت خود به ارائه عمده‌ترین چالش‌ها و راه‌کارهای آموزش عالی در شرایط کنونی پرداختند. جمع‌بندی ذیل با توجه به مفاد مطالب سخنرانان و سایر صاحب‌نظران نشست تهیه شده است.

### برخی از مهم‌ترین چالش‌ها، مسائل و مشکلات آموزش عالی

- جامعه‌محور نبودن نظام آموزش عالی ایران (ارتباط محدود با نیازهای جامعه)
- کم‌توجهی نسبت به آموزش دانش‌آموختگان متناسب با نیازهای بازار کار
- توسعه بی‌رویه دانشگاه‌ها بدون تناسب لازم با نیازمندی‌ها و الگوی توسعه کشور
- مهاجرت دانش‌آموختگان تراز اول دانشگاه‌های معتبر کشور
- ضعف نظارت بر کارایی دانشگاه‌ها
- کاهش کیفیت دانش‌آموختگان به دلیل گسترش بی‌رویه آموزش عالی
- کاهش خلاقیت و نوآوری علمی به نسبت گسترش آموزش عالی
- بالا بودن قیمت تمام‌شده محصول دانشگاه‌ها
- جزیره‌ای عمل کردن دانشگاه‌ها
- رشد بی‌رویه کمی دانشگاه‌ها و جمعیت دانشجویی
- توسعه بی‌رویه دانشگاه‌ها بدون توجه به اصول و ضوابط آمایش سرزمین
- عدم تناسب تعداد دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی
- تربیت تک‌بعدی دانشجویان بدن توجه لازم به فرهنگ و علایق ملی
- اشکال در نحوه ارتقای اعضای هیات علمی
- عدم نقش‌آفرینی لازم نظام آموزش عالی در تولید کشور
- عدم بازگشت دانش‌آموختگان ایرانی دانشگاه‌های خارجی و به‌ویژه دانشگاه‌های طراز اول
- کمبود منابع مشخص مالی دولت برای تأمین نیازهای آموزش عالی ایران
- عدم تطابق برخی شاخص‌های اسناد بالادستی آموزش عالی با واقعیت‌ها و سیاست‌های جاری
- گرایش بیشتر به رشته‌های علوم تجربی
- تمرکز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر کارهای کوتاه‌مدت، اجرایی و شکلی
- ...



### برخی از مهم‌ترین راهکارهای آموزش عالی

- تمرکز روی تحقیقات مسئله محور در دانشگاه‌ها
- تقسیم کار بین دانشگاه‌ها برای پرداختن به چالش‌ها، مسائل و مشکلات کشور
- اجرای مفاد برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در حوزه آموزش عالی
- اجرای سیاست عدم تمرکز در امور آموزش عالی (واگذاری اختیارات به دانشگاه‌ها و هیئت‌امنائی آن‌ها)
- اختصاص اعتبار ویژه برای مهارت افزایی دانشجویان
- رصد شغلی دانش‌آموختگان برای تجزیه و تحلیل بازار کار و تناسب بیشتر آموزش عالی با بازار کار
- رعایت اصل ۳۰ قانون اساسی<sup>۱</sup> با توجه به اصول رقابتی کردن آموزش عالی
- تبیین روابط آموزش عالی با اصلی‌ترین ذینفعان (دولت، خانواده‌ها، بخش‌های اقتصادی، مؤسسات آموزش عالی و ...)
- هدایت دانشگاه‌ها به نسل سوم (کارآفرین) و نسل چهارم (فعال و مشارکت‌کننده در مسائل جامعه)
- تعیین شاخص‌های ارزیابی دانشگاه‌های مدنظر و اعضای هیات علمی بر اساس پرداختن به چالش‌ها، مسائل و مشکلات کشور

- اخذ مستمر نظرات صاحب‌نظران در مورد برنامه‌های آموزش عالی

- اجرای سه برنامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شرح ذیل:

۱. برنامه ساماندهی مؤسسات با اولویت مراکز دولتی (ارزیابی شاخص‌های استاندارد در کلیه مراکز/ تفکیک مناطق توسعه‌یافته و درحال توسعه/ تبیین روش و مراحل ساماندهی برای مرکز درحال توسعه/ بررسی و نظارت بر برنامه راهبردی این‌گونه مراکز/ ارتقاء نقش هیات‌های امانا در هدایت مراکز در مدار برنامه)
۲. برنامه توسعه مهارت افزایی و ارتقاء اشتغال‌پذیری دانشجویان (برنامه بلندمدت و کوتاه‌مدت) (اصلاح و به‌روز نمایی برنامه‌های درسی با رویکرد کاربردی و میدانی/ ایجاد و تقویت مراکز توانمندسازی اساتید (FDC) در مرکز با اولویت سطح ۱/ ارائه دروس اختیاری و اعمال برنامه‌های ویژه در بخش آموزش/ رصد وضعیت دانش‌آموختگان از طریق ایجاد و تقویت انجمن‌های دانش‌آموختگان/ توجه ویژه به حوزه علوم انسانی با توجه به سهم جمعیتی در آموزش عالی)
۳. برنامه ارتقاء سطح اختیارات دانشگاه‌ها (به تناسب جایگاه در نظام سطح‌بندی) (پیاده‌سازی طرح مدیریت منطقه‌ای و تمرکززدایی از ستاد/ بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی با اولویت بین‌رشته‌ای/ تعیین تقویم آموزشی متناسب با شرایط اقلیمی و منطقه‌ای/ انعطاف در اجرای مقررات آموزشی در هر سه مقطع تحصیلی/

۱. اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.

تعیین و تعریف دروس اختیاری مؤثر در مهارت افزایی / حمایت از برگزاری دوره‌های مشترک با مراکز معتبر خارجی / پذیرش دانشجوی مشترک با مراکز تحقیقاتی داخلی)

- ایجاد تفاوت در شهریه و میزان بازپرداخت آن بر اساس رشته‌های مختلف و درآمدهای آتی
- تقویت جایگاه کارگروه‌های تخصصی در امور آموزش عالی
- تعیین چارچوب و استانداردهای متمرکز
- اجرای پروژه‌های اقتصاد مقاومتی آموزش عالی
- پیشگیری از تعریف اعتبار، ایجاد مؤسسات جدید و یا دانشگاه
- کوچک‌سازی تشکیلات و سازمان‌دهی درون دانشگاهی (با رویکرد بین‌رشته‌ای و ...)
- حمایت حقوقی از گواهی‌های مهارتی برای اشتغال توسط کلیه دستگاه‌ها و سازمان‌های کشور
- تنوع‌بخشی به مدارج تحصیلی برای ورود زود هنگام و هدفمند به بازار کار
- تعیین شاخص‌های تشویقی برای ترغیب نسل جوان به دوره‌های کاردانی
- اصلاح شیوه‌های جاری آموزش برای پویایی بیشتر و تعامل بهتر با بازار کار
- تأکید بر هم‌افزایی و انتقال اقدامات علمی و فنی خودجوش و هدفمند دانشگاه‌ها
- توسعه کمی و کیفی دوره‌های فنی
- انحلال یا محدود کردن رشته‌های اشباع‌شده
- استفاده از مشارکت جمعی و عقلانیت در امور آموزش عالی
- عزم جدی و راسخ برای ارتقای علمی دانشگاه‌ها
- رعایت اصل ۳۰ قانون اساسی (تعیین سهم دولت مبتنی بر برنامه و با سازوکار معین)
- جذب و تأمین منابع سرمایه‌گذاری بیشتر برای بخش آموزش عالی کشور
- افزایش حق انتخاب خانوار و دانشجویان در پرداخت شهریه
- افزایش دسترسی به آموزش عالی (ضعف تمکن مالی مانع دسترسی به آموزش عالی نباشد)
- استفاده حداکثری از نهادهای موجود (صندوق‌های رفاه دانشجویان، صندوق نوآوری و شکوفایی و ...)
- اصلاح قوانین و مقررات لازم برای افزایش کارایی دانشگاه‌ها
- استخراج اصلی‌ترین الزامات ارتقای آموزش عالی (از جمله نهادی، قانونی، مالی و ...)
- اصلاح سهم پرداختی خانوارها در گروه‌های علوم پزشکی به نسبت گروه‌های غیرپزشکی
- رعایت معیارهای سند تحول آموزش و پرورش به‌عنوان مرجع اثرگذاری بر آموزش عالی
- ساماندهی نیروی انسانی دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌ها بر اساس مدارک و مدارج موردنیاز
- استفاده از ظرفیت‌های موجود برای متناسب‌سازی آموزش و پرورش با نیازهای آموزش عالی

- هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی برای تحقق اهداف آموزش عالی
- لزوم تناسب میان اعتبارات و اختیارات آموزش عالی
- پرداخت شهریه توسط دانشجویانی که رعایت حداقل استانداردهای آموزشی را نمی‌کنند.
- عدم تأکید صرف بر مقاله محوری در دانشگاه‌ها
- اصلاح هرم مهندسی کشور (نسبت مهندس به تکنسین)
- ارتباط بیشتر دانشگاه‌ها با شرکت‌های کارآفرین برای رفع نیازهای آنان
- اصلاحات لازم در فرهنگ و ارزش‌های ادارات و ... در حوزه مدرک‌گرایی
- انتقال دانشگاه فرهنگیان به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- واگذاری تأمین محتوا به دانشگاه‌ها
- پرداخت شهریه‌ها متناسب با بازار کار رشته‌ها مانند پزشکی و ...
- ارتباط بیشتر دانشگاه با صنعت
- ارائه آموزش‌های لازم برای کمک به دانشجویان برای شناخت و کارکرد مناسب مهارت‌های علمی در محیط‌های کاری، اجتماعی و ...

## تصاویری از نشست





